

مریم معین الاسلام
علی غلامی

رساله‌های مستطین

مستطین
و منشور پررنگ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زن منتظر و منتظر پرووری

نویسنده:

مریم معین الاسلام

ناشر چاپی:

انتظار موعود

فهرست

۵	فهرست
۱۳	زن منتظر و منتظرپروری
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۴	چشم انداز اول: ضرورت بحث از رسالت های زن منتظر
۱۴	پله اول: جایگاه شناسی
۱۴	اشاره
۱۵	اقدام اول: شناخت جایگاه زن در اسلام
۱۵	اشاره
۱۵	گام اول: همتا دانستن زن و مرد
۱۶	گام دوم: توجه به ارزشمندی زنان و تکریم آنان
۱۶	گام سوم: پرورش و تربیت زنان شایسته در پرتو هویت بخشی
۱۷	اقدام دوم: جایگاه زن در جامعه مهدوی
۱۷	اشاره
۱۸	خلاصه مطالب
۱۸	پله دوم: ضرورت شناسی
۱۸	اشاره
۱۸	اقدام اول: شناخت ضرورت ایجاد انگیزش درونی
۱۹	اقدام دوم: شناخت دشواری های دوران آخرالزمان
۱۹	گام اول: شناخت وضعیت زنان در دوران معاصر
۲۰	گام دوم: زنان آ خر الزمان در روایات
۲۲	اقدام سوم: شناخت وضعیت زنان در عصر ظهور

۲۲	اقدام چهارم: شناخت راه نجات از گذرگاه صعب العبور آخرالزمان
۲۲	اشاره
۲۲	گام اول: شناخت تنها راه نجات بخش
۲۳	گام دوم: پیوند امام شناسی ۱ با خداشناسی
۲۴	گام سوم: بهره مندی از آثار و برکات ولایت پذیری
۲۴	۱. بهره مندی از هدایت پاداشی
۲۵	۲. برعهده گرفتن سرپرستی فرد توسط معصومین علیهم السلام
۲۵	۳. کسب آرامش و امنیت فردی و اجتماعی
۲۵	۴. برخورداری از شفاعت اهل بیت علیهم السلام در دنیا و آخرت
۲۶	اقدام پنجم: پاسخگویی به انتظارات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۶	اقدام ششم: شناخت خطرات و آثار بی توجهی به وظایف
۲۶	اشاره
۲۸	خلاصه مطالب
۲۹	پله سوم: وظیفه شناسی
۲۹	اقدام اول: شناخت مراحل حرکت زن منتظر
۲۹	گام اول: توجه به جامعیت و سیستمی بودن دین
۲۹	گام دوم: شناخت مراحل مختلف پیش روی زن منتظر
۳۰	اقدام دوم: توجه به وظیفه مندی و ضرورت رفع غربت از حضرت مهدی
۳۰	گام اول: درک غربت و اضطراب یوسف فاطمه علیها السلام
۳۱	گام دوم: وظیفه مندی در نصرت و یاری دین خدا
۳۲	گام سوم: عمل به مسئولیت ها و تکالیف
۳۲	گام چهارم: دلتنگی و ناشکیبایی در فراق امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
۳۲	اقدام سوم: هدف
۳۲	گام اول: هدف گذاری

۳۳	گام دوم: رعایت مراحل لازم برای تحقق عمل
۳۳	گام سوم: لزوم ایجاد اعتماد به نفس لازم برای برداشتن گام های بلند
۳۳	گام چهارم: ایجاد ظرفیت های لازم برای تحمّل دشواری ها
۳۴	خلاصه مطالب
۳۵	چشم انداز دوم : زن منتظر و رسالت های شناختی و اعتقادی او
	دلش برای زیارت مولایش چنان بی تاب و مشوش بود که عنان از او گرفته بود. از هیچ اقدامی فروگذار نکرده بود. به ذهنش خطور کرد که بهترین راه.
۳۵	اشاره
۳۵	اقدام اول: خدانشناسی و هستی شناسی
۳۵	گام اول: شناخت اهمیت موضوع
۳۵	گام دوم: نگاه با تدبّر و دقّت به پدیده های عالم
۳۶	گام سوم: بایسته های خدانشناسی و هستی شناسی
۳۷	گام چهارم: اهمیت شناخت نسبت خیر و شر در عالم
۳۸	اقدام دوم: انسان شناسی
۳۸	گام اول: شناخت عظمت انسان
۳۸	گام دوم: شناخت جایگاه انسان
۳۸	گام سوم: شخصیت انسانی زن منتظر
۳۹	گام چهارم: توجه به تفاوت های تکوینی و تشریحی زن و مرد
۴۰	گام پنجم: اصول حاکم بر شخصیت زن مسلمان
۴۰	۱. اعتقاد به متفاوت بودن راه های کمال زن و مرد
۴۰	۲. وجود تفاوت های تکوینی زن و مرد و هماهنگی آنها با شریعت
۴۰	۳. مکملیت زن و مرد
۴۱	۴. خانواده به عنوان رکن اساسی
۴۱	۵. ضرورت نگاه هماهنگ به اخلاق و حقوق
۴۲	اقدام سوم: دین شناسی

۴۲	گام اول: شناخت ضرورت دین
۴۲	گام دوم: شناخت جامعیت دین
۴۲	گام سوم: شناخت نظام سیستمی اسلام
۴۴	گام چهارم: نحوه نگاه سیستمی زن منتظر به دین
۴۵	گام پنجم: شناخت ارکان دین
۴۵	گام ششم: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شناسی
۴۵	۱. مفهوم و جایگاه امامت
۴۶	۲. شخصیت شناسی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۴۶	اشاره
۴۷	فلسفه غیبت و انتظار
۴۷	شرایط و علایم ظهور
۴۸	۴. ویژگی های ظهور و دوران حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۴۸	اقدام چهارم: دشمن شناسی
۴۹	اشاره
۴۹	گام اول: درک ضرورت شناخت مهدی ستیزان
۴۹	گام دوم: شیطان شناسی
۴۹	۱. ضرورت شناخت شیطان
۵۰	۲. ابزار و روش شیطان و راه مقابله با آن
۵۱	گام سوم: شناخت جاهلیت مدرن
۵۱	اشاره
۵۱	۱. اوما نیسم
۵۲	۲. سکولاریسم
۵۲	۳. نسبیّت گرایی
۵۲	۴. فرد گرایی

گام چهارم: شناخت نفس اماره ۵۳

اشاره ۵۳

خلاصه مطالب ۵۳

فرعون گمان می کرد که ملکه کاخ نشین مصر، شیفته تجملات و شهوات و زرق و برق دنیای مادی است و در گمراهی و ضلال، همراه و در ظلم و ستم

اشاره ۵۴

اقدام اول: خانواده شناسی ۵۴

اشاره ۵۴

گام اول: شناخت اهمیت تشکیل خانواده ۵۴

گام دوم: شناخت کارکرد های خانواده ۵۵

گام سوم: درک ضرورت استحکام خانواده ۵۵

گام چهارم: آسیب شناسی خانواده ۵۶

اقدام دوم: منزلت شناسی (جایگاه زن در خانواده ه) ۵۷

اشاره ۵۷

گام اول: نقش و جایگاه زن در خانواده ه و تربیت نسل ولایی ۵۷

گام دوم: ضرورت مهم انگاشتن نهاد خانواده و اصالت آن ۵۹

اقدام سوم: مهارت شناسی (سازو کارهای تربیت نسل منتظر) ۶۰

اشاره ۶۰

گام اول: انتخاب شایسته ۶۱

گام دوم: توجه به آموزه های دینی هنگام انعقاد نطفه ۶۱

گام سوم: رعایت الزامات دوران بارداری ۶۲

گام چهارم: توجه به آموزه های کوچک ولی مهم بدو تولد ۶۲

گام پنجم: دوران شیردهی ۶۳

گام ششم: القای محبت به ولی خدا در دوران کودکی ۶۳

گام هفتم: تعمیق محبت به ولی خدا در دوران نوجوانی ۶۵

۶۶	گام هشتم: ترویج محبت به ولی خدا در دوران جوانی
۶۷	خلاصه مطالب
۶۸	جنگ احد به لحظات حساس خویش نزدیک می شد عده ای از مسلمانان کشته و مجروح و برخی فرار کرده بودند. رسول خدا (ص) در میان معدود ی
۶۸	اشاره
۶۸	اقدام اول: جایگاه شناسی
۶۸	گام اول: شناخت نقش و جایگاه اجتماع در عصر کنونی
۶۹	گام دوم: تبیین نقش و جایگاه زن در اجتماع
۶۹	گام سوم: شناخت دیدگاه اسلام پیرامون مشارکت اجتماعی زنان
۷۱	گام چهارم: شناخت عصر ظهور و جایگاه زن منتظر در آن
۷۱	اشاره
۷۱	۱. جامعه آخرالزمان
۷۲	۲. جامعه عصر ظهور و حکومت جهانی
۷۲	اشاره
۷۲	۱-۲. وضعیت اقتصادی در عصر ظهور
۷۴	۲-۲. وضعیت سیاسی در عصر ظهور
۷۴	۲-۳. وضعیت فرهنگی در عصر ظهور
۷۶	جمع بندی وضعیت جامعه در عصر ظهور
۷۷	اقدام دوم: رسالت شناسی
۷۷	گام اول: مشارکت در زمینه سازی ظهور
۷۷	اشاره
۷۷	۱. ویژگی های زمینه سازان ظهور
۷۷	۱-۱. صلابت و استواری
۷۷	۱-۲. اهل مبارزه
۷۸	۳-۱. همدلی و همراهی یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

- ۷۸ ۲. زن منتظر و مشارکت در تشکیل دولت زمینه ساز ظهور
- ۷۸ اشاره
- ۷۹ گام دوم: حضور فعال در عرصه اصلاح اجتماعی
- ۸۰ گام سوم: مقابله با جریان های انحرافی و اندیشه های خرافی
- ۸۰ گام چهارم: کاربردی ساختن آموزه های مهدویت
- ۸۰ گام پنجم: آماده باش دائمی زنان منتظر
- ۸۱ گام ششم: جهت دهی به خواست و تمایلات اجتماع
- ۸۲ اقدام سوم: آسیب شناسی
- ۸۲ اشاره
- ۸۳ گام اول: شناخت برداشت های انحرافی از چگونگی انتظار فرج
- ۸۴ گام دوم: مقابله با افراط و تفریط در ارائه چهره مهر و قهر از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۸۴ گام سوم: مقابله با عجله داشتن در تحقق امر ظهور
- ۸۵ گام چهارم: مقابله با تعیین وقت ظهور
- ۸۵ گام پنجم: شناخت مدعیان دروغین و فرقه های انحرافی
- ۸۵ گام ششم: آشنایی با سایر انحرافات و آسیب ها
- ۸۵ خلاصه مطالب
- ۸۶ چشم انداز سوم
- ۸۶ گرچه شاهزاده ای هندی بود ولی چنان به این خاندان ارادت یافته بود که کنیزی این آستان را با هیچ چیز دیگر عوض نمی کرد. اهل خانه نیز به او
- ۸۶ اشاره
- ۸۶ اقدام اول: شناخت برنامه دین برای رفتار مؤمنانه
- ۸۶ گام اول: شناخت مراحل زندگی مؤمنانه
- ۸۷ گام دوم: شناخت مراتب دینداری
- ۸۷ اشاره
- ۸۸ مرحله اول: اسلام

مرحله دوم: ایمان ۸۸

مرحله سوم: اطمینان ۸۸

اقدام دوم: شناخت جایگاه رفتار در مراتب مختلف دینداری ۸۸

گام اول: شناخت رفتار ۸۸

گام دوم: شناخت جایگاه رفتار در زندگی مؤمنانه ۸۹

خلاصه مطالب ۸۹

در آزمایشات سخت، دشواری که منافقین تلاش می کنند تا باطل را حق جلوه داده و جلوی پرتو افشانی حق را بگیرند، مرزها تیره شده، شناخت تک

اشاره ۹۰

اقدام اول: بررسی ضرورت و امکان سنجش دینداری ۹۰

گام اول: امکان سنجش دینداری در آموزه های دینی ۹۰

گام دوم: ضرورت محاسبه نفس و سنجش دینداری ۹۱

اقدام دوم: شاخص ها و ملاک های سنجش دینداری در متون دینی ۹۲

گام اول: نحوه رتبه بندی اعمال ۹۲

گام دوم: اوصاف و شاخصه های فرد دیندار ۹۲

اشاره ۹۲

۱. اوصاف و نشانگان دینداری در بعد عملکردی ۹۳

۲. اوصاف و نشانگان دینداری در بعد عاطفی، انگیزشی و اخلاقی ۹۳

۳. اوصاف و نشانگان دینداری در بعد شناختی و اعتقادی ۹۳

خلاصه مطالب ۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ایران سرشناسه: معین‌الاسلام مریم ۱۳۳۱ - عنوان و نام پدیدآور: زن منتظر و منتظرپروری/مریم معین‌الاسلام منشا مقاله: انتظار موعود (ویژه زن و مهدویت)، ش ۲۲، پاییز ۱۳۸۶: ص ۳۷ - ۶۰ توصیفگر: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق - توصیفگر: مادر توصیفگر: تربیت توصیفگر: اسلام توصیفگر: تهاجم فرهنگی توصیفگر: خانواده توصیفگر: مهدویت توصیفگر: ولایت توصیفگر: فرزندان

پیشگفتار

این قلم، نگاهی به پیرامون خویش انداخته است. ظلمات و تاریکی شب، وصلتی ناخوشایند با صدای زوزه گرگان یافته. طاعون بی دینی و غفلت، همه جا را گرفته. بد اوضاعی است؛ آخرالزمان می خوانندش. جنود جهل و ظلمت در تلاشند تا یگانه پنجره ای که مأمّن انوار خورشید است و آسمان زلال و آبی را به بشریت هدیه می دهد، ببندند. نردبان را از کف سیاه چاله بردارند. نه نوری؛ نه راهی؛ نه... قلم، رعب و وحشت و اضطراب خویش را نمی تواند کتمان کند. ایستایی و آرامش خود را از دست داده است. لرزه بر اندامش افتاده و... اما پنجره باز است، خورشید در جریان است، نردبان استوار ایستاده است و حتی دستی ملتسمانه و نگاهی مهربانانه، قعرنشینان ظلمت و تاریکی را به زلال پاکی و روشنایی فرا می خواند. صدایی سرشار از مهر و صفا ولی نگران دارد. مدام می گوید: بوی تعفن، تاریکی و ظلمت، سرمای سوزان و استخوان سوز، نمناکی سنگ فرش ها، نزدیک شدن هر لحظه صدای گرگ ها و کفتارها و... بس است! همتی باید. فقط یک قدم؛ فقط یک پله؛ دست بیش از این توان کشیده شدن برای دستگیری ندارد. سستی و رخوت بس است. همتی باید... قلم، آرامشی می گیرد. امیدوار می شود. خود را سر و سامانی می دهد. مصمم به حرکت در می آید. با نقش های مرکب خود، گزاره ها را به هم پیوند می دهد. با صدایی آکنده از بیم و امید فریاد می زند: این سطور گردهم آمده اند به امید آنکه پنجره را تصویر کنند، نردبان و پله هایش را نقاشی نمایند، التماس دست و گرمای نگاه را توصیف، غفلت را، آکنده شدن محیط از پلیدی ها و رجاسات را هشدار دهند و... اگر قلم کم رمق است، هنوز لرزان است، از کلمات عقب می ماند و... آن را به وضویی که با قطرات شبنم اهدایی از پنجره گرفته، و تک تک سطور را با پاکی آن نوشته، ببخشیدش! آن را به گواهی دل‌هایت بر حقیقت محتوایش، به تصدیق چشمانت به صداقت آیاتش، به گواهی گوش‌هایت به آشنایی با روا یا تش، ببخشیدش! و تو ای گشاینده پنجره، گیرنده دست، اهدا کننده نگاه و نگاهدارنده استواری نردبان؛ ای سید و مولای ما! مهدی فاطمه علیهما السلام، تو نیز قلم را بخاطر ناتوانی اش ببخش... این بضاعت او بود؛ تو برکتش ده و بر تأثیر آن بر نفوس بیفزا.

مقدمه

اظهار ارادت به محضر قطب عالم امکان، مهدی فاطمه علیهما السلام، از یک سو نیازمند شناخت آن وجود مقدس و جایگاه ایشان در عالم هستی است و از سوی دیگر مستلزم شناخت خویشتن خویش و مسئولیت ها و وظایفی است که در قبال آن یگانه هستی برعهده داریم. شناخت و آگاهی صرف نیز کافی نیست و اقدام عملی در پاسخ به انتظارات خالق هستی در طرح ریزی رابطه محب و محبوب لازم است. اقدام عملی نیز به تنهایی رساننده به مقصد نیست و انگیزش و نیت والا- نیاز است. این سطور، به این امید

گردهم آمده اند تا به منظور تبیین رسالت هایی که یک زن، برای حضور در اردوگاه یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ایفای نقش در جامعه مهدوی برعهده دارد، تلاشی نماید. بدین منظور در قالب چشم اندازهایی، ساحت های مربوط به کسب انگیزه، شناخت و انجام رفتار را مورد بررسی قرار داده است. صاحب قلم بر این باور بوده است که بدون ایجاد انگیزش های لازم، پیمودن مسیر حرکت به سمت تحقق جامعه مهدوی، برای پویانده مسیر دشوار جلوه می کند. پس از ایجاد رغبت و انگیزه، می بایست رسالت ها و وظایف شناختی و بینشی، تبیین گردد تا شیرینی پیمودن مسیر دو چندان گردد. در پایان نیز، شوقی که در این مسیر حاصل شده، می بایست با رفتار و عمل گره بخورد تا به صرف لغلغه زبانی باقی نماند. در هر یک از این ساحت ها، مراحل می بایست طی شود. با الهام گیری از این کلام شیوای امام صادق علیه السلام که «ایمان را مانند نردبانی ده پله که مؤمن، پله ای را پس از دیگری بالا-می رود»، توصیف نمودند، ده پله ای که به نظر نگارنده برای ایمان حقیقی و مملو از انگیزه و آگاهی و عمل زن منتظر به انتظار و رفع غربت از حضرت صاحب عجل الله تعالی فرجه الشریف لازم است، تصویر شده است. البته بدان معنا نیست که این اثر، برنامه ای جامع و کامل و بدون هر گونه نقص بر ای تبیین رسالت های زن منتظر ارائه داده و هر آنچه نقش در آن مسیر داشته را به تمام و کمال بیان نموده است، بلکه تلاش شده تا مهمترین رسالت ها و هر آنچه که بدون آنها، نیل به هدف غایی، بعید به نظر می رسد بیان گردد. از آنجا که نگارنده، اثری با این نگاه و این نحوه پردازش رسالت های زن منتظر، نیافته است، انگیزه بسیاری برای نگارش این کتاب در او ایجاد شده که امید است با ارائه نقطه نظرات اصلاحی اندیشمندان و فرهیختگان، نکات ضعف آن مرتفع و نکات مثبت آن تقویت گردد. در پایان لازم است از تلاش های فرزند طلبه و فاضلم جناب آقای علی غلامی که اگر اهتمام وی در گردآوری مطالب و نوشتن بخش های متعددی از کتاب نبود، این اثر نگارش و ویرایش نمی یافت، صمیمانه تشکر نمایم. همچنین از خانم ها راضیه شاملی، فاطمه شاملی، مریم شاهمرادی و زهره افتخاری و نیز جناب آقای مجید آباد که در آماده سازی این اثر برای چاپ نقش جدی ایفا کردند سپاسگذاری می کنم. از دختر عزیزم، خانم فاطمه غلامی که به برکت حفظ کل قرآن مجید، در تصحیح و مقابله آدرس های قرآنی و متن آیات، اهتمام نمودند و از دیگر فرزند هنرمندم جناب آقای حسین غلامی که در طراحی جلد و فصول کتاب، تلاش نمودند، تشکر می کنم. وا لحمد لله قم/ مریم معین الاسلام شعبان المعظم ۱۴۳۰/ مرداد ماه ۱۳۸۸

چشم انداز اول: ضرورت بحث از رسالت های زن منتظر

پله اول: جایگاه شناسی

اشاره

از درون تنور مسی، آتش زبانه می کشید و وحشت شعله های آتش، در عمق جان حاضرین در قصر، ترس عجیبی ایجاد می کرد. صیانه مادر بود و جانش، به بلندای زبانه های آتش، برای فرزندانش پر می کشید. فرزند درون آتش گداخته ی تنور انداخته شد. بخشی از قلب صیانه هم به همراه شعله های آتش، گداخته شد و خاکستر... صدای ناله فرزند دوم هم با فاصله کمی از میان تنور بلند شد. صدای نعره فرعون دو باره به گوش رسید: آیا هنوز هم به خدای واحد و یکتا ایمان داری و از پرستش من، سرباز می زنی؟ بغض صیانه، گریه های بی امان او، مانع از اعلام مکرر ایمانش به الله نبود. نوبت به فرزند شیرخوارش رسید. این مصیبت دیگر قابل تحمل نبود.. آتش تنور دیگر در حال سرد شدن بود و لی خشم فرعون هر لحظه برافروخته ترمی شد. با انداختن صیانه در آتش، گویی پایه های حکومت فرعون در آتش می سوخت اگر مردم بفهمند که یک زن آرایشگر، آن هم آرایشگر دختر فرعون، اینگونه در مقابل خدای مردم مصر ایستاده است، چه خواهد شد؟... خداوند به پاس این ثبات قدم در راه اعتقادات توحیدی،

توفیق زندگی مجدد و حضور در جمع ۳۱۳ نفر کارگزار حضرت مهدی (عج) را به صیانه ما شطه عنایت نمود. تاریخ، مشحون از زنانی است که صلابت ایمان خویش را چونان تابلویی زرین باف، تا سرانجام تاریخ در معرض دید آیندگان قرار دادند و برای همیشه تاریخ، جایگاه و منزلت و اقعی زن در پرتو توحید را، به نمایش و تحسین همگان گذاشتند. (به روایت امام صادق(ع) در دلائل الامامه، تألیف محمد بن جریر طبری، ص ۳۱۴ مراجعه نمائید).

اقدام اول: شناخت جایگاه زن در اسلام

اشاره

برای بالا-رفتن از نردبان ایمان و رسیدن به پله ای که بتوان از آن، در آرمانشهر مهدوی به عنوان یک «زن منتظر» گام گذاشت، اولین پله، ضرورت شناخت جایگاه و منزلت زن در اندیشه دینی است. بدون شناخت میزان اعتماد خداوند به زنان و توانمندی هایی که در آنان به ودیعه نهاده، پیمودن پله های نردبان ایمان در ذهن زن مسلمان، دشوار و ناممکن به نظر می رسد. در میان فرازهای تاریخ، دین مبین اسلام و رسول خاتم صلی الله علیه واله وسلم، شرایطی را رقم زدند که در آن، جایگاه و منزلت واقعی زن و پرورش زنانی اسوه و الگو، صد چندان شد. مقایسه وضعیت زنان پیش از اسلام و پس از اسلام، بهترین گواه بر این مطلب است، که متأسفانه این مجال، فرصت سخن تفصیلی از آن را به دست نمی دهد. ۱. در ادامه به عنوان نمونه به برخی از ارمغان های اسلام برای زنان اشاره می گردد: ۱. به طور نمونه، در یونان باستان برخی بر این اعتقاد بودند که زنان پلیدتر و خوارتر از حیوانات اند و حتی زن را از سلاله شیطان می دانستند. سقراط، فیلسوف بزرگ یونانی، وجود زن را بزرگترین منشأ انحطاط بشریت می دانست. همچنین ارسطو بر این باور بود که طبیعت بخاطر ناکامی از آفریدن مرد، زن را می آفریند. کتاب مقدس یهودیان، حوا را عامل گناه اولیه آدم دانسته و مردان یهودی در دعای صبحگاهی، خداوند را بخاطر اینکه آنان را زن نیافریده است، شکر می کنند مسیحیت به واسطه آنکه زن را عامل گناه انسان اولیه می داند، به مذموم بودن ازدواج و میل به تجرد حکم می کند. در قرون وسطی، قوانین انگلیس، مرد را مالک زن دانسته و به او اجازه می دهد هر وقت که بخواهد، زن را بفروشد، (رک به: گری، بنوات، زنان از دید مردان، ترجمه جعفر پوینده، ص ۷۸، ۴۵ و ۴۷).

گام اول: همتا دانستن زن و مرد

در شرایطی که در فرهنگ جاهلیت، خبر تولد دختر همراه با سرشکستگی و خشم پدر بود و «آنگاه که به یکی از آنان، مژده دختر داده می شد، چهره اش از شدت خشم سیاه می شد و از طایفه خویش به دلیل این خبر بد، فاصله می گرفت و به این فکر می کرد که این دختر را با سرشکستگی و خفت نزد خود نگه دارد یا در خاک مدفونش نماید؟» ۱ و در زمانه ای که دختر عصر جاهلیت، در انتخاب همسر، اختیاری نداشت و از مهریه نصیبی نمی گرفت و پس از مرگ شوهر، در کنار اموال او به ارث برده می شد، ۲ پیامبر اکرم صلی الله علیه واله وسلم، به چند اقدام مهم دست زد که یکی از آنها، همتا دانستن زن و مرد بود. ۳. برابر دانستن زن و مرد در انسانیت و دستیابی به قله های کمال معنوی، از اصول نگرشی اسلام است. ۴. قرآن در آیاتی از سوره های روم، آل عمران و نساء، با کمال صراحت بیان می کند که زن و مرد دارای یک سرشت و طینت می باشند. آیاتی از قرآن کریم به زن و مرد یکسان وعده بهشت می دهد و هر دو را در اقامه نماز، اعطای زکات و اصلاح جامعه اسلامی در قالب امر به معروف و نهی از منکر، مسئول می شمارد ۵ و بر ایمان و تسلیم، صداقت، صبر، خشوع و عفت زن و مرد ارزش یکسانی می گذارد. ۶ معرفی همسر فرعون و مریم علیها السلام به عنوان ضرب المثل و الگویی برای مرد و زن مؤمن ۷ به این معناست که در فرهنگ اسلامی، زن نیز می تواند

چراغی ۱. نحل/۵۸ و ۲۵۹. ر.ک: سبحانی، جعفر، فروغ هدايت، ج ۱، ص ۵۰. ۳. ر.ک: زیبایی نژاد، محمدرضا، «زن و خانواده در بازخوانی سیره پیامبر»، نشریه حورا، شماره ۲۰. ۴. ر. ک: نحل/۹۷، نساء/۲۴، غافر/۴۰، آل عمران/۱۹۵. ۵. توبه/۷۱ و ۶۷۲. احزاب/۳۵. ۷. تحریم/۱ و ۱۲. فراراه مردان باشد. ۱. اوج شخصیت انسانی زن در نگاه اسلامی، آنگاه نمایان می شود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان منجی عالم بشریت، یک زن را مقتدای خویش قرار می دهند: «فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة: دختر پیامبر صلی الله علیه واله وسلم، فاطمه زهرا علیهما السلام، برای من الگویی نیکوست.» ۲. ۱. ر. ک به: «آسیب شناسی نگاه به زن و خانواده با رویکردی برگرفته از فرهنگ نبوی صلی الله علیه واله وسلم»، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، نشریه حورا، شماره ۲۰. ۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

کام دوم: توجه به ارزشمندی زنان و تکریم آنان

پیامبر صلی الله علیه واله وسلم ضمن توجه دادن به جایگاه ویژه دختران در زندگی، از آنان به عنوان مونس، اهل مدارا و نیکی، با خیر و برکت، اهل پاکیزگی و سبب طراوت زندگی یاد کرده و با سنت سنگدلانه دختر کشی در میان عرب جاهلی به مبارزه بر می خیزد. ۴. همچنین در قالب عباراتی که بهترین مردم را خیرخواه ترین آنان در حق زنان می داند، اهانت به زنان را ناشی از پستی بر می شمارد و پاداش حمایت از دختران و زنان را بهشت قرار می دهد. ۵. حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه واله وسلم در جامعه ای که زن عنصری پست و همچون کالا قلمداد می شد، دست به یک انقلاب عظیم سیاسی-فرهنگی زد و در چند نوبت، همچون در بیعت عقبه که قبل از هجرت انجام گرفت و نیز در فتح مکه، با زنان بیعت نمود. ۶. سخنان گوهر بار پیامبر اکرم صلی الله علیه واله وسلم در توصیف و تجلیل از بانوانی چون ۳. ر. ک به: وسایل الشیعه، ح ۶، ۲۷۳۰ و ۲۷۳۱، نهج الفصاحه، ح ۱، ۲۴۸. ۴. ر. ک به: سبحانی جعفر، فروغ ابديت، ج ۱، ص ۴۸. ۵. ر. ک به: نهج الفصاحه، ح ۱، ۴۷۷، ۱۵۲۰ و ۱۷۲۸. ۶. ر. ک به: ممتحنه/۱۰. خدیجه کبری علیها السلام، آسیه علیها السلام، مریم علیها السلام و به ویژه فاطمه علیها السلام که رضایت و خشم خداوند را به رضایت و خشم فاطمه پیوند می دهد، ۱. برگ دیگری از صفحات درخشان ارزشمندی و منزلت زن در اسلام است. اینکه قرآن کریم، مریم علیها السلام را زنی کامل، دارای عصمت و هم سخن با فرشتگان دانسته است ۲، نشان از آن دارد که زن می تواند تمام حجاب ها را درنوردد و به قله کمالات برسد. و بالاخره، انتخاب فاطمه علیها السلام برای مباحله، با وجود حضور مدعیان و در نظر گرفتن ایشان به عنوان عنصری محوری در میان اصحاب کساء که آیه تطهیر در شأن آنان فرود آمد ۳ نیز به بهترین شکل نمایان گر جایگاه زن در اندیشه اسلامی است. ۴. ۱. ر. ک به: علامه امینی، فاطمه الزهرا علیها السلام، ص ۹۴. ۲. ر. ک به: آل عمران/۴۲-۴۷. ۳. ر. ک به: احزاب/۳۳. ۴. ر. ک به: «آسیب شناسی نگاه به زن و خانواده؛ رویکردی برگرفته از فرهنگ نبوی صلی الله علیه واله وسلم، نشریه حورا، شماره ۲۰.

کام سوم: پرورش و تربیت زنان شایسته در پرتو هویت بخشی

یکی از راه های شناخت هر مکتب، بررسی آثار ناشی از برنامه های آن مکتب، خصوصاً کسانی است که براساس آموزه های آن مکتب، پرورش یافته اند. خدیجه علیها السلام، فاطمه علیها السلام، زینب کبری علیها السلام و... نمونه هایی از زنانی هستند که تحت آموزه های غنی و هویت بخش اسلام، به عنوان الگوی جامعه بشری درخشانند. دین خاتم، پس از بیان وجوه تمایز زن مؤمن از غیرمؤمن، مرزهای اخلاقی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و... را به گونه ای ترسیم می کند که فرد از حضور در آن مرزهای احساس افتخار نماید. اعتماد به نفس ناشی از این احساس افتخار، ارزشمندی زن مسلمان را رقم می زند. زن مسلمان در استمرار

مسیر عزت و افتخار خویش، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، از منزلت و جایگاه والایی برخوردار گشت و هویت مجددی یافت. به گونه ای که اکنون، حرکت به سمت ارائه الگویی برگرفته از فرهنگ نبوی صلی الله علیه واله وسلم و فاطمی علیها السلام، گفتمان و ادبیات غربی و فمینیستی را با چالش جدی مواجه ساخته است.

اقدام دوم: جایگاه زن در جامعه مهدوی

اشاره

انتقال فرهنگ چنانچه از مجرای صحیح آن صورت نگیرد، یا انتقالی ناقص بوده و یا دوام و پایایی نخواهد داشت. بدون شک، ویژگی های شخصیتی زنان همچون ارتباط گیری مناسب، وجود احساسات سرشار، انتقال عواطف، صبر و حوصله فراوان و... بی ارتباط با سپردن مسئولیت فرزند آوری و تربیت نسل از سوی خداوند متعال به زنان نیست. ۱. اگر در روایات، آماده شدن افراد جامعه برای پذیرش حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یکی از نشانه های ظهور ذکر شده، بدون تردید سخن از این نسل مؤمن و آماده، بدون هنرنمایی و ایفای نقش زنان به عنوان تربیت کنندگان این نسل، سخنی گزاف و دور از واقع خواهد بود. لذا جایگاه و نقش زنان در جامعه مهدوی از حیث جایگاه فردی، نقش های آنان در عرصه های خانوادگی و تأثیرات آنان بر اجتماع در پیش و پس از ظهور، قابل بررسی می باشد. برخی از زنان، چنان شایستگی و منزلتی می یابند که جزو اصحاب و کارگزاران ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گردند. به گونه ای که ۵۰ نفر از میان ۱. به طور مثال دیوید چمبرلین، در صفحه ۱۳، کتاب روان شناسی جنین، آورده است: «رابطه میان مادر و کودک، دوجانبه، متقابل و معجزه آسا است. گریه نوزاد، شیر مادر؛ یعنی بهترین و کاملترین شیر روی زمین برای او با گریه به جریان می افتد... در نگاه و تماس نوزاد، نیروی حیات وجود دارد که موجب تحریک احساسات و مهارت های لازم برای انجام وظایف مادری به نحو احسن می شود». ۳۱۳ یار خاص حضرت، زن می باشند. نعمانی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمودند: «به خدا سوگند! سبب و اندی خواهند آمد و پنجاه نفر زن نیز در میان آنان است». حضرت در ادامه، در بیان ویژگی های این ۳۱۳ نفر می فرمایند: «هم النجباء و القضاء و الحکام و الفقهاء فی الدین: و آنان برگزیدگان، قضاوت کنندگان، حاکمان و فقیهان در دین می باشند» ۱ که این خصایص، حکایت از منزلت و جایگاه این ۵۰ زن برگزیده دارد. علاوه بر این پنجاه صحابی خاص، چهارصد بانوی برگزیده نیز به همراه حضرت عیسی علیه السلام به کمک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند شتافت. چنانچه از پیامبر اکرم صلی الله علیه واله وسلم نقل شده که «عیسی بن مریم، به همراه هشتصد مرد و چهار صد زن از بهترین و شایسته ترین افراد روی زمین خواهد آمد». ۲. از دیگر زنانی که یاری گر حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشند، زنان برجسته ای هستند که بار دیگر زنده شده و رجعت می نمایند. برخی از این زنان، نام و نشانشان در متون دینی آمده است و برخی دیگر، فقط از آمدنشان خبر داده شده است. طبری در دلائل الامامه از مفضل بن عمر نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند: «همراه قائم، سیزده زن خواهند بود... عرض کردم نام آنها را بفرمائید. فرمود: قنواء دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه والیه، سمیه (مادر عمار یاسر)، زبیده ام خالد احمسیه، ام سعید حنیه، صیانه ماشطه، ام خالد جهتیّه». ۳. چنانچه ملاحظه گردید، برخی زنان چنان فعال و پویا عمل می نمایند که نه تنها در رسالت اصلی خود که آماده سازی تربیت جامعه مهدوی است، سرفراز عمل می نمایند و علی رغم دشواری های دینداری در آخرالزمان، نه تنها ایمان خویش را با صلابت حفظ نموده و نسلی مهدی باور را تربیت می کنند، بلکه در عرصه های فعالیت دولت جهانی حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف، نیز کارگزاری و یآوری ایشان را برعهده می گیرند. ۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ص ۲۷۹. همچنین جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمودند «و یحیی و الله ثلاثمائه و

بضعه عشر رجلاً فيهم خمسون امرأة يجتمعون بمكة...». به خدا سوگند! سیصد و بالاتر از ده نفر می آیند که پنجاه نفر از این عده زن هستند و در مکه، کنار یکدیگر جمع خواهند شد.. (ر.ک: مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵ و الکوثرانی، علی، معجم الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۱، ص ۵۰۰). ۲. پیامبر صلی الله علیه واله وسلم: «ینزل عیسی بن مریم علی ثمان مائة رجل و اربع مائة امرأة خیار من علی الارض و اصلح من مضی» (الکوثرانی، علی، معجم الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۱، ص ۵۳۴). ۳. طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، ص ۳۱۴.

خلاصه مطالب

زن منتظر برای ایجاد اعتماد به نفس و آمادگی لازم در خود، به منظور پیمودن پله های نردبان ایمان و کسب توفیق حضور در اردوگاه یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف، می بایست بداند که اسلام، جایگاه والا و کاملاً متناسب با ویژگی های شخصیتی را برای او در نظر گرفته است. به منظور ارتقای موقعیت زن و رسیدن به این جایگاه مطلوب، برنامه های ویژه ای همچون همتا دانستن زن و مرد، توجه به ارزشمندی زنان و تکریم آنان و نیز پرورش و تربیت زنان شایسته و الگو را در دستور کار خود قرار داده است. نتیجه این برنامه ها این است که در آرمانشهر مهدوی، زنان هم در آماده سازی زمینه ها، هم در پرورش و تربیت نسل مهدوی و هم در کارگزاری و یآوری حضرت در حکومت جهانی، نقش ممتاز و برجسته ای دارند. منابع جهت مطالعه بیشتر: ۱. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، محمد تقی سبحانی و محمدرضا زیبایی نژاد، فصل های دوم و سوم. ۲. مقاله زن و خانواده در بازخوانی سیره پیامبر صلی الله علیه واله وسلم. ۳. جستاری در هستی شناسی زن، جمعی از نویسندگان. ۴. زن در قرآن، علامه طباطبایی، ص ۲۶-۱۰.

پله دوم: ضرورت شناسی

اشاره

افراد زیادی هر روز برای دیدار ایشان که مرجع تقلید عصر خود بودند، به منزلشان می آمدند. سردر منزل کوتاه بود و برای ورود به خانه، می بایست کمی خم می شدی... قدش رشید بود؛ بیچاره هر بار که وارد خانه می شد، سرش به بالای سردر می خورد و خون می آمد. هر بار که می آمد کار حاضرین درخانه آن بود که دنبال دستمال و باند بگردند و خون های سر او را پاک کنند. مرد مجنون، ساکت اطراف رامی نگریست و حاضرین نیز با حال ترحم، تاسف، او را نظاره می کردند. آرام با یکدیگر می گفتند: جنونش به حدی است که متوجه نمی شود و هر بار، این کار را تکرار می کند. دیوانه است دیگر!... آقا با آن طمانینه همیشگی به آرامی جمله ای گفتند: ماهم دارای جنون هستیم سکوت همه جا را گرفت. همه می خواستند ببینند که مرجع بزرگ دوران، چرا می گویند: همه مجنون هستیم! آقا ادامه دادند: علما، عقل را آنچه پروردگار با آن عبادت شود و بوسیله آن جنت حاصل شود، تعریف کرده اند اگر عقل کسی، او را به عبادت خداوند رهنمون نباشد و هر روز معصیت و گناه کند، عقل او عین بی عقلی و جنون است. ما که هر روز در حال معصیت الهی هستیم، با این مجنون چه فرقی داریم؟! از دیدن این دیوانه، همه منقلب می شویم و برایش اظهار تأسف و ترحم می کنیم؛ بیچاره امام زمان (عج) که هر روز گناهان ما ایشان را منقلب می کند، دل پراز مهرشان را به دردمی آورد...

اقدام اول: شناخت ضرورت ایجاد انگیزش درونی

پله دوم از نردبانی که «زن منتظر» می بایست برای رسیدن به شهر زیبا و باطراوت مهدوی، بر آن گام گذارد و از آن عبور کند، «ضرورت شناسی» است. وی باید بداند که برای حفظ ایمان خویش و دوری از گناه و معصیت در دوران آخرالزمان و نیز توفیق قرار گرفتن در زمره سربازان و یاران حضرت، چه ضرورتی دارد که به خود به عنوان یک «زن منتظر» نگاه کند؛ اگر وظایفی بر عهده او در جهت تربیت نسل منتظر قرار داده شده، چنانچه به آن بی توجهی کند، چه عقوباتی را در پی خواهد داشت؟ آیا به جز عباداتی که همچون نماز، روزه و...، وظیفه دیگری نیز بر عهده اوست؟ و... برای شناخت ضرورت تفکر و عمل نسبت به رسالت های یک «زن منتظر»، ابتدا به دشواری های مسیر پیش روی زن معاصر به واسطه حضور در دوران آخرالزمان اشاره می شود. سپس راه نجات از گردنه های سهمگین مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه، انتظاراتی که از یک زن منتظر می رود، تبیین می گردد. پایان این بخش نیز به آثار بی توجهی به رسالت ها و وظایف اختصاص خواهد داشت. این بخش عهده دار آن است که به این سؤال بسیار مهم و حیاتی پاسخ دهد که چگونه می شود علم یک انسان، منتج به عمل نمی شود؟ بسیار دیده ایم که برخی افراد، نسبت به قبح و زشتی رفتاری، کاملاً علم و یقین دارند ولیکن در صحنه عمل، مرتکب آن می شوند. چگونه می شود فردی یقین داشته باشد که نگاه به نامحرم، تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است و در خصوص آثار و عقوبات آن، چندین کتاب را مطالعه کرده باشد و در حرمت آن تردید نداشته باشد ولیکن مرتکب آن شود؟! برخی از بزرگان و اندیشمندان دینی، برای تأثیر علم و آگاهی در وقوع یک رفتار، حداکثر ۵۰ درصد تأثیر قائلند و ۵۰ درصد تأثیر دیگر را از ناحیه انگیزش های فرد می دانند. ۱. علم و آگاهی نسبت به مسایل دینی نقش چشم سالم و تیزبین را برای یک مسافر بازی می کند. هر فرد در سفر خویش، علاوه بر چشم سالم، نیازمند پای سالم و یا وسیله نقلیه مناسب نیز هست. این انگیزه ها، ایمان و استفاده صحیح از عقل عملی است که مرکب و ابزار حرکت او را تشکیل می دهد. «زن منتظر» برای مهیا شدن جهت حضور در جامعه مهدوی، علاوه بر شناخت وظایف و رسالت های خویش، می بایست انگیزش ها و انرژی لازم برای پیمودن این مسیر سعادت بخش را در خود ایجاد و ذخیره نماید. بدون عزم راسخ و تصمیم جدی او، علم، بال ناقصی برای پرواز خواهد بود و کاری از پیش نخواهد برد. زن منتظر بعد از کسب انگیزش لازم، در بخش بعدی که به رسالت های شناختی و اعتقادی اختصاص دارد، علم و آگاهی مناسب را به دست آورده و خود را برای مرحله سوم که به رسالت های رفتاری می پردازد، مهیا می کند. (انشاءالله)

اقدام دوم: شناخت دشواری های دوران آخرالزمان

کام اول: شناخت وضعیت زنان در دوران معاصر

بخشی از روایات ما در حوزه مهدویت، پیرامون وضعیت زنان در دوره آخرالزمان است و ضروری است که زنان، این ویژگی ها و خصوصیات را بخوبی بشناسند و وضعیت موجود زنان را با وضعیت مطلوبی که برای زنان در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایجاد می شود مقایسه نمایند تا عطش و درخواست آنان برای ۱. حضرت آیت الله جوادی آملی حفظه الله، معتقدند که علم، صرفاً بخش اندیشه که شامل وهم، حس و.. می باشد را مدیریت می کند. ولی انسان فقط اندیشه نیست بلکه انگیزه او اهمیتی مساوی یا بیشتر از علم دارد. انگیزه، ایمان و عقل عملی که به «ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان» تعریف شده است، عاملی بس مهم در جلوگیری از ارتکاب گناه و معصیت می باشد (ر.ک: بیانات معظم له در درس تفسیر قرآن، ذیل تفسیر سوره اسراء، مورخ ۹/۸۷/۲۳). ظهور بیشتر گردد. براساس آموزه های دینی، زنان در دوره آخرالزمان مجدداً به موقعیت و وضعیت خود در دوره جاهلیت برمی گردند. در دوره جاهلیت اولی، زن از تمامی حقوق انسانی خود بی بهره بود و معامله بردگان با او می شد و در آخرالزمان و در پرتوجاهلیت مدرن، زن از حقوق زن بودن خود محروم گردیده است. مهاجمان فرهنگی با تبلیغات

جهانی، برای رسیدن به امیال نفسانی خودشان و برای پرکردن جیب خود، از وجود زن به عنوان یک ابزار سودجویی بهره می گیرند و او را به میدان فساد و تباهی می کشانند و با دادن شعارهایی مثل حقوق زن، آزادی زن، تساوی و برابر، او را به میدان می کشانند و تا زمانی که از طراوت و نشاط جوانی برخوردار است از او بهره می جویند و بعد از مدتی او را همچون شیء تاریخ مصرف گذشته، طرد می نمایند. رواج بازار سکس و استفاده از جسم زن در تیزرهای تبلیغاتی و اینکه در هر ثانیه در شبکه های ماهواره ای تصاویر مستهجن فراوانی از زن عرضه می گردد و قیمت و شماره تلفن و محل مراجعه وی را اعلام می کنند، آیا جز آنکه شیوه های فروش زن، مدرن تر گردیده تفاوتی با برده داری پیشین دارد؟! علاوه بر آن، سوداگران اقتصادی از زن به عنوان ابزار تبلیغاتی بهره می جویند تا در فروش کالاهای تجاری خود شتاب و سرعت بخشند و زنان را عملاً به عنوان بردگانی درآورده که فقط برای بهره بردن از آنها در بازار تجارت و امیال نفسانی وارد معامله می شوند. و تمامی ارزش آنها در جسم شأن خلاصه گردیده که تمام جسم هم ملعبه دست آنها قرار گرفته است. یکی از زنان اروپایی، وضعیت خود را این چنین توصیف می نمایند: «در اروپا، زنان دستمال کاغذی توالت شده اند، تا وقتی که جوان هستند مورد مهر و محبت مردان قرار می گیرند و وقتی که پای به سن پیری می گذارند چنان از جامعه مطرود می شوند که مثل سگ های ولگرد، جایی برای سکون و آرامش ندارند و برای خود پناهگاهی معنوی پیدا نمی کنند و دچار امراض روحی و روانی می گردند».

واقعیتی که انکارناپذیر می باشد، این است که زن عصر آخرالزمان را که می بایست درخشنده ترین ستاره افق زندگی و پراج ترین گوهر هستی و پایه و اساس هر فضیلت و حلقه اتصال و رمز تداوم نسل بشری باشد، تا سرحد چراگاههای مردان هوسران و ابزار و ادوات تمایلات نفسانی آدم های پست تنزل داده اند. به وسیله اقدامات شوم فرصت طلبان، در غرب، نیمی از پیکره جامعه که رمز بقای بشریت بود، با افتادن در دام سود و جریان مغرض، در معرض فساد قرار گرفت و تعداد فراوانی از زنان، کرامت و ارزش والای خود را از دست دادند و با فساد خود، نیمی دیگر از پیکره جامعه را هم به سوی فساد و تباهی سوق دادند و خود را تبدیل به یک شیء بی ارزش و قابل دسترس در هر کوچه و بازار نمودند. ۱. خانم تونی گرت، نویسنده کتاب «زن بودن» در صفحه ۷۰ کتاب خود می نویسد: «زن امروزی، سهل و آسان شده و پیوسته در دسترس است. به نظر می رسد معیارهای اندکی دارد. به دنبال شور و هیجانانش می رود ولی به فراست و دوراندیشی خود بی توجه است». خانم لا را شلسینگر نیز در صفحه ۱۲۹ کتاب «قدرت زن» می نویسد: «در این زمانه، هیچ کس به دنبال دفاع از شأن، عفت و شرم زنانه نیست...».

کام دوم: زنان آخر الزمان در روایات

وضعیت زنان در دوره آخرالزمان آنقدر به ابتدال کشانده می شود که خطر آن، حتی جوامع اسلامی را به صورت جدی تهدید می کند. از این رو، در مجموعه روایاتی که از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم و ائمه اطهار علیهم السّلام در رابطه با امت آخرالزمان به دست ما رسیده است، بخش زیادی از آنها مربوط به وضعیت زنان آخرالزمان است که رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و اله وسلم، ضمن بیان آن وضعیت، خطرات ناشی از آن را گوشزد نموده و امت اسلامی را نسبت به فرو رفتن در این منجلاب هشدار داده است. ضروری است زنان در عصر غیبت گوش جان به این مواعظ گرانقدر سپرده و همچون دیدبانی بصیر و آگاه و به عنوان فرهنگ سازان جامعه، با آگاهی نسبت به خطرات، خود و جامعه را از این مرداب وحشتناک برهانند. زن اگر در جایگاه واقعی خود در عالم هستی قرار گیرد، موجودی است نجات دهنده و حیات بخش. در غیر این صورت تبدیل به موجودی می گردد که یک جامعه را به سوی انحطاط می برد. در این بخش از نوشتار، برای آشنایی با وضعیت جامعه پیش از ظهور به بخشی از سخنان معصومین علیهم السّلام اشاره می نمایم. گویند روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم در جمع صحابی خود فرمودند: «کیف بکم اذا فسدت نساءکم و لم تأمروا بالمعروف بل امرتم و نهیتم عن المعروف و اذا رأیتم المعروف منكراً و المنکر

معروفا: چگونه می شود حال شما هنگامی که زن های شما فاسد شوند و جوانان شما به فسق و فجور بگرایند و شما نیز به جای امر به معروف، امر به منکر و نهی از معروف نمایید! معروف را منکر بیندازید و منکر را معروف! اصحاب با تعجب سؤال کردند: آیا چنین وضعی پیش خواهد آمد؟ «ویکون ذلک یا رسول الله؟» قال نعم و شر من ذلک!! پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم فرمودند: «بلی بدتر از این هم خواهد شد». و بعد پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم به بیان تفصیلی تر وضعیت دوران آخرالزمان پرداختند و فرمودند: «اذا مشارکت النساء ازواجهن فی التجاره حریصاً علی الدنیا: هنگامی که زن ها برای طمع دنیا در داد و ستد همسرانشان شرکت کنند». «یشتبه الرجال بالنساء والنساء بالرجال: مردها خود را به صورت زن و زن ها خود را به صورت مرد در می آورند». «لعن الله المتشبهات من النساء بالرجال و المتشبهین من الرجال بالنساء: لعنت خدا بر زنانی که خود را به صورت مرد در می آورند و مردانی که خود را به صورت زن در می آورند». «علت اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم با این تنیدی از زنان و مردان آخرالزمان سخن می گویند، شاید به جهت این است که آنها از ناموس خلقت و آیین فطرت بیرون رفته اند و سنت های حاکم بر نظام آفرینش را زیر پا نهاده و با سرشت خویش درافتاده اند. حضرت در ادامه می فرماید: «وکان الزنا تمتدح به النساء و اللیل لایستخفی به من الجراه علی الیه: زنا دادن به صورت یک فضیلت برای زن بازگو می شود، دیگر منتظر شب نمی شوند که تاریکی آنها را بپوشاند، زیرا جرأت بر خدا به آن حد می رسد». یعنی دیگر نیازی به مخفی کاری نیست، بلکه آشکارا گناه می شود. همچنین در ادامه روایت به فراوانی اختلاط زن و مرد به عنوان یکی دیگر از منکرهای آخرالزمان اشاره می گردد. ۱. حضرت امام محمدصادق علیه السلام نیز می فرمایند: «در دوره آخرالزمان، بعضی از مردان از راه فساد زنان در آمد کسب می کنند». ۲. بنگاه های سرمایه داری عظیم در حال حاضر که به خرید و فروش زنان می پردازند مؤیدی بر این مطلب است. «اذا ترینت النساء بثیاب الرجال، و سلب عنهن قناع الحیاء: هنگامی که زن ها جامه مردان پوشند و پوشش حیاء از آن ها گرفته شود»؛ «لعن الله الرجله من النساء: خداوند لعنت کند زنی که خود را به صورت مرد جلوه می دهد». ۳. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله وسلم در ادامه توصیف خویش از وضعیت آخرالزمان، چنین می فرماید: «سیکون فی آخر امتی رجال،... نساء هم کاسیات عاریات علی رؤسهن... لا یجدن ریح الجنه فالعنوهن فانهن معلونات: در آخر امت من، مردانی پیدا می شوند که زنان شان در عین لباس پوشیدن، لخت و عور هستند و برسرشان چیزی همانند کوهان اشتران لاغر است، آنها عطر بهشت را نمی شنوند. آنها را لعنت کنید که آنها از رحمت خدا به دور هستند». ۴. «و اذا رایت المراه تصانع زوجها علی نکاح الرجال و رایت خیر بیت یساعد ۱. ر. ک به: مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، صص ۲۵۴ تا ۲۵۷. ۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۵۲، صص ۲۵۴ تا ۲۶۰. ۳. همان. ۴. همان. النساء علی فسقهن: هنگامی که بیینی زن از همسرش مطلع است که او با هم جنس خود رابطه دارد (هم جنس بازی می کند) و به روی او نمی آورد و می بینی که در بهترین خانه ها زن تشویق می شود که فسق و فجور کند» ۱. جامعه پیش از ظهور جامعه ای مملو از فساد و بی بند و باری اخلاقی است و از جمله فساد رایج در دوره آخرالزمان، رواج هم جنس بازی است. به صورتی که جنبه قانونی پیدا می کند و به آن رسمیت داده می شود و اگر کشوری زیر بار این فساد اخلاقی نرود، به آن متعرض می شوند و او را مورد تمسخر قرار می دهند. محمد بن مسلم می گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد» امام فرمودند: «آنگاه که مردها خود را شبیه زنان نمایند و زن ها خود را شبیه مردان؛ آن گاه که مردان به مردان اکتفاء کنند و زنان به زنان» ۲. و در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند: «در آن زمان، زنان را می بینی که از بذل خود به کفار هیچ واهمه ای ندارند». ۳. آمار بالای دختران از برخی ممالک اسلامی، که خود را در بازارهای تجارت دختران جوان در کشورهای اروپایی در معرض فروش قرار می دهند، حکایت از تحقق این روایت دارد. «و رأیت النساء تروجن بالنساء... زن ها را می بینی که با زن ها آمیزش می کنند و زن ها لخت و عور می باشند و زینت هایشان را آشکار می کنند و از دین بیرون می روند و به فتنه ها می گرایند و به سوی شهوت ها و لذت ها می شتابند، محرمان الهی را حلال و در جهنم جاودان هستند. هنگامی زنان را می بینی که با خشونت باهمسران شان رفتار می کنند

و آنچه او نمی خواهد انجام دهند و...» ۱۴. همان ن. ۲. همان، ص ۵۲۴. ۳. مجلسی، محمدباقر، بحا رالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۴. ۴. همان. حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید: «در آخرالزمان، زنان به خاطر حرص به دنیا، در کسب و کار همسران خود شرکت می نمایند». ۱. شاید این روایت اشاره به آن داشته باشد که زنان در بازی ثروت اندوزی سرمایه داران، بی توجه به این لطف الهی که آنان را از وظیفه تأمین مایحتاج و مخارج زندگی فارغ کرده است، دوشادوش مردان از صبح تا شام را در شرکت ها و کارخانجات سپری می کنند و فرزندان و خانواده خویش را از نعمت تربیت و عاطفه ورزی محروم می نمایند. توصیفات که از آخرالزمان شده است همچون: دورانی که علم برداشته می شود، نادانی فراگیر می شود، زنا و مشروب خواری شایع می گردد، شمار مردها اندک می گردد». ۱. صدوق، محمدبن علی بن بابویه، کمال الدین و اتمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷.

اقدام سوم: شناخت وضعیت زنان در عصر ظهور

برخلاف دوره آخرالزمان که زنان در وضعیتی بسیار اسفناک قرار می گیرند و مجدداً به اوج عصر جاهلیت بر می گردند و قربانی منافع سودجویان و فرصت طلبان می شوند و کلیه حقوق مربوط به «زن بودن» خود را از دست می دهند و از جایگاه اصلی که خالق انسان ها برای آنها طراحی نموده است خارج می شوند، در دوره ظهور دوباره زنان به جایگاه رفیع خودشان در عالم هستی بر می گردند و هم حقوق انسانی و هم حقوق زن بودن آنان به صورت کامل استیفا می گردد. زنان، زندگی بسیار آرمانی در کمال رفاه و امنیت و سرشار از علم و معنویت و رشد و تعالی پیدا می کنند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله وسلم در مورد دوران پس از ظهور می فرماید: «اما جهان پس از ظهور، زن و خانواده به جایگاه اسلامی و انسانی خود دست می یابند». ۲. در عصر پس از ظهور، هر گونه نا امنی اجتماعی از میان رفته و شرایط امنیت و آسایش برای زنان و خانواده ها فراگیر می شود. امام علی علیه السلام در این رابطه می فرماید: «در آن روزگاران چنان محیط امنی ایجاد می شود که زن، با همه زر و زیور خود، از عراق تا شام برود... و چیزی او را نترساند» ۱. صدوق، محمدبن علی بابویه، خصال، ج ۲، ص ۴۱۸. ۲. مجلسی، محمدباقر، بحا رالانوار، ج ۶، ص ۲۱۳.

اقدام چهارم: شناخت راه نجات از گذرگاه صعب العبور آخرالزمان

اشاره

پس از آشنایی با شرایط سخت و دشوار دوران آخرالزمان، این سؤال پیش می آید که آیا خداوند در تدبیر نظام خلقت، بشریت را با هجمه سنگین شیطان، تنها و رها گذارده است؟ آیا نبی رحمت صلی الله علیه و اله وسلم، امت خویش را بدون پشتیبان و ابزار دفاعی لازم، به دست طوفان های وحشتناک ایمان برانداز آخرالزمان سپرده است؟

کام اول: شناخت تنها راه نجات بخش

آنچه از مشاهده آموزه های ادیان الهی استفاده می شود این است که همه آنها در صدد آشناسازی امت عصر خویش با توحید، نبوت، عدل و معاد بوده اند. اما مکتب اسلام، علاوه بر معرفی آموزه های فوق، بر مسئله ولایت و اهمیت آن، تأکید فراوان نموده است. به گونه ای که از سوی خداوند حتی مشروعیت خاتمیت رسول اکرم صلی الله علیه و اله وسلم، تکمیل گردیدن دین و تمام شدن نعمت، منوط به معرفی «ولی» منصوب از جانب خداوند از سوی پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم شده است. ۲۲. «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغ رسالته و... ای رسول! آنچه از پروردگارت (درباره امامت و ولایت) نازل شده،

ابلاغ نما. اگر چنین نکنی گویی در رسالت و نبوت خویش هیچ گامی بر نداشته ای...» (مائده/۶۷). «الیوم یش الذین کفروا من دینکم فلا تخشوه و اخشون . الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا: امروز (روز غدیر) کافران از غلبه بر دین شما مأیوس شدند! پس از آنها نهراسید بلکه آنان از شما خواهند ترسید. امروز دین خود را بر شما کامل نمودم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و به اسلام راضی شدم» (مائده/۳). ارزش ولایت و امامت در نزد آموزه های اسلام به اندازه ای است که در منابع حدیثی شیعه و سنی، با عبارات متعدّد، این سخن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم نقل شده است که: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.»^۱ مرگ جاهلیت، اشاره به مردن در حال کفر، نفاق و ضلالت است. زیرا خصوصیت دوران جاهلیت (پیش از ظهور اسلام) این بود که کفر، نفاق، جهل به معارف اسلامی، توحش و خشونت بر جامعه حاکم بود. بخاطر این نقش ممتاز «ولی خدا» و «امام» در رهایی از تاریکی ها و ضلالت هاست که مسلمین در عصر غیبت و دوران آخرالزمان به خواندن «دعای غریق» و این فراز از آن سفارش شده اند: «اللهم عرّفنی حجّتك، فانّک ان لم تعرفنی حجّتك، ضللت عن دینی، اللهم لاتمتنی میتة جاهلیة...: بارخدا یا! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجّت خود را به من معرفی نکنی از دینم گمراه می شوم. خدایا مرا به مرگ جاهلیت نمران...». ۲ حال که به فرموده امام صادق علیه السلام، هر کس که اهل بیت را بشناسد، مؤمن است ۳ و از گمراهی و جاهلیت در امان خواهد بود، جواب سؤال پیش گفته روشن خواهد شد که در تدبیر عالم خلقت و نیز از سوی نبی رحمت و هدایت، امت اسلام در گردنه های صعب العبور آخرالزمان، به حال خود واگذارده نشده اند. وجود مقدس حضرات معصومین علیهم السلام، بهترین کشتی نجات برای فرار از دریای طوفان زده آخرالزمان هستند. هر یک از آنان، بالأخص اباعبدالله الحسین علیه السلام، راضی به بلاها و مصایب فراوانی گردیدند تا باب رحمت الهی برای مؤمنین باشند. لذا در ادعیه از زبان خودشان، می خوانی که آنان «کفارة لذنوبنا و تزکیة لنا» هستند. یعنی همانگونه که دادن کفاره، موجب بخشش گناه از سوی خدا متعال می شود، آنان نیز با صبر بر بلاها و مصایب و رضایت به آن، سبب پاکی و تزکیه ها از معاصی و سهل شدن پاک زیستن در شرایطی که تاریکی ها و آلودگی ها، انسان را در بر گرفته، گردیده اند. ۱. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۳۵۰؛ مضمون این حدیث در کتب متعدّد اهل سنت از جمله صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲۱ و ۲۲؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳؛ صحیح ابن حبان، ج ۴۴؛ شرح مقاصد، ج ۳، ص ۳۷۵؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۹۶؛ سنن ابن داوود، ص ۲۵۹ و... با عبارت های گوناگون نقل شده است. به گونه ای که نویسنده کتاب «وظایف در عصر غیبت»، اسامی بیش از ۴۰ راوی از اهل سنت و صحابه که نقل کننده این حدیث بوده اند را ذکر کرده است. ۲. ر.ک. به: محدث قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، دعای غریق. ۳. «من عرفنا کان مؤمناً...: هر کس ما را شناخت، مؤمن است» (ر.ک. به. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۱۸۱).

گام دوم: پیوند امام شناسی ۱ با خداشناسی

خداوند، جن و انس را برای عبادت و معرفت خدا آفرید و هدف خلقت چیزی جز معرفت خدا نیست. این معرفت صرفاً با بندگی خدا حاصل می شود و رسیدن به این مقام، مستلزم تسلیم و تصدیق اولیای الهی است. «من عرفکم فقد عرف الله: هر کس شما اهل بیت را شناخت، خدا را شناخته است.» ۲. آفرینش همه عالم برای معرفت و عبادت خداست و این هدف جز به واسطه «حجّت خدا» برای کسی قابل دسترسی نیست. بخاطر همین منزلت است که مفسّرین «لیس کمثله شیء» را اینگونه تفسیر کرده اند که مثل مثل خدا (که اهل بیت هستند)، کسی نیست. در واقع، جاری شدن کمالات و صفات الهی در ائمه علیهم السلام به میزانی است که به عنوان «انسان کامل»، شبیه ترین افراد به خداوند از حیث دارا بودن صفات کمالی پروردگار هستند. ۱. ۳ و ما خلقت الجن و الانس الالیعبدون (ذاریات/۵۶). ۲. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره. ۳. البته این به معنای کفر آمیز آن نیست که برای خداوند شریک

قائل شده و کسی را همانند امام هادی علیه السلام، این طریقه منحصر به فرد معرفت و آشنایی با خدا را چنین توصیف می کنند: « من اراد الله بدء بكم و من و حده قبل عنكم، و من قصده توجه بكم: هر که عزم خدا کرد با شما شروع می کند و هر که موحد شد از شما آموخت و هر که قصد خدا نمود به شما روی آورد». ۱. سیر آفاق و انفس در پرتو نور آنهاست و تنها دری که به سوی خدا باز شده است، تنها راهی که به قرب الهی منتهی می شود، تنها نشانه کمالی که از دین خدا قرار داده شده است و تنها تابلوی تجلی تمام اسماء و صفات حضرت حق، حجج الهی بوده و هستند و پیمودن راه خدا تنها به اطاعت از ایشان است. ۲. امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «لولا ما عرف الله و لولا ما عبد الله، بنا عرف الله و بنا عبد الله: اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد و اگر ما نبودیم خدا پرستش نمی شد. به واسطه ما خدا شناخته شد و به واسطه ما خدای متعال پرستیده شد». ۳. حال که اهمیت جایگاه ولایت و منحصر بودن شناخت صحیح و دقیق خدا از طریق اهل بیت علیهم السلام روشن گردید، معنای این کلام نورانی امام حسین علیه السلام در پاسخ به سؤال فردی که در خصوص چیستی «معرفت خدا» می پرسید، ۴ مشخص می گردد: ذات نامتناهی الهی قرار دهیم. انبیاء و اولیاء و اهل بیت علیهم السلام مخلوق خدایند و به عنوان یک انسان، دارای محدودیت و نیازمندی می باشند که هیچ یک از آنها در ذات اقدس الهی راه ندارند. بلکه صرفاً مقصود، بیان میزان بالای شباهت اهل بیت علیهم السلام در دار بودن صفات کمالی به کمال مطلق است. ۱. مفا تیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، ص ۸۹۶. ۲. «پیوستگی دین خدا با حجت خدا»، نشریه امام شناسی، شماره پنجم، آذر ۱۳۸۷. ۳. انوار اللامعه، ص ۲۵. ۴. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۸۳. حضرت فرمودند: «اگر اهل هر زمانی امام واجب اطاعه خود را بشناسد، معرفت به خدا را پیدا می کند». این ارتباط امام شناسی با خدا شناسی و گذر مسیر اطاعت الهی از شناخت امام در کلام بزرگانی همچون آیت الله العظمی بهجت رحمه الله، این چنین تشریح شده است: «اگر مسأله امام شناسی بالا رود، خدا شناسی هم بالا می رود. چه آیتی بالاتر از امام علیه السلام؟ امام آینه ای است که حقیقت تمام عالم را نشان می دهد». ۱. نشریه امام شناسی، شماره اول، مرداد ۱۳۸۷، ص ۲.

کام سوم: بهره مندی از آثار و برکات ولایت پذیری

۱. بهره مندی از هدایت پاداشی

ائمه اطهار علیه السلام هر یک همچون بهاری سرشار از طراوت و زیبایی، زمستان سرد و بی روح را شکوه و جلا می بخشند. این بهاران در همه ابعاد زندگی زمستان زدگان، اثر گذار است. اینکه در ادعیه، آنان را چنین مورد خطاب قرار می دهیم که «السلام علی ربیع الانام و نصره الایام» سلام بر بهاران زندگی مردمان و طراوت روزگاران «۲، حاکی از آثار و برکات وجودی آنان است. این طراوت بهاران، برای برخی موقتی و همچون فصلی در کنار فصل های دیگر زندگی آنان است و برای برخی، سراسر حیات آنان را در بر می گیرد. هدایت الهی از طریق وجود مقدس ائمه اطهار علیهم السلام به دو گونه جاری می شود. کلیه انسان ها و حتی اجنه از آغاز حیات خویش، از «هدایت ابتدایی» ۳. ۲. مفا تیح الجنان، ص ۵۳۱. ۳. همه انسان ها و جتیان بواسطه رحمت الهی، از حدی از هدایت برخوردار خواهد بود که برای قرار گرفتن آنان در زمره اهل ایمان کفایت می نماید. این لطف و رحمت تنها در صورتی قطع خواهد شد که فرد خود از روی اختیار، نسبت به وظایف و تکالیف خویش نسبت به ذات مقدس الهی و ائمه اطهار علیهم السلام بی توجهی کرده و مسیر دوری از اهل بیت علیهم السلام را اختیار نماید. برخوردار خواهند بود و چنانچه وظایف خویش را نسبت به این لطف فراگیر الهی به انجام رسانده و خود را از تاریکی ها و پلیدی ها به واسطه چنگ زدن به این ریسمان الهی نجات دهند، از مرحله بعدی هدایت، تحت عنوان «هدایت پاداشی» برخوردار خواهند گردید. در این مرحله لحظه لحظه

زندگی، با بهره مندی از رحمت الهی از طریق اسباب رحمت یعنی ائمه هدی علیهم السلام، همراه خواهد بود.

۲. برعهده گرفتن سرپرستی فرد توسط معصومین علیهم السلام

اصولاً معنای ولایت آن است که «ولی» و «سرپرست»، عهده دار امور کسانی شود که ولایت آنها را برعهده دارد. اگر در احکام شرعی، معامله کودک نابالغ پذیرفته نیست و کسی که در معاملات اقتصادی ناتوان است و «سفیه» محسوب می شود، می بایست از طریق پدر یا حاکم شرع و یا فرد دیگری که «قیم» و «ولی» اوست، امور خود را انجام دهد، بخاطر ناتوانی کودک و سفیه و توانمندی ولی و قیم است. اگر ما نیز خود را محتاج اهل بیت علیهم السلام بدانیم و مقام آنان را درک کنیم و از آنان اطاعت کنیم، آنان ولی و عهده دار تمام امور مادی و معنوی ما می شوند.

۳. کسب آرامش و امنیت فردی و اجتماعی

اینکه خداوند مکرر می فرماید: «اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا...»^۱ معنایش این است که لذا هدایت دو گونه است. ۱. هدایت ابتدایی: این نوع از هدایت از درون انسان به وسیله فطرت و از بیرون توسط انبیاء و اولیای الهی صورت می گیرد. بوسیله این هدایت، دیگر هیچکس باقی نمی ماند که گمراه باشد ۲. هدایت پاداشی: هر کس هدایت ابتدایی را پذیرفت، در دنیا و آخرت از پاداش برخوردار می گردد سعه صدر، نورانیت دل، شوق به نماز و.. پاداش الهی به فردی است که هدایت ابتدایی را پذیرفته و به آن عمل کند اگر می بینیم که وقت نماز فرا می رسد ولی چندان اشتیاقی به اقامه نماز نداریم، ناشی از آن است که همچنان در پذیرش هدایت ابتدایی دچار مشکل هستیم و از هدایت پاداشی چندان بهره ای نبرده ایم لذا قرار گرفتن دوستان خوب در مسیر زندگی، موفقیت در تحصیل و... همه ناشی از هدایت و توفیق و پاداش الهی است. ۱. بقره/ ۲۵۷. خداوند خود سرپرستی امور مؤمنین را برعهده گرفته و مؤمن سخن نمی گوید، نمی بیند، گوش نمی کند و... مگر اینکه کار او را، ولی او یعنی خدا انجام می دهد و جز اموال الهی انجام نمی دهد. چنین می شود که انسان معتقد و مطیع ولایت ائمه اطهار علیهم السلام، در ابعاد فردی و اجتماعی، برخوردار از آثار و برکات این انوار مقدّس می شود. در ابعاد فردی، این تمسک به ولایت انوار الهی، شخصیت ممتازی را به فرد هدیه داده، در روح او، طمأنینه و آرامش می آفریند. آنان تحت ولایت ائمه علیهم السلام، از آن جهت که خود را به واسطه جریان فیض الهی در همه هستی وابسته می بیند، همواره بر آنان تکیه نموده و به رأفت و رحمت آنان دل می بندد. همواره امیدوار است. کمتر دچار اضطراب و آشفتگی روحی می شود و چون خود را در محضر آنان می بیند، کمتر دچار لغزش و گناه می شود و... در بعد اجتماعی نیز، جامعه معتقدین به ولایت معصومین علیهم السلام، جامعه ای است که در آن همبستگی و همنوایی و نیز رعایت بسیار هنجارهای دینی در حدّ بسیار بالایی وجود دارد. نظم و امنیت بیشتری در آن حکمفرماست. عدالت، دادگستری و انصاف بر قوانین و قواعد آن سیطره دارد. ۱. ۱. جمعی از نویسندگان، مبانی نظری مقیاس های دینی، ص ۶۵.

۴. برخورداری از شفاعت اهل بیت علیهم السلام در دنیا و آخرت

انسان محبّ اهل بیت علیهم السلام به واسطه اختیارمندی خویش، در برخی از مراحل زندگی دچار لغزش و گناه می شود و برای دوری از عذاب الهی، محتاج شفاعت ائمه معصومین علیهم السلام می باشد. نیازمندی به این شفاعت در آخرت، آنچنان ضروری

است که بدون آن، اعمال ما قطعاً نمی‌تواند ما را به بهشت و بهره‌مندی از رضوان الهی برساند. البته بهشت، صرفاً و عده‌ای برای سرای آخرت نیست و انسان در همین دنیا نیز در بهشت یا جهنم خواهد بود. میزان جاری شدن رذایل و پلیدی‌ها و یا خوبی‌ها و صفات حسنه در محیط زندگی هر فرد، آن محیط را جهنم یا بهشت او می‌گرداند. لذتی که مؤمن به اهل بیت علیهم‌السلام در زندگی دنیوی خویش می‌برد قابل مقایسه با وضعیت بریدگان از عنایت آنان نیست. لذا نه تنها به شفاعت در آخرت محتاجیم، به بهره‌مندی از شفاعت در همین دنیا نیز به شدت نیازمندیم. میزان این شفاعت، به میزان ولایت‌پذیری هر فرد خواهد بود. بدین جهت یکی دیگر از آثار و برکات ولایت‌پذیری، بهره‌مندی از شفاعت اولیای الهی در دنیا و آخرت می‌باشد.

اقدام پنجم: پاسخگویی به انتظارات امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

ما اگر روز، گرسنه و تشنه بمانیم، شب آنقدر خواب خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها را می‌بینیم که گرسنگی و تشنگی آن روز را جبران می‌کند. امّا کدامیک از ما، شب هنگام، خواب از کمی محبت مان نسبت به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌بینیم؟ کدامیک از ما، کندی حرکتمان نسبت به تربیت صحیح ولایی، موجب پریدن از خواب آشفته و پریشان‌کننده می‌گردد؟... واقعیت آن است که بهره‌مندی از تربیت مهدوی و دغدغه پاسخگویی به انتظارات ولی نعمتمان، دغدغه اصلی ما نگردیده است. همانطور که برای ورود به اماکن مقدّس، مقدّماتی در کتب ادعیه ذکر گردیده است، پاک شدن از نجاسات و آلودگی‌ها و ورود به باب ولایت ائمه علیهم‌السلام نیز نیازمند برخی مقدّمات است. یکی از مهمترین مقدّمات، تلاش برای پاسخگویی به انتظارات آن منابع و مخازن نور و رحمت است. تنها در این صورت است که این زمزمه ما در زیارت عاشورا که با عبارت «اسئلك ان یلغنی المقام المحمود»^۱: تقاضای رسیدن به مقام محمود را می‌کنیم، از یک ادّعا و کلام فاقد حقیقت خارج می‌شود. مقام محمود- یعنی همان مقامی که اصحاب امام حسین علیه‌السلام در شب عاشورا به کرامت حضرت اباعبدالله علیه‌السلام آن مقام را دیدند و در روز عاشورا، موجب شد بی‌قراری و بی‌تابی برای شهادت در چهره و رفتار آنان موج‌بزند- به کسانی داده خواهد شد که به وظایف خود نیز عمل نمایند. تأسی به الگو صرفاً به حرف و ادّعا نیست و آنان باید حقیقتاً خود را محو آنان کند و شکی در ولایت آنها نداشته باشد و به انتظارات و وظایف خویش واقف باشد. تلاش خواهد شد به این وظایف و انتظارات در بخش‌های بعدی اشاره گردد. ۱. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

اقدام ششم: شناخت خطرات و آثار بی‌توجهی به وظایف

اشاره

تربیت و پرورش انسان، مقصد مشترک ائمه هدی علیهم‌السلام و ائمه کفر است. هم معصومین علیه‌السلام و اولیای دین برای تربیت الهی و هم شیطان و یاران او، برای تربیت الحادی انسان، در حال تلاش و تکاپو می‌باشند. انسان است که بواسطه اختیار خویش، هر کدام از آنان را که بخواهد، به عنوان مربی و راهنمای خویش قرار می‌دهد. این انتخاب آدمی، موجب ایجاد تفاوت فاحشی در مقصد، مسیر و آثار می‌گردد. وقتی مقصد و مسیر از مجرای طبیعی آن که همان فطرت الهی است، منحرف شد، تغییر مطلوبیت‌ها و اسوه‌ها، از آثار گریز ناپذیر آن خواهد بود. مثلاً- در فرد و جامعه‌ای که مادی است و ولایت ائمه کفر را انتخاب نموده است، دیگر صدیقه طاهره علیها‌السلام نمی‌تواند اسوه زنان باشد و این کلام ایشان که «برای زن بهتر است که نه او مردان نامحرم را ببیند و نه مردان نامحرم او را»^۱ کلامی غیر قابل‌پذیرش خواهد شد. چرا که ائمه هدی علیهم‌السلام و انبیاء و اولیای الهی، اسوه انسان‌هایی خواهند بود که از مادیات فراتر رفته و ولایت آنان را پذیرفته‌اند. پیش از این گفته شد که پذیرش ولایت نیز صرفاً به ادعا

نیست و لازمه اش عمل به وظایف و انتظارات راهنمایان مسیر الهی است لذا یکی از آثار مهم بی توجهی به وظایف آن است که انسان از ولایت ائمه هدی علیهم السّلام خارج و داخل ولایت ائمه کفر می گردد و اگر چنین شد، دیگر نمی تواند اسوه هایی چون حضرت زهرا علیها السّلام، اباعبدالله ۱. « حضرت زهرا علیها السّلام. خیر للنساء ان لایرین الرجال و لایراهنّ الرجال » (بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۶). الحسین علیه السّلام و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را بپذیرد. ۱. اینکه گفته شده است « کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا » ناشی از این است که همه انسان ها در همه اعصار تاریخ به عاشورا امتحان می شوند. در این امتحان، پاسخ سؤالات ناگزیر یکی از این دو گزینه است: «حسین علیه السّلام» یا « یزید ». هر یک از ما در همین لحظه در مقابل این امتحان قرار داریم که آیا ولایت الهی را از طریق تأسی و اطاعت از ولی خدا می پذیریم یا به ولایت کفر از طریق عمل نکردن به وظایف و تسلیم در مقابل وسوسه های شیطان در می آئیم؟ این انتخاب ما، بسیار جدی و تأثیر گذار است و در آن، تنها علم و اعتقاد کافی نیست و عمل به وظایف نیاز است. اینکه ابلیس با داشتن شش هزار سال عبادت، ذکر و تسبیح و با دارا بودن علم و عقیده به خدا، پیامبران و قیامت، به جرم تسلیم نشدن در مقابل عظمت حجت خدا و سر تعظیم فرود نیوردن در برابر حضرت آدم علیه السّلام برای همیشه تاریخ، کافر، ملعون، رجیم و سرافکننده شد، ۲ حاکمی از اهمیت این مسئله است. او در علم، دانش و آشنایی با اسرار، چیزی از دیگران کم نداشت، اما معلوم می شود خدای متعال نسبت به پذیرش حجّت الهی، با احدی مدارا و مامشات نمی کند. ۳. ۱. همین اتفاق برای فرعون افتاد. وی با آنکه می دانست موسی بر حق است و معجزات موسی دیگر جای شک و شبهه را برای او باقی نگذاشته بود، ولی از پذیرش این حجّت خدا سرباز می زد. چنین شد که او دیگر نتوانست هدایت یابد. سنّت الهی این است که چنانچه کسی مطلبی را بداند ولی از عمل به آن فرار کند، لطف الهی از او برداشته شده و آن فرد دیگر نمی تواند حقایق را ببیند. رسالت زن منتظر این است که به هر آنچه می آموزد عمل کند و نسبت به وظایف خویش کوتاهی نورزد تا در اثر بی توجهی، از درگاه الهی رانده و رها نشود. ۲. ر. ک به: سوره ص / آیات ۸۵-۷۱. ۳. کسانی که در این امر کوتاهی کنند با اشد مجازات روبرو می شوند. خداوند در آیه ۸۵ سوره ص می فرماید: «الاملانّ جهنّم منک و ممّن تبعک منهم اجمعین: سو گند به حق، جهنم را از تو (ابلیس) و از کسانی که از تو پیروی کنند (و در مقابل حجت خدا تسلیم و تعظیم نداشتند این خطر بی توجهی به وظایف نسبت به ائمه هدی علیه السّلام در این فراز از زیات جامعه کبیره به خوبی تبیین گردیده است. « فالترابغبه عنکم مارق، و اللّازم لکم لاحق، والمقصر فی حقکم زاهق و...: آن که نسبت به شما اهل بیت علیهم السّلام بی میلی کند و به دیگران مایل باشد، از دین خدا خارج است و هر که ملازم شما باشد به شما ملحق می شود و هر که در حق شما کوتاهی کند، از بین خواهد رفت و...» ۱. درست است که خداوند انسان را میان انتخاب هدایت یا ضلالت مختار قرار داده است ولیکن در آیات فراوان، آثار و نتایج هر یک از این مسیرها را نیز مشخص نموده است. بطور مثال در آیه شریفه: «ومن اعرض عن ذکری فانّ له معیشه ضنکی: و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی سخت و تنگی خواهد داشت» ۲. قرآن کریم، لذت و آسایش را از آن مؤمنین و زندگی اضطراب آلوده و دشوار را برای اعراض کنندگان از مسیر ولایت الهی قرار داده است. لذا بی توجهی و اعراض از ولایت ائمه هدی از جمله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، زندگی انسان را همراه با اضطراب و سختی رقم خواهد زد. اینکه در قرآن یکی از عذاب های کافران، خوردن از شجره زقوم ۳ معرفی شده و مؤمنان به تناول از شجره طیبیه و لذت بردن از آن، وعده داده شده اند، حاکی از آن است که هر فرد در این دنیا، خود عذاب یا پاداش الهی را انتخاب نموده است. و در واقع، انتخاب ولایت ائمه کفر، درد و عذاب را از همین دنیا با انسان (باشند)، پر خواهیم کرد (ر. ک): « پیوستگی دین خدا با حجت خدا»، نشریه امام شناسی، شماره پنجم، آذر ۱۳۸۷. ۱. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره ۲. طه / ۱۲۴. ۳. واقعه / ۵۲. همراه خواهد نمود. نکته مهم این است که این خطر برای زنان دو چندان است. زیبایی دوستی و تنوع طلبی، از جمله امیال نشأت گرفته از فطرت الهی است که در زنان به عنوان یکی از مظاهر زیبایی و جمال الهی، قرار داده شده است. لیکن این امیال چنانچه هدایت صحیح نگردند و منجر به تبرّج و تجمل گردند،

خطرناک خواهند بود. به واسطه همین حساسیت است که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه، چنین هشدار می دهند که: «انَّ النساءَ هَمَّهِنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا: زنان همتشان، آراستن زندگی دنیایی است.»^۱ لذا بانوان، چنانچه به تربیت نفس خویش نپردازند و دنیا خواهی را وجه همت خویش قرار دهند، از وظایف خویش در مقابل حجت خدا غفلت ورزند، آخرت را تباہ ساخته اند.^۲ البته در روی دیگر سکه، زنان بواسطه زیبایی دوستی خویش، چنانچه جمال و زیبایی های معنوی ائمه اطهار علیهم السلام از جمله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک کنند، قدر و منزلت این انوار ملکوتی را بیشتر با تمام وجود حس نموده و ایمانی مستحکم تر به آنان خواهند یافت. از آنجا که مخاطب این متن، زیبایی و ارزش «زن منتظر» بودن را درک نموده و این سطور را به امید جستجو و آشنایی با رسالت های خویش در جامعه مهدوی، مطالعه می کند، باید بداند که موقعیتی بس خطیر و حساس دارد. او اگر صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را با تمام زیبایی های آن وجود مقدس بشناسد و خود را تحت ولایت و تربیت آن حضرت در آورد و ایشان را ناظر بر تمام اعمال خویش بداند^۱ باید توجه داشته باشد که ترک وظایف، همان گونه که موجب هبوط آدم از بهشت به زمین شد، او را نیز از دامن ولایت الهی به ولایت شیطان، خواهد انداخت.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳. ۲. همان گونه که یک طرف چنانچه وارونه و برعکس شود، هر چه آب در آن بریزند، چیزی در داخل آن ظرف جمع نمی شود، افراد نیز چنانچه به وظایف خویش در مقابل حجت خدا بی توجهی کنند، ظرف کسب معارف الهی و بهره مندی از نعمات آنان، معکوس شده و برخلاف جهت الهی قرار می گیرد و هر چه کمالات در آن ظرف بریزند، آن ظرف قابلیت جمع آوری و نگهداری آن کمالات را نخواهد داشت. زن منتظر باید بداند که نعمات خداوند از جمله قرار گرفتن در مسیر هدایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تلاش برای ایفای نقش به عنوان اصحاب آن حضرت، ابتدایی است و بدون اینکه فرد، لیاقت کافی برای آن داشته باشد از باب تفضّل و رحمت الهی، این توفیق به او داده می شود. لیکن باقی ماندن در این مسیر، مشروط به عدم کفران و بی توجهی نکردن به وظایف است.^۲ گرچه راه توبه باز است اما عنایات الهی نسبت به افراد دارای حد و مرز است و اینگونه نیست که همیشه عفو کند و همیشه قلوب را متوجه خود کند. از اینکه خداوند، حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که اشرف مخلوقات و بندگان است، را به شدت تهدید می کند که چنانچه به بیراهه بروی و در خلاف مسیر صحیح گام برداری، هر آنچه به تو داده ام را باز پس می گیرم، تکلیف ما به وضوح روشن می شود.^۳ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه ای به شیخ مفید: «ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیزی از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند. ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکردیم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود، مصیبت ها و دشواری ها بر شما فرو می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می کردند.» (طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۹۶).^۲ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ: بی تردید خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی دهد تا آنهاوضع خود را تغییر دهند» (رعد/ ۱۱).^۳ ر. ک: اسراء/ ۸۶.

خلاصه مطالب

در پله دوم که به ضرورت شناسی شناخت و عمل نسبت به وظایف از سوی زن منتظر اختصاص داشت، بیان شد که هر گونه اقدام برای حضور در جامعه مهدوی، بدون ایجاد انگیزش های لازم درونی، اقدامی بی نتیجه خواهد بود. سپس بیان شد که دشواری ها و سختی های دوران آخر الزمان و وضعیت اسف بار زن در دوران معاصر و نیز آنچه از وضعیت زنان در آخر الزمان که مورد اشاره روایات قرار گرفته است، بهترین عامل ایجاد انگیزه در زن منتظر برای خیزش و حرکت به سمت شناخت راه های مصون و سالم ماندن از این وضعیت هولناک است. در ادامه از «ولی خدا» به عنوان بهترین و تنها نجات بخش سخن گفته شد و پس از تشریح مقام و جایگاه اهل بیت علیهم السلام از آثار و برکات تاسی به ولایت آنان، نکاتی بیان شد. در خاتمه نیز ضمن اشاره به ضرورت

پاسخگویی به انتظارات آنان، خطرات و آثار بی توجهی به وظایف، مورد بررسی قرار گرفت. منابع جهت مطالعه بیشتر: آنقدر عرق کرده بود که انگار اونو در یک حوض پر از آب انداختند. پاهایش دیگر توان نداشتند. هرچه پاها به او بیشتر التماس می کردند، سرسختی بیشتری نشان می داد. جواب نه بود ... فقط نه! ساعت ها می گذشت و پاها رنگ استراحت به خود ندیده بودند انگار دلش به رحم آمده بود ایستاد... پاهایش ذوق زده شدند. انتظار نداشتند که یکبار هم که شده به دل آنها، رفتار کند. روبه پاها کرد و گفت: پاهای خسته من! می دانم خسته اید. منتظر باشید زمان استراحت شما هم فرا می رسد دوان دوان به حرکت خود ادامه داد. می دوید... ناگهان صدای مهیب انفجار... آخر لیاقت چمران این بود که حتی در لحظه شهادت هم، دوان دوان به سوی معشوق بدود. پاهای خسته او. اکنون مجال استراحت در جوار رضوان نعیم یافتند. ۱. کتابچه مرد بدلی، به همت مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری. ۲. زن بودن، تونی گرن. ۳. ماهنامه امام شناسی، ویژه نامه مجمع جهان شیعه شناسی. ۴. کمال الدین، شیخ صدوق. ۵. دروغ هایی که زنان باور می کنند و حقایقی که آنها را آزاد می سازد، نانس لی دموس.

پله سوم: وظیفه شناسی

اقدام اول: شناخت مراحل حرکت زن منتظر

گام اول: توجه به جامعیت و سیستمی بودن دین

ما معتقدیم که دین اسلام، یک نظام و سیستم یکپارچه است که میان تمام اجزای آن، هماهنگی کامل وجود دارد. در بخش دین شناسی توضیح خواهیم داد که چگونه جامعیت و همه جانبه نگر بودن اسلام، موجب امتیاز و برتری آن نسبت به سایر ادیان و مذاهب گردیده است. این آئین برتر، به همان میزان که به حقوق و تکالیف بها داده است، برای اخلاق و اعمال قلبی ارزش قائل شده است. همانقدر که فرد، دارای اهمیت و ارزش است، خانواده و اجتماع نیز ارزشمند است و... لذا مسلمان واقعی شدن صرفاً به گفتار یا اعتقاد در قلب نیست؛ بلکه وظایف یک مسلمان، دارای ابعاد و جوانب گوناگون است.

گام دوم: شناخت مراحل مختلف پیش روی زن منتظر

زن مسلمانی که می خواهد خود را برای حضور در جامعه مهدوی مهیا کند و وظایف خویش را به درستی انجام دهد، می بایست مراحل زیر را پشت سر گذارد: ۱. ایجاد انگیزش های لازم در خویش؛ ۲. شناخت که دارای دو مرحله است: ۱-۲: شناخت خدا، هستی، انسان، دین و دشمن؛ ۲-۲: شناخت میزان اهمیت و ارزش هر یک از گزاره های دینی؛ ۳. اعتقاد و ایمان به آنچه شناخته است؛ ۴. عمل و رفتار مطابق اعتقاد و ایمان؛ شناخت، اعتقاد و عمل بدون انگیزه، فاقد اثر و ارزش می باشد. آنچه که به انسان شوق و نیرو می بخشد، انگیزش های اوست. همه ما امتحان نموده ایم که چنانچه کاری را با انگیزه قوی انجام داده ایم، اثر آن چندین برابر کارهایی بوده است که از سر ناچاری و تکلیف به آنها اتمام کرده ایم. لذا گام اول این است که زن منتظر، انگیزش های لازم برای خیز برداشتن به سمت جامعه مهدوی را در خود ایجاد کند. در گام دوم، زن منتظر می بایست شناخت صحیحی از خداوند یافته و هستی و عالم را به درستی بشناسد. می بایست نسبت به خویشتن خویش نیز معرفت و آگاهی یابد و جایگاهی را که خداوند برای انسان در عالم خلقت قرار داده است، مورد کاوش قرار دهد. دین و برنامه عمل زندگانی انسان که از سوی خداوند متعال برای او تنظیم شده است و نیز دشمنانی که بر سر راه وی مانع تراشی می کنند، از دیگر اموری است که زن منتظر، نیازمند به شناخت آن است. البته صرف شناخت هر یک از آنها کافی نبوده بلکه می بایست نسبت و رابطه میان اجزای عالم خلقت را نیز شناخته و ارزش

هر یک از آنها در نسبت با دیگری و آثار ناشی از اعتقاد به هر یک از گزاره های دینی را نیز مورد توجه قرار دهد. چنانچه مرحله شناخت ارزش و جایگاه به درستی انجام گیرد، انسان شوق صد چندان نسبت به انجام عبادات می یابد و صرفاً به دنبال رفع تکلیف و فرار از عذاب الهی، به سراغ عبادات نمی رود. پس از کسب شناخت صحیح، اعتقاد و ایمان به آن چه شناخته است، لازم می آید. انسان تا به مرحله اعتقاد و یقین به آنچه که نسبت به آن، آگاهی و شناخت دارد، نرسد، اعیال و تکالیف خود را بصورت ناقص و ناکارآمد، انجام خواهد داد. در گام نهایی، انسان به آنچه شناخته است و بدان ایمان و اعتقاد پیدا کرده است، عمل می نماید. البته این بدان معنا نیست که فردی بگوید چون من انگیزه یا یقین شناخت کافی نیافته ام، پس تا زمان حصول آنها به تکالیف خویش عمل نمی کنم. بلکه وی می بایست تکالیف شرعی را برای رفع عذاب الهی انجام دهد و به منظور ارتقای درجه ایمان خویش، نسبت به سایر جنبه ها نیز تلاش جدی نماید. تلاش ما در این کتاب بر این است که در چشم انداز اول، انگیزش های لازم در مخاطب ایجاد شود و در چشم انداز دوم، وی با رسالت های شناختی خویش در عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی آشنا گردد و پس از اعتقاد و ایمان به آنچه شناخته است، در چشم انداز سوم، شاخصه های رفتاری خویش را بشناسد و مطابق آن، عمل نماید. اقدام دوم: توجه به وظیفه مندی و ضرورت رفع غربت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نکته انگیزشی این بخش که عهده دار توجه دادن به وظیفه مندی زنان در مقابل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد، این است که توجه به برخی نکات، جلوی هرگونه غفلت و بی توجهی به وظایف را خواهد گرفت. قطعاً زنی که طالب بهره مندی از ولایت و سرپرستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است نمی تواند از غربت و هجران حضرت و وظیفه مندی خویش نسبت به آن حضرت، بشنود و با این حال بی توجه باشد.

اقدام دوم: توجه به وظیفه مندی و ضرورت رفع غربت از حضرت مهدی

گام اول: درک غربت و اضطراب یوسف فاطمه علیها السلام

آنچه از روایات استفاده می شود این است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گرفتاری های فراوانی دارد که گاه به اضطراب می رسد. ۱. علت اینکه از قیام حضرت، تعبیر به « فرج » شده است به واسطه آن است که با اذن الهی و به واسطه رحم خداوند به اضطراب آن حضرت از ایشان رفع گرفتاری می شود. تعبیری هم چون « اکثر والدعا تعجیل الفرج » ۲ حاکی از آن است که یوسف فاطمه علیها السلام در رنج و ۱. به همین جهت یکی از القاب حضرت «المضطر» است. یعنی کسی که شدت مشکلات و گرفتاری ها به حدی رسیده است که دیگر چاره ای برای او باقی نمانده است در روایات آمده است که گرفتاری های حضرت به حدی میرسد که ایشان به حال اضطراب افتاده و در آن حال به مسجد الحرام رفته و پشت مقام ابراهیم، به نماز می ایستد و آیه شریفه « اَمِنْ يَجِيبُ الْمَضْطَرَّ اِذَا دَعَا وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْاَرْضِ » (نمل/۶۲) را می خواند. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۸). ۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲. گرفتاری است و رفع این دشواری ها، بستگی به میزان درخواست و دعای مردم از خداوند متعال برای رفع این گرفتاری ها دارد. شدت غربت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آن چنان است که پس از قرن ها، هنوز ۳۱۳ نفر نتوانسته اند خود را برای یاری و رفع غربت از آن وجود مقدس مهیا کنند و مردم، به عدم حضور ایشان در میان خود عادت کرده اند. آن حضرت، حتی نمی تواند در میان جامعه زندگی عادی داشته باشد و چنانچه دشمنان او را بشناسند، در به شهادت رساندن او همچون اجداد طاهرش، درنگ نخواهند کرد. تلخ تر از همه اینجاست که بخش اعظمی از این گرفتاری ها، غم ناشی از معصیت، گناه و رنج و دشواری های شیعیان است. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بسان مادری که نمی تواند یک لحظه از غم فرزند خردسال خود فارغ باشد، در اندوه مشکلات شیعیان چون شمع می سوزد. امام رضا علیه السلام، در توصیف شخصیت امام می

فرماید: «امام، انیسی رفیق و اهل مدارا است، پدری دلسوز است، برادری است تنی از یک پدر و مادر، و مادری است که به فرزند خردسال خود محبت می کند»^۱. عجز و لایبه های رقت بار شیعیان در تمام اعصار و سرزمین ها در گرفتاری ها و مشکلات، قلب مقدس ایشان را می سوزاند و زخمی بر زخم های این دل آزرده می افزاید. این قلب و روح زخم دیده، چه بسا جسم و جان حضرت را دچار رنجش و درد کند. امیرالمؤمنین علیه السلام این عظوفت و مهربانی امام معصوم نسبت به یاران و شیعیان را در جملاتی خطاب به یکی از یاران خویش که دچار بیماری شده بود، چنین توصیف میکند: «ای رمیله، هیچ مؤمنی بیمار نمی شود، مگر اینکه ما هم به خاطر بیماری او بیمار می شویم، و غمگین نمی شود مگر اینکه ما هم در غم او غمگین می شویم... ای رمیله، هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین ما پنهان نیست»^۲. ۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰. ۲. ر. ک به: قندی، مهدی، بیاید او را یاری کنیم...، ص ۲۲.

گام دوم: وظیفه مندی در نصرت و یاری دین خدا

نصرت و یاری الهی، زمانی شامل حال افراد می شود که آنان نیز به نصرت و یاری «ولی خدا» پردازند. آنان که توفیق یابند خدمتگزار دین خدا در پرتو سرپرستی ولی خدا باشند، از جایگاه و مقام والایی برخوردار خواهند شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم، در خصوص منزلت نصرت کنندگان ائمه هدی علیهم السلام می فرماید: «خدای عزوجل، به هیچ یک از دوستان خود که جان خویش را در اطاعت و خیر خواهی برای امامش به زحمت اندازد، نظر نمی افکند مگر این که او را در رفیق اعلی (یعنی جایگاه پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان در بهشت) در کنار ما جای دهد»^۲. همه افراد بشر به آزمون «نصرت ولی خدا» امتحان می شوند و به صرف ادعای دوستی و محبت، کسی در زمره یاران دین خدا قرار نمی گیرد. همان گونه که رسیدن به نعمت های بهشتی از راه پر پیچ و خم آزمون ها و بلاهای دنیوی می گذرد، دستیابی به گنج پر ارزش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و توفیق یاری و همراهی او نیز در آزمایشات فراوان عملی، نهفته است. از آنجا که خداوند اراده کرده است که مؤمنین راستین از مدعیان دروغین را به وسیله آزمون های گوناگون تفکیک نماید، دنیا و به خصوص آخرالزمان را از آزمایشات گوناگون لبریز ساخته و در بوتهء پر حرارت این آزمون ها، عیار ایمان مؤمنان را به محک صبر و چگونگی رویارویی با حوادث روزگار و نحوه یاری و نصرت ولی خدا، می سنجد. لذا از یک سو با قرار دادن گنجی چون امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان مردم، راه را به سوی بهره مندی از این گنج پر نعمت باز ۱. یا ایها الذین امنوا ان تنصروا الله ینصرکم و یتبث اقدامکم: ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خداوند را یاری کنید، خداوند نیز شما را یاری خواهد کرد و گام هایتان را نیز استوار خواهد نمود» (محمد/۷). ۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳. ۳. «آیا مردم گمان کرده اند به همین حد که به زبان گفتند ایمان آوردیم، کافی است و دچار امتحان نخواهند شد...؟! (عنکبوت/۲). نموده و از سوی دیگر با قرار دادن رنج ها و بلاهای فراوان، دست نامحرمان را از رسیدن به آن کوتاه کرده و صبوری مشتاقان واقعی را می آزماید. ۱. عموم شیعیان در دل خود، محبت امام زمانشان را دارند و از دشمنان ایشان هم بیزارند لیکن اکثر آنان توفیق نصرت و یاری حضرت را ندارند. بسیاری از افراد نمی دانند که بالاتر از «مقام محبت» مرتبه دیگری به نام «مقام نصرت» وجود دارد و شیعه واقعی علاوه بر محبت، ناصر و یاری دهنده امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. ۲. کسی که به مقام نصرت رسیده است، دیگر با گناهان و معاصی خود، قلب آن امام رئوف و مهربان را نمی آزارد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه خود به یکی از یاران راستین خود - شیخ مفید رحمه الله - می فرماید: «تنها چیزی که ما را از آنان (شیعیانمان) پوشیده می دارد، کارهای ناپسندی است که از ایشان به ما می رسد و آن کارها خوشایند نیست و از آنان انتظار نمی رود»^۳. ۱. قندی، مهدی، بیاید او را یاری کنیم...، ص ۳۵. ۲. همان، ص ۵۱. ۳. بحا

کام سوم: عمل به مسئولیت ها و تکالیف

ما باید به این مطلب فراتر از لغغه های زبانی ایمان بیاوریم که ما در مقابل یاری حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، مکلف و مسئول هستیم. ای کاش همان گونه که بسیاری از ما برای زیبای اندام و حفظ سلامتی از آسیب های چاقی، برنا مه های طاقت فرسا و بسیار دشوار رژیم های غذایی را با روحیه ای خستگی ناپذیر و همراه با انگیزه و علاقه فراوان دنبال می کنیم مقداری نیز در عمل به مسئولیت ها و وظایف خویش در مقابل طیب جسم و جان یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تلاش و تکاپو می کردیم. ای کاش حلاوت و شیرینی بهره مندی از نعمت یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک می کردیم و تکلیف خود می دانستیم که دیگران را نیز از این گنج ارزشمند مطلع و بهره مند سازیم. ای کاش با یاری شیعیان دردمند و رنجور آن حضرت و رفع گرفتاری آنان، در تسکین رنج های امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف سهیم می شدیم و موجبات عزت و افتخار آن حضرت از داشتن چنین یاران صادق و درستکاری را فراهم می آوردیم. و ای کاش...

کام چهارم: دلتنگی و ناشکیبایی در فراق امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران حضرت، دلتنگی ایشان می باشند و به فراق ایشان عادت نکرده اند. چگونه ممکن است قلب کسی در اختیار حضرت باشد و به غیبت او عادت کرده باشد. مگر می توان میان قلب و جسم جدایی انداخت؟! با این همه نیاز و احتیاجی که بشر به امام دارد، چگونه ممکن است این خلاء بزرگ، قلب برخی از افراد را تکان ندهد و چنان قلب سختی داشته باشند که دلتنگی فراق آن عزیز دوران نشوند. اگر کسی ادعای محبت قلبی به آن وجود مقدس دارد، بهترین آزمون این است که ببیند که در قلب خویش چه مقدار از غم فراق ایشان محزون و اندوهگین است.

اقدام سوم: هدف

کام اول: هدف گذاری

هدف از آنچه بیان شد این است که انگیزه عمل به وظایف در ما ایجاد شود و به سمت آن حرکت کنیم. احتمالاً شنیده اید که می گویند: «انسان به سمت همان چیزهایی می رود که به آن فکر می کند». مثلاً در مسابقات اتومبیل رانی توصیه افراد با تجربه و مربیان این است که در حین سرعت، اگر به تصادف و موانع پیش رو فکر کنید، ناخودآگاه تصادف خواهید کرد. تجربیات شخصی هر یک از ما نیز مؤید چنین مطلبی است. لذا انسان می بایست به آنچه که می خواهد به آن برسد فکر کند و نه به آنجایی که نمی خواهد به آن برسد. البته اینکه ما از حضرات معصومین علیهم السلام چه می خواهیم و بر اساس آن تصمیم گرفته ایم در چه مسیری حرکت کنیم، بستگی به این دارد که جایگاه آنان را در چه حد می دانیم و چقدر می خواهیم به کمالات آنان تأسی کنیم. مقدمه عاشق شدن، شناخت معشوق است. لذا اگر می خواهیم شاخص های یک زن منتظر و دارای نقش و اهمیت در جامعه مهدوی را به دست آوریم، می بایست به شناخت کافی از یک زن اسوه و ایده آل مهدوی دست یافته و به میزان شناخت آن، به دنبال کسب کمالات باشیم. چرا که این مسیر، چیزی جز مسیر کسب شباهت به اهل بیت علیهم السلام نیست. اینکه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة: برای من در دختر رسول خدا (حضرت فاطمه علیها السلام) الگوی نیکو است ۱». نشان از آن دارد که زن منتظر، باید به جایگاه و منزلت حضرت زهرا علیها السلام فکر کند و تمام اندیشه و همت خویش را متمرکز در حرکت به سمت کمالات آن حضرت کند.

کام دوم: رعایت مراحل لازم برای تحقق عمل

مشکل اصلی این است که ما برای حرکت در این مسیر، ضوابط و قوانین لازم را رعایت نمی‌کنیم. باید بدانیم که تربیت دارای ۳ مرحله است: ۱. اصلاح بینش ۱.۲. صلاح روش ۳. اصلاح رفتار متأسفانه ما در اکثر اوقات از مرحله اصلاح رفتار آغاز می‌کنیم و توجه نداریم که رفتار ما ناشی از بینش‌ها و شناخت‌های ما و نیز روش‌هایی که متناسب با آن بینش‌ها انتخاب کرده ایم می‌باشد. سنت الهی در طبیعت نیز همین است که به دست آوردن یک میوه و ثمره مرغوب، به کیفیت انجام مقدمات بستگی دارد. در یک زمین زراعی، ابتدا می‌بایست آشغال‌ها و خاشاک را دور ریخت و سپس با کندن شیار و دادن آب، به تقویت و پرورش زمین به وسیله کود پرداخت تا شرایط برای پاشیدن بذر آماده شود. تازه با انجام این مراحل، موانع از سر راه کاشت یک درخت یا بوته برداشته می‌شود و دانه بذر، این اقتضا را می‌یابد که مراحل رشد خود و تبدیل به محصول را طی نماید. ۱۲ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰. ۲. در اصطلاح به این مراحل، تخلیه و تهلیه گفته می‌شود. برای آنکه فرد در جهت مقام ایمان آماده شود، ابتدا می‌بایست موانع را در مرحله تخلیه مرتفع نموده و در مرحله تهلیه، مقتضای کسب ایمان را مهیا کند بعد از رفع مانع و ایجاد مقتضی، باید دید ظرف وجودی فرد، اندازه اش چقدر است تا به همان نسبت انتظار محصول داشته باشیم. به هر میزان زمین زراعی و تخلیه آن، مناسب تر صورت گیرد، محصول مرغوب تری حاصل می‌شود.

کام سوم: لزوم ایجاد اعتماد به نفس لازم برای برداشتن گام‌های بلند

زن منتظر باید بداند که برای به وجود آمدن تغییرات بزرگ و بنیادین دین، می‌بایست اهداف عالی و معیارهای ارزشمند در نظر گرفته شود. الگوها می‌بایست با نشاط، نیروبخش و امیدوارکننده باشند. حوصله، اعتماد به نفس و احساس هویت نیز از دیگر ملزومات است. او اگر عزت نفس یافت و بزرگ شد، دیگر خود را ارزان نمی‌فروشد، حقیر نمی‌شود و خار و ذلیل نمی‌گردد. بهای او توفیق خدمت در رکاب هدایتگر عالم بشریت است. وی باید بداند که لایق عنایت خداوند شدن و افزایش میزان شباهت به اهل بیت علیهم السلام، منوط به میزان بزرگ شدن و بزرگ دیدن خویشتن خویش است. ۲. کسی که خود را بزرگ می‌بیند، اعتماد به نفس در او افزایش می‌یابد و در نتیجه، کرامت نفسش بیشتر می‌گردد و لذا ملکه دوری از گناه و ولایت شیطان در او ایجاد می‌شود. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز دوستی و همنشینی با انسان‌های بزرگ و دارای روح‌های متعالی را دوست دارند و این گونه افراد را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند و میان آنها و افراد عوام، فرق می‌گذارند. لذا هرچه ظرف وجودی ما، وسیع تر و بزرگ تر باشد، عنایات بیشتری شامل حال ما می‌گردد. در طبیعت نیز، نهرهای فراوان آب وجود دارد. برخی از آنها در مسیر حرکت به سمت دریا، با فاصله بسیار از دریا، خشک می‌شوند؟ برخی به نزدیکی دریا می‌رسند؛ برخی ملحق به دریا می‌شوند؛ و برخی دیگر به صورت خروشان وارد دریا شده، آب‌های دریا را شکافته و تا عمقی از آن، پیش می‌روند. انسان نیز بسته به میزان بزرگی و نیز وسعت ظرف وجودی خویش، به سمت دریای نامتناهی کرامات و الطاف اولیای الهی در حرکت است. هرچه با انگیزه تر، خروشان تر و با وسعت بیشتر، الحاق آن به دریای اهل بیت علیهم السلام سریعتر، عمیق تر و بیشتر؛ برای فراهم شدن زمینه ظهور، علاوه بر افزایش ظرفیت‌ها به منظور درک این پدیده بزرگ اجتماعی، مهیا شدن یاران خاص، تکامل عقول و پیشرفت معرفت و بینش دینی مردم، مورد نیاز است. ۲. اینکه نوجوانان و جوانان می‌خواهند خود را بزرگ تر از سنشان نشان دهند و به اینکه بزرگ تر شوند علاقه دارند، نشان می‌دهد که این میل، یک میل طبیعی و فطری است.

کام چهارم: ایجاد ظرفیت‌های لازم برای تحمل دشواری‌ها

از جمله وظایف زن منتظر این است که سختی‌ها و دشواری‌های این مسیر را که علی‌رغم لذت بخش بودن، نیازمند عزم جدی است، بر خود هموار کند. همانگونه که بسیاری از زنان، برای بدست آوردن اندام مناسب، خود را پایبند به رژیم‌های غذایی دشوار نموده و از بسیاری از چیزهایی که به آن دلبسته‌اند، می‌گذرند، زن منتظر نیز برای پرورش و زیبا سازی روح خویش، می‌بایست خود را ملتزم به یک رژیم روحی - معنوی ببیند. فرمول رایج در عالم خلقت این است که انسان برای انجام یک کار، (خوب یا بد)، ابتدا نسبت به سختی‌ها و دشواری‌های آن تحمّل می‌کند؛ به مرور به آن عادت می‌کند و سختی‌ها در نظرش کمرنگ می‌گردند، در مرحله بعدی او از انجام آن کار لذت می‌برد و دیگر به سختی نسبت به ترک آن کار راضی می‌شود. مهم آن است سختی‌ها و دشواری‌های ابتدای کار تحمّل شود. ۱. اگر امروزه، «ادیسون» دارای چنین شهرت و افتخاری شده است و حاصل تلاش او در تولید برق، زندگی بشری را دچار چنین تحوّلی نموده است، ناشی از آن است که وی برای انتخاب فلز مناسب به عنوان رشته لامپ، بیش از هزار فلز را مورد آزمایش قرار داد در حین آزمایشات، افراد متعددی به او مراجعه کردند و او را نسبت به تکرار آزمایشات عبث و خداوند، علاقه و گرایش به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به کسانی اعطا می‌کند که علاوه بر اعتقاد، مدّتی را نیز در عمل به وظایف خود و تحمّل دشواری‌های مسیر انتظار، سپری کرده باشند. البته زن منتظر باید بداند همانگونه که در تکوین و تشریح، تفاوت‌هایی میان زن و مرد وجود دارد؛ در وظیفه‌شناسی و عمل به وظایف نیز این تفاوت به چشم می‌خورد. لذا در بخش‌های بعدی، علاوه بر وظایف عمومی هر انسان در مقابل حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، وظایف اختصاصی زنان در مقابل آن وجود مقدّس را نیز برخواهیم شمرد. ۱. بیهوده اش، مورد سرزنش و ملامت قرار دادند و می‌گفتند: اگر قرار بود پیدا کنی درصد فلز اول پیدا می‌کردی. هر کس به جای او بود پس از آزمایش صد، دویست، سیصد و حداکثر پانصد فلز اول خسته می‌شد و حاضر به ادامه این آزمایشات نبود. اما ادیسون نه تنها در این مسیر خسته نشد، بلکه با رغبت بیشتری فعالیت‌های خود را ادامه داد و از ثمره شیرین آن نیز برخوردار شد. ۱. اینکه در روایات آمده است که زنی پیش رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: «یا رسول الله! من از بچه‌ها نگهداری می‌کنم، در نبود شوهرم صبر می‌کنم، زخم‌های مردم را تیمار می‌کنم و... ولی اجر مجاهدان بیش از زنان است؟! و پیامبر صلی الله علیه و سلم در جواب فرمود: «خداوند برای هر کسی جهادی قرار داده است» و نیز در جای دیگر جهاد زن را خوب همسر داری دانسته‌اند. «جهاد امرأه حسن التبعل»، حاوی یک نکته مهم تربیتی است: اینکه هر فرد می‌بایست جایگاه و نقش خود را شناخته و متناسب با آن به ایفای نقش بپردازد. حال آنکه متأسفانه در رسانه‌ها از رشادت فرماندهان جنگ سخن می‌گویند و به تکریم آنان می‌پردازند، در حالی که فرماندهان اصلی زنانی بودند که این مردان را این چنین تربیت کردند و زمینه رفتن آنان به جنگ را فراهم ساختند. اینکه مادر شهید «عماد مغنیه»، از فرماندهان جنبش حزب الله لبنان، می‌گوید که اگر من چند فرزند داشتم، همه را در راه اسلام می‌دادم، حاکی از آن است که فرمانده اصلی، مادر این شهید است.»

خلاصه مطالب

پس از اشاره به جامعیت و همه‌جانبه‌نگر بودن اسلام، وظایف زن منتظر برای حضور در جامعه مهدی‌وی که شامل: ایجاد انگیزش‌های لازم به شناخت، اعتقاد و ایمان، و عمل و رفتار است، مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه به وظیفه‌مندی زن منتظر در مقابل غربت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نصرت و یاری دین خدا اشاره شد و عمل به مسئولیت‌ها و تکالیف و عادت نکردن به فراق حضرت از جمله وظایف وی دانسته‌اند. ایجاد اعتماد به نفس لازم برای برداشتن گام‌های بلند به سمت آرمانشهر مهدوی، هدف‌گذاری مناسب، و رعایت ترتیب مراحل تربیت و ایجاد ظرفیت‌های لازم برای تحمّل دشواری‌های این مسیر، از

دیگر مسئولیت های زن منتظر است. منابع جهت مطالعه بیشتر: ۱. بیابید او را یاری کنیم، مهدی قندی. ۲. آشتی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی شجاعی. ۳. فضیلت های اخلاقی، سازمان بسیج مهندسین نیروی مقاومت بسیج. ۴. وظایف ما در عصر غیبت، علی اصغر رضوانی. ۵. ضرورت طرح مباحث مهدویت، روح الله شاکری زواردهی.

چشم انداز دوم: زن منتظر و رسالت های شناختی و اعتقادی او

دلش برای زیارت مولایش چنان بی تاب و مشوش بود که عنان از او گرفته بود. از هیچ اقدامی فروگذار نکرده بود. به ذهنش خطور کرد که بهترین راه، ورود از باب سیدالشهداء است...

اشاره

برای تشریف به محضر امام عصر (عج)، چهل جمعه در چهل مسجد ختم زیارت عاشورامی گیرم. روزهای آخر بود. در مسجد نشسته بود، مشغول زیارت عاشورا. یک نگاهش به عبارات زیارت عاشورا بود، نگاه دیگرش از لابه لای خیسی قطرات اشک، رخسار مولا- را جستجو می کرد. چشمانش را مالید. اشک ها را از جلوی مردمک چشم ها کنار زد. نور عجیبی است. آن خانه محقر، کوچک روبروی مسجد..! در را زد و با اجازه وارد شد. این تلالو نور..! جنازه ای در کنار اتاق که پارچه سفیدی بر روی آن انداخته بودند توجه او را جلب کرد. اشک امانش نمی داد. گیج شده بود و حیران. به مردی که کنار جنازه نشسته بود، سلام کرد. جواب سلام شنید.. چرا اینگونه دنبال من می گردی و چنین رنج هایی را بر خود وارد می سازی؟! صدایی به آشنایی تک تک عبارات زیارت عاشورا بود. به جنازه اشاره کرد و ادامه داد: مثل این فرد باشید تا من دنبال شما بیایم. این بانو در دوران بی حجابی (زمان رضاشاه) هفت سال از خانه بیرون نیامد، مبادا مرد نامحرم او را ببیند. (سلوک منتظران، به نقل از آیت الله باقر مجتهد سیستانی، پدر آیت الله العظمی سیدعلی سیستانی از مراجع تقلید).

اقدام اول: خدانشناسی و هستی شناسی

کام اول: شناخت اهمیت موضوع

بخشی از رسالت های شناختی زن منتظر، مربوط به آن معارف و بینش هایی است که هر فرد مسلمان و شیعه معتقد به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید با آن آشنا باشد. این معارف را می توان مبنای نظام فکری هر زن منتظر دانست و بدون شناخت آنها، سخن از رسالت های زن منتظر به عنوان عضو مؤثری از خانواده و اجتماع، گزاف و بی جا خواهد بود. بدون شناخت از روی اعتقاد و ایمان راسخ نسبت به ذات الهی و صفات او، هدفمندی خلقت و تمامی اجزای هستی، جایگاه انسان به عنوان خلیفه الله، جامعیت دین و برنامه عمل و نیز موانع و دشمنان فراروی انسان، نمی توان گام در مسیر شناخت سایر رسالت های شناختی و رفتاری یک زن منتظر گذارد. در بدو امر، بسیاری از این رسالت ها، ساده و سهل می نماید ولیکن بسیاری از مشکلات انسان در ضعف بندگی الهی و تسلیم در مقابل ولایت شیطان، ناشی از ضعف در شناخت این مؤلفه ها می باشد. البته شناخت صحیح، دقیق و جامع این بخش از رسالت ها، بر عهده کتب اعتقادی و کلامی می باشد ولیکن در این مجال، به آنچه شناختش ضروری است، اشاره کوتاهی می گردد.

کام دوم: نگاه با تدبیر و دقت به پدیده های عالم

در روزهای آفتابی، خورشید در یک عادت همیشگی، پرتوهای درخشان خود را هدیه ما می کند. دیگر به دیدن خورشید عادت کرده ایم و لذا هنگام گرفتگی خورشید در روزهای خاصی از سال، اخبار رادیو و تلویزیون، این واقعه شگرف (پنهان شدن چند لحظه ای خورشید) را بازتاب گسترده ای می دهد. چرا که خورشید همچون روزهای عادی نیست و نگاه ما به او نیز با همان زاویه دید همیشگی نمی باشد. کره زمین نیز چنان وسعتش را در زیر پای آدمیان گسترانده است که بر راه رفتن بر روی آن نیز عادت کرده ایم. اصلاً زندگی ما، سراسر عادت و روزمرگی شده است. قرآن کریم برای خروج انسان از عادات روزمره، انسان را به تدبّر در آسمانها و زمین فرا می خواند. راز آن چیست؟ انسان هایی که از نجوم و رخدادهای فلکی آگاهند، بیش از دیگران، اهمیت این سفارش قرآن کریم را در می یابند. آدمی اگر بداند که خورشید، یک میلیون و پانصد هزار برابر! بزرگتر از کره زمینی است که وسعت آن، به سختی در تصوّر فرد می گنجد، چه احساسی می یابد؟ انسان اهل فکر و تأمل، اگر بداند کهکشان راه شیری، دارای چهارصد هزار ستاره می باشد، چه حالی پیدا می کند؟ سرعت ۱۵۰ کیلومتر در ساعت کهکشان راه شیری؛ فاصله ۴ سال نوری نزدیکترین ستاره به خورشید و یا فاصله دو میلیون سال نوری نزدیکترین کهکشان با ما، مطالبی است که تصوّر آن، یک پیام کلیدی دارد: عظمت غیرقابل تصوّر عالم هستی و خالق آن؛ علّت فراخوان قرآن به تدبّر در آسمانها و زمین بی ارتباط با این عظمت و شکوه هستی نمی باشد. زیرا تلقی انسان از هستی، در نوع نگرش به خود، خالق و عالم خلقت تأثیر شگرفی می گذارد. قطعاً خدای حاضر در زندگی روزمره که بارها نام او را در چیزهای بی ارزش مورد قسم قرار می دهیم، با خدای حاکم بر کاینات و عظمت هستی متفاوت است. اگر این قدرت عظمت درک شود، دیگر انسان خود را محتاج بشر و مادیات نمی بیند و زیورآلات دنیا، تمام همت و تلاش او را به خود معطوف نمی کند. توحید واقعی که یک زن منتظر به دنبال آن است، معنایی جز درک عظمت خداوند و پرستش او در تمام ابعاد زندگی و خود را در همه جنبه ها، محتاج او دانستن، ندارد. این چنین می شود که ذکر خدا، برتر از هر ذکر دیگر، در زندگی انسان جریان می یابد. به خاطر اهمیت این درک از هستی و عظمت خالق هستی است که حضرت آیت الله بهجت رحمه الله به عنوان یک سالک الی الله می فرماید. « بارها گفته ام و بار دگر می گویم: کسی که بداند هر که خدا را یاد کند، خدا همنشین اوست، احتیاج به هیچ وعظی ندارد؛ می داند چه باید بکند و چه باید نکند». ۱ تمام عالم هستی در حرکت و تکاپوست و هر حرکتی از طلب و درخواستی ناشی می گردد. این طلب، بدون مطلوب حاصل نمی شود و در آن مطلوب است که حرکت و تکاپو، به سکون و آرامش مبدل می گردد. آن مطلوب چیزی جز « دارالقرار» در جوار خداوند متعال نمی باشد. در این حرکت اجزای عالم، برآیند نیروها و جاذبه ها به گونه ای است که انسان را به سمت خدا می کشاند. آیه شریفه « ففروا الی الله: پس به سوی خدا بگریزید». ۲ نشان می دهد که انسان گرچه معمولاً بخاطر شدت ترس از یک چیز از آن فرار می کند، ولی خداوند از مؤمنین می خواهد به سوی او فرار کنند و یعنی به جای فرار از چیزی، به سوی چیزی (خدا) فرار کنند. این نشان از جاذبه و مهیا بودن زمینه های حرکت با سرعت به سمت خداوند دارد. ۱. ماهنامه اخلاقی- تربیتی خلق، شماره هفتم، مهر و آبان ۲۸۷. ذاریات/ ۵۰.

کام سوم: بایسته های خدانشناسی و هستی شناسی

یک زن منتظر می بایست هماهنگ با تمام اجزای عالم، در حرکت خویش به سمت پروردگار، به شناخت صحیح و جامعی از صفات الهی دست یابد تا در حرکت خویش، کمالات و مطلوبیت ها را به اشتباه در امور دیگر جستجو نکند. استمرار بر ذکر هزار اسم و کمال الهی در دعای جوشن کبیر و تفکر در مضامین آن، این امکان را به زن منتظر می دهد که به حرکت خویش در جهت الهی، سرعت و شتاب بیشتری ببخشد. فراوانی اسماء الهی در متون دینی، تذکردهنده به این مطلب است که هر صفت و نام، پاسخ به یک نیاز انسان است و لذا خداوند حضور فعال و پرثمر در زندگی انسان دارد. مرور راه های عقلی و فطری شناخت خدا، صفات

ذاتیه و فعلیه و نیز صفات سلویه، از جمله رسالت های شناختی زن منتظر است. ممکن است این شبهه پیش آید که شناخت ذات و صفات الهی و بررسی برهان های مربوطه، برای ما که به اسلام ایمان آورده ایم چه ضرورتی دارد؟ در پاسخ باید بگوئیم که اساس همه مشکلات بشر از یک سو و ما به عنوان کسانی که قرار است مؤمنین آخرالزمان باشیم از سوی دیگر، به عدم شناخت عظمت و قدرت لایزال الهی باز می گردد. خدا را به ظاهر پذیرفته ایم ولی در عمل و رفتار خویش، دیگران را شریک او قرار می دهیم. اگر به عنوان کسی که می خواهد منجی بشریت را یاری کند، سنت های الهی را به درستی بشناسیم، گام های خویش در مسیر انتظار را با سهولت بیشتری بر می داریم. سنت غلبه مؤمنان بر کفار ولو با تعداد و امکانات کمتر ۲ و برتری اسلام بر سایر ادیان ۳، سنت روزی رساندن به متقین از طرق غیرقابل پیش بینی ۴ و یا توصیه آموزه های دینی به انفاق و یا دعوت از میهمان و بخشش از اموال در زمان های فقر و ناداری، و... این کمک را می نماید که برعکس بشر غربی که خدا را از معادلات خویش خارج کرده و به صرف اسباب و علل مادی و محاسبات ریاضی اکتفا کرده است، عنصر اصلی و قدرت تأثیرگذار الهی را داخل در محاسبات خویش نمائیم و همه چیز را از ناحیه او ببینیم و از او مدد بگیریم. ۱. در آموزه های دینی، شرک به خدا همچون سقوط از آسمان به زمین است انسان اگر دیده باشد که یک نفر از بالای بلندی مرتفع به زمین پرتاب شده است، می تواند تصویر کسی که در امور خود از غیر خدا کمک می طلبد و در واقع شریک برای ذات الهی قرار می دهد را تصور کند. ۲. «کم من فئه قليلة غلبت فئه كثيرة باذن الله: چه بسا گروهی اندک به خواست خدا بر گروه بسیاری غلبه یافته». (بقره/ ۲۴۹). ۳. «ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون: تا آن را بر همه دین ها پیروز گرداند هر چند مشرکان را خوش نیاید». (توبه/ ۳۳). ۴. «ومن يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب: و هر که از خدا پروا کند، برای او راه خروجی (از گناه و مشکلات) پدید می آورد و او را از جایی که گمان نمی برد روزی می دهد». (طلاق/ ۲-۳).

کام چهارم: اهمیت شناخت نسبت خیر و شر در عالم

عنایت الهی بر این تعلق گرفته که هر شیئی به نقطه کمال مطلوب برسد مگر اینکه بخاطر تراحم اسباب در دنیای مادی، این مسیر با خلل روبرو شود. ۱. فهم این است که بدانیم عالم بر پایه خیر بنا نهاده شده و آنچه از شرور به ما می رسد، شر نسبی است و حتماً دارای خیرات می باشد. ۲. خداوند متعال با رحمت بی منتهای خویش نعمات را گسترانیده است. آیه شریفه ۸۳ سوره اسراء این رحمت الهی را به خوبی تصویر نموده است. پروردگار رحمان و رحیم به وسیله استفاده از صیغه متکلم، ۳ اعطای نعمت را به خود نسبت می دهد ولی تعبیر «اذا مسه الشرّ: هنگامی که بدی او را لمس می کند» نشان می دهد که خداوند به کسی شرو نعمت نمی دهد و شرور، محصول نظام تراحم در نظام مادی و سوء رفتار آدمی است. اینکه یک پرنده در یک زمان با مهربانی دانه دردهان جوجه های خود می گذارد و لحظه ای بعد، آنان را نوک زده و از لانه به بیرون پرتاب می کند تا پرواز را فرا بگیرند، هر دو کار مادر نسبت به فرزندانش رحمت است که در دو چهره متفاوت بروز کرده است. اگر این مسئله برای زن منتظر روشن نشود که «عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم: چه بسا چیزی را ناپسند بشمارید در حالی که در آن خیر شماست»، ۴ در مقابل سختی ها و مصایب ممکن است مأیوس از رحمت الهی - که بزرگترین معصیت است - شده و دچار تزلزل ۱. مثلاً در دنیای حیوانات، یک کره اسب قرار است به اسب تبدیل شود و تمام شرایط و مقتضیات برای تحقق آن فراهم شده است، اما یک گرگ آنرا می درد. ۲. گاهی اوقات یک میوه شیرین و بسیار زیبا و دلچسب بخاطر بیماری زخم معده فرد، همچون سمی خطرناک موجب افزایش مرض او می شود. لذا آن میوه باطراوت دارای شر نیست بلکه این بیماری فرد موجب شده است که برای وی به منزله یک شر باشد. ۳. «واذا انعمنا علی الانسان اعرض وثنا بجانیه و اذا مسه الشرّ کان یؤسا: و چون به انسان نعمت ارزانی داریم روی می گرداند و دوری می گزیند، و چون به وی بدی رسد نومید می گردد». ۴. بقره/ ۲۱۶. ایمان شود. از طرف دیگر، شر و باطل قطعاً نابودشدنی و از بین

رفتنی است ۱. لیکن مطابق آیه ۱۸ سوره انبیاء این باطل خود به خود از بین رفتنی نیست بلکه باید برای از بین بردن آن اقدام و عمل صورت گیرد و اگر چنین شود، باطل امکان مقابله در مقابل حق را نخواهد داشت. وظیفه اصلی ما که در این بخش مورد تأکید قرار می‌گیرد این است که بدون شناخت صحیح هستی و خالق آن، عبادت که میوه شناخت است، حاصل نمی‌گردد. اگر هدف از خلقت جن و انس، و سایر اجزای عالم هستی عبادت پروردگار است، «و ما خلقت الجنّ و الانس الا ليعبدون»، ۲ این عبادت با عباداتی که بدون حضور قلب و از سر رفع تکلیف انجام می‌دهیم، متفاوت خواهد بود. این عبادتی است از روی شناخت عظمت و متناسب با جایگاه خالق هستی. پس می‌بایست مدام با تأمل و مرور در آیات و اسماء و صفات الهی، آنها را ملکه ذهن خویش گردانیم. ۱. «انّ الباطل كانا زهوقاً: بی شک باطل نابود شدنی است». (اسراء / ۸۱). ۲. «وجن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا بندگی کنند» (ذاریات / ۵۶).

اقدام دوم: انسان شناسی

کام اول: شناخت عظمت انسان

انسان پیچیده ترین موجود عالم خلقت است؛ به گونه ای که کل هستی با تمام عظمت آن، گنجایش خدا را ندارد ولیکن قلب مؤمن می‌تواند میزبان خدا باشد. انسان اشرف مخلوقات و خلیفه و جانشین خدا در زمین است. ۳ امانت بزرگ الهی که آسمان و زمین از پذیرفتن آن سرباز زدند و توان پذیرفتن آن را در خود ندیدند، از سوی خالق هستی به انسان سپرده شد. ۴ انسان از چنان عظمتی برخوردار است که خالق کاینات، به واسطه خلقت آن، خود را تحسین نمود «واحسن الخالقین» نامید ۱. آنچنان قرب و منزلت یافت که خداوند، هر آنچه در آسمان و زمین است را به تسخیر او در آورد ۲. ۱. «... فتبارک الله احسن الخالقین: پس پر خیر و پاینده است خدایی که بهترین آفرینندگان است». (مؤمنون / ۱۴). ۲. «الم تروا انّ الله سخر لكم ما فی السموات وما فی الارض: آیا ندیدید که خدا آنچه در آسمانها و زمین است، مسخر شما ساخت» (لقمان / ۲۰). (ر. ک: در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۳۸). ۳. «و اذ قال ربك للملائكة ائی جاعل فی الارض خلیفه.... و آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت». (بقره / ۳۰). ۴. «انا عرضنا الامانة علی السموات والارض والجبال فأبین ان یحملنها واشفقن منها وحملها الانسان:

کام دوم: شناخت جایگاه انسان

کام سوم: شخصیت انسانی زن منتظر

زن منتظر، آمده است که پله های نردبان را بسوی صعود الی الله طی کند و به سمت انسان کامل که نزدیک ترین انسان به پروردگار و وجودش سراسر کمال و فضیلت است، حرکت نماید. او امیال و غرایزش را در خدمت رشد و تعالی خویش قرار می‌دهد و به همین خاطر است که لذت و نشاط او بیش از انسان ۱. بیماری های جسمی دارای درد و عوارض می‌باشد و انسان از شدت درد و رنج، به شدت بیماری و نفوذ ویروس در بدن خویش پی می‌برد. اما خطرناک ترین بیماری های انسان، آن دسته از بیماری ها هستند که بدون درد و آثار بوده و انسان زمانی از آنها آگاه می‌شود که دیگر آن بیماری، آسیب خود را رسانده است. برخی از بیماری های روحی نیز چنان خاموش وجود آدمی را تسخیر می‌کنند که دیگر انسان را یارای رهایی از آنها نیست. ۲. احزاب / ۷۲. ۳. اسر / ۸۴. ۴. التین / ۴. مادی است. او می‌داند که انسان ناهمگون در پرداختن به استعدادها، تمایلات و غرایز،

همچون یک کاریکاتور است و همانگونه که یک کاریکاتور، خنده دار و مضحک است، انسان تک بعدی و ناهماهنگ نیز، خنده دار خواهد بود. زن منتظر، جهت حرکت خود را به سمت انسان کامل تنظیم نموده است و هر لحظه از حرکتش را به امید نزدیک تر شدن به او طی می کند. اگر ویژگی انسان کامل این است که به همه ارزش های انسانی خود می پردازد و آنها را در حدّ اعلا رشد می دهد و در این رشد، هماهنگی و انسجام را مورد توجه قرار می دهد، زن منتظر نیز می داند که رشد بیش از حد یک میل و حتی یک ارزش و غفلت از سایر امیال و ارزش ها، نتیجه ای جز از بین رفتن سایر ملکات و ارزش ها ندارد. ۱ او همچون منتظرین واقعی که خود معصومین علیهم السّلام می باشند، این گفتار پر معنای آنان درالگو قرار دادن انسان کامل را نصب العین خود قرار می دهد که: «چنانچه او (مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دریابم و درک کنم، تمام عمر به خدمت او درمی آیم». ۲ حرکت در مسیر انتظار، حرکت در مسیرانسان کامل است و در این مسیر است که انسان از مرحله محبّ خدا بودن به مرحله محبوب خدا بودن می رسد. این نجوای امام حسن علیه السّلام سراسر وجود زن منتظر را فرا گرفته است که: «ای فرزند آدم! تو پیوسته از وقتی که از شکم مادر خود به دنیا آمدی، در حال نابودی و سپری کردن عمر خویش هستی. پس سرمایه ای که در دست داری، برای آنچه در پیش داری، به کار گیر؛ چرا که مؤمن در اندیشه تهیه زاد و توشه است و کافر در فکر لذت گرایی و بهره گیری از این عالم گذران» ۳. همانگونه که ارزش آزادی و حرّیت، از ارزش های بسیار مهم و ضروری است، لیکن پرداختن بیش از حد به آن، موجب از بین رفتن سایر ارزش ها همچون بندگی و اطاعت در مقابل خدا می گردد. (برای مطالعه بیشتر، ر. ک: مطهری، مرتضی، انسان کامل). ۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، باب ۱۳، ج ۴۶، ص ۲۵۲. ۳. «یا بنی آدم انک لم تزل فی هدم عمرک منذ تقطت من بطن امّک، فخذ ممّا فی یدیک؛ فان المؤمن یتزود و الکافر یتمتع» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۲).

کام چهارم: توجه به تفاوت های تکوینی و تشریحی زن و مرد

نکته مهم این است که زن منتظر بداند که در انتخاب نوع و وسیله حرکت به سمت انسان کامل، خالق هستی، تفاوت هایی میان او و مردان قرار داده است. این تفاوت ها گرچه موجب تفاوت در رسیدن به قرب و کمال نمی شود ولیکن در ناحیه تکوین و تشریح، تفاوت هایی را بوجود می آورد. ۱ زن منتظر ابتدا می بایست توصیف مناسبی از ویژگی ها و تفاوت های طبیعی و تکوینی در ابعاد روحی، روانی، انگیزشی و رفتاری بیابد. سپس به ارزش ها و آثار هر یک از این ویژگی ها و تفاوت ها واقف شود تا در پرتو آن، بتواند به اهداف خدای قادر و حکیم از قرار دادن آنها در وجود خویش پی ببرد و الگوی مطلوب و مورد انتظار اسلام از یک زن مسلمان را درک کند. اگر چنین شد، می تواند تفاوت در حقوق و تکالیف و نیز برخورداری هایی که برای او قرار داده شده تحلیل نموده و به وظایف و رسالت های خویش در مقابل دیگر اعضای خانواده و اجتماع، پی ببرد. ۲ تاکنون تبیین گردید که خالق قادر متعال، هستی را با عظمت و صف ناشدنی، بصورت هدفمند خلق نمود و انسان را به عنوان خلیفه خود در زمین قرار داد. این هدفمندی در خلقت انسانها، موجب گردید تفاوت هایی در زن و مرد بوجود آید. اما پیش از این اشاره شد که اسلام، علی رغم وجود این تفاوت ها و توانمندی ها، برعکس بسیاری از مکاتب دیگر، زن و مرد را در انسانیت برابر دانسته و برای زن، آفرینش اصیل قائل است. نگاه اسلام به زن، علاوه بر موارد فوق، دارای ابعاد دیگری است که می توان از مجموعه آنها، به «اصول حاکم بر شخصیت زن در اسلام» تعبیر نمود. ۱. برخی تفاوت های طبیعی مانند تفاوت در اندازه و کارآیی هر یک از نیمکره های مغز، نوع هورمون هایی که ترشح می شود، اندازه عضلات، نحوه چینش کروموزوم ها و... میان زن و مرد وجود دارد که دارای آثار فراوانی در روان و رفتار زن و مرد است. همچنین در احکام شرعی نیز همچون نماز، روزه، سن تکلیف، نفقه، مهریه و... تفاوت های غیرقابل انکاری میان زن و مرد وجود دارد که قطعاً به منظور خاصی وضع شده است. ۲. ر. ک به: درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۷.

گام پنجم: اصول حاکم بر شخصیت زن مسلمان

۱. اعتقاد به متفاوت بودن راه های کمال زن و مرد

اسلام، زن و مرد را در رسیدن به سعادت جاودانه و قرب الهی، برابر و هر دو را دارای هدف مشترک می داند. اما این حرکت به سوی کمال، براساس تدبیر حکیمانه خالق هستی، بدون توجه به تناسب آن با ظرفیت ها و استعدادها نبوده است. همانگونه که هدف تمامی دانشجویان یک دانشگاه، رشد علمی است ولیکن هر یک براساس علایق و استعدادهای خود، به گرایش و تخصص خاصی می پردازد، خداوند نیز گرچه هدف غایی خلقت را برای زن و مرد بصورت یکسان ترسیم کرده است ولیکن وظایف و مسئولیت های آنان را بصورت کاملاً مشابه و بدون توجه به علایق، استعداد و ظرفیت ها تعریف ننموده است. چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم نیز بصورت مکرر، جهاد مردان را بذل مال و جان در راه خدا و جهاد زنان را شوهر داری نیکو دانسته اند. ۱. لذا مرد با انجام یکسری از وظایف و فعالیت هایی به کمال و قرب الهی می رسد و زن با انجام مجموعه ای دیگر از رسالت ها؛ ضمن آنکه این وظایف و فعالیت ها به گونه ای میان زنان و مردان تقسیم شده است که در مجموع، هیچ یک از دو جنس، برتر از دیگری نیست. ضمن آنکه هر دو در رسیدن به کمال و قرب با هم برابرند ولی در مسیر با یکدیگر متفاوتند. مهم آن است که زن منتظر، این تفاوت ها را به خوبی بشناسد و مطابق با همان برنامه ریزی نماید.

۲. وجود تفاوت های تکوینی زن و مرد و هماهنگی آنها با شریعت

زن و مرد گرچه در انسانیت برابرند و هر دو در مقابل تکالیف الهی مسئول می باشند ولی دارای تفاوت هایی در طبیعت خویش با مردان می باشند. ۱. ر. ک به: بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۹۹ وج ۱۸، ص ۱۰۷ وج ۷۷، ص ۶۶ وج ۱۰۰، ص ۷ وج ۱۰۳، ص ۲۴۷. تفاوت هایی همچون قدرت باروری و فرزند آوری و نیز تأمین شیر کودک، بدون دلیل و هدف از سوی خالق حکیم و علیم، در زنان قرارداد شده است. ۱. آنچه از ملاحظه آیات و روایات و نیز یافته های قطعی علمی بدست می آید این است که این تفاوت ها علاوه بر ابعاد جسمی، در ناحیه احساسات، روح، ذهن و رفتار نیز وجود دارد و وجودشان در هر یک از جنس مرد و زن، دارای هماهنگی و ارتباط با سایر ویژگی های آنان می باشد. از این انسجام و ارتباط، به وضوح، هدفمندی پروردگار از قرار دادن این ویژگی ها در هر یک از دو جنس مشخص می گردد. بطوری که در شریعت اسلام، معارف و مقررات نیز متناسب با این ویژگی ها قرارداد شده و در احکام شرعی، میان زن و مرد تفاوت وجود دارد. لذا هم تکوین و طبیعت و هم تشریح و قانونگذاری الهی، دارای هدف مشخص و واحد هستند. ۱. یکی از مشکلات فمینیست ها این است که این تفاوت های طبیعی را نادیده گرفته و حکمت و تدبیر خالق این تفاوت ها و هدفمندی او از قرار دادن این ویژگی ها در نهاد مرد و زن را مورد غفلت عمدی قرار می دهند. امروزه ثابت شده است که در ساختمان بدنی، نوع فعالیت نیمکره های مغز، تحریک پذیری، جنبه های زیبا شناختی و.. تفاوت های غیرقابل انکاری میان زنان و مردان وجود دارد،

۳. مکملیت زن و مرد

از اسرار شگفت انگیز عالم هستی، زوجیت و تفاوت میان جنس مذکر و مؤنث در تمامی موجودات موجود است ۲ که موجب ایجاد دل بستگی و پیوستگی میان دو جنس گردیده است. از آنجا که خداوند، از یک سو انسان را به منظور رسیدن به کمال و قرب الهی آفرید و از سوی دیگر، هر یک از آنها در این مسیر دچار نقصان و کمبودهایی می باشد، در تدبیر حکیمانه خویش، میان دو جنس پیوند متقابل و نیازمندی به یکدیگر آفرید تا هریک از دو جنس، دیگری را برای رشد و تعالی خویش، لازم و ضروری ببیند. ۱. قاعده کلی خلقت بر این است که نه مرد بدون زن و نه زن بدون مرد، هیچ یک قدرت رسیدن به کمال مطلوب را ندارد و هر یک، نقص و ضعف دیگری را جبران می نماید. ۲. دیدگاه مکملیت آنچنان کلیدی و مهم است که می توان سر منشأ نابودی خانواده در غرب و از بین رفتن شخصیت انسانی زن و مرد غربی را در بی توجهی به آن و احساس استغنا هر یک از دیگری جستجو نمود. ۱. «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لیتسکنوا الیها و جعل بینکم مؤدّه و رحمه: و از نشانه های او این است که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنارشان آرام بگیرید، و میانتان دوستی و مهربانی نهاد». (روم/ آیه ۲۱). ۲. «و من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون: و از هر چیز یک جفت آفریدیم شاید متذکر شوید». (ذاریات/ ۴۹).

۴. خانواده به عنوان رکن اساسی

در بخش مربوط به رسالت های زن منتظر در عرصه خانوادگی به تفصیل در خصوص اهمیت این رکن و اصل بودن آن در مقایسه با بسیاری از امور دیگر، اشاره خواهد شد. اما به اختصار متذکر می گردیم که زن و مرد به عنوان دو موجود متفاوت و مکمل یکدیگر، عرصه ای بهتر و مناسب تر از خانواده را برای بهره مندی از توانمندی های جنس دیگر به منظور رفع نواقص خود نمی یابد. مأمّن خانواده، می تواند بیشترین نقش را در رسیدن آن دو به کمال ایفا نماید.

۵. ضرورت نگاه هماهنگ به اخلاق و حقوق

بسیاری از مشکلات خانواده به نگاه حقوقی زن و مرد به یکدیگر باز می گردد. برخی، بدون توجه به اهمیت اخلاق در تلطیف رابطه ها، ایجاد نشاط و تحریک انگیزه ها برای تفاهم و حسن ارتباط، صرفاً به حقوق خود و تکالیف و وظایف ۲. وجود افراد نادر و استثنایی که بدون بهره گیری از توانمندی های جنس مقابل، به مراتبی از کمال دست یافتند، نمی تواند نقض کننده این قاعده کلی باشد. اینکه در روایات تصریح شده که به واسطه ازدواج، نیمی از دین فرد ازدواج کننده که تا پیش از آن ناقص بود، تکمیل می گردد، حاکی از نقش مکملیت ازدواج است. دیگری در مقابل خویش می پردازند. برنامه تربیتی اسلام این است که علاوه بر مشخص کردن مرزها و ضوابط هر یک از زن و مرد، به تحکیم روابط اخلاقی و پیوندهای عاطفی پرداخته و به مسامحه در مقابله اشتباهات و کم کاری های دیگری تا آنجا که باعث لطمه به کیان خانواده نشود، دستور داده است. همانگونه که نمی توان خانواده را با توصیف های اخلاقی صرف و بدون مشخص کردن وظایف و ضوابط اداره کرد، با حقوق و تکالیف خالی از رعایت مصالح اخلاقی نیز نمی توان انتظار خانواده ای پویا و با نشاط داشت. ۱. برای مثال، توسعه زندگی برای رفاه بیشتر زن و فرزند، چشم پوشی از خطاهای همسر، رحمت و محبت به فرزندان، تقدیم هدیه به همسر، از جمله توصیه های اخلاقی به مردان است. در مقابل، اسلام به زنان نیز توصیه های اخلاقی نموده است. خانه داری و کمک به شوهر، آراستگی در مقابل همسر، هماهنگی و همکاری نزدیک با وی، از جمله این توصیه ها است. (برای مطالعه بیشتر در خصوص ابعاد اصول شخصیت زن در اسلام، به کتاب درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، بخش اصول شخصیت زن در اسلام، صص ۸۶-۵۳ مراجعه فرمایید). آنان که به ندای درون خویش

پاسخ گفته و برای آفرینش، قائل به آفریننده هستند- ولو اعتقاد آنان همراه با انحراف و خرافات باشد، «دیندار» نامیده می شوند. در مقابل، کسانی که مطلقاً معتقد به آفریننده ای نبوده و پیدایش پدیده های جهان را تصادفی و یا صرفاً معلول فعل و انفعالات مادی و طبیعی می دانند، «بی دین» نامیده می شوند. (ر. ک: مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقائد، ص ۱۰).

اقدام سوم: دین شناسی

گام اول: شناخت ضرورت دین

از جمله ویژگی های انسان، میل فطری و غریزی او به شناختن حقایق و اطلاع از واقعیت هاست که در تمام عمر، همراه و قرین اوست. این فطرت حقیقت جویی به انسان کمک می کند تا حوادث عالم خلقت را بررسی نماید. از آنجا که این میل، داری ابعاد گسترده ای بود و با سعادت و یا شقاوت ابدی انسان پیوند خورده است، دارای اهمیت ویژه ای می باشد. البته برخی این گرایش فطری را خاموش نموده و یا عامدانه خود را به تغافل می زنند ۲. امروزه، ادیان مختلفی در دنیا وجود دارد که برخی از آنها از سوی پیامبران الهی آورده شده و برخی دیگر، ساخته دست بشر است. مسلمانان معتقدند که کاملترین و جامع ترین و آنچه که همه انبیاء و رسولان از ابتدای خلقت، برای آن زمینه سازی نموده اند، «دین اسلام» است که توسط «خاتم انبیاء صلی الله علیه و اله وسلم» آورده شده است. برهان ها و قراین فراوان حاکی از آن است که این دین، جهانی و جاودانی بوده و برنامه نهایی پروردگار هستی برای بشریت است. ۱. ر. ک: همان، صص ۲۹۰-۲۷۷.

گام دوم: شناخت جامعیت دین

از ویژگی های منحصر به فرد اسلام آن است که تک تک افکار و اعمال انسان و تمام حوزه های فردی، خانوادگی و اجتماعی را تحت پوشش خود قرارداد و عبادت و ارتباط با خدا را منحصر در زمان خاصی و مکان ویژه ای نکرده است. در حوزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... برنامه ها و راهکارهای متقن و محکمی ارائه داده است که پس از گذشت هزار و چهارصدسال، همچنان پویا، شاداب و اثربخش است. هر مکتب و نظام فکری، دارای سیستم و اجزای به هم پیوسته است اما ویژگی اسلام آن است که این سیستم، جامع، هماهنگ و هدفمند است. بطوریکه تمام معارف و احکام اسلامی، برخاسته از یک نگاه عمیق و همه جانبه به هستی، سعادت مندی و سرنوشت انسان است و سعادت فرد و اجتماع را توأماً به ارمغان می آورد. اسلام، دینی حداکثری، جامع و نسبت به هر آنچه که مربوط به سعادت انسان است، گویا می باشد و سخن از جنبه ای از ابعاد سعادت را ساکت نگذارده است. ماهیت اسلام چیزی جز سعادت همه جانبه انسان نیست و سعادت را نیز صرفاً در جهان آخرت تعریف نمی کند و آمده است تا هم دنیا و هم آخرت را با فرح، شادی، رفاه و امنیت همراه کند.

گام سوم: شناخت نظام سیستمی اسلام

برای روشن شدن نظام سیستمی اسلام، ابتدا به تعریف سیستم و بیان ویژگی های آن می پردازیم. هر سیستم، یک مرکب پیچیده است که دارای پیوستگی بوده و هماهنگی کامل میان عناصر و اجزای آن وجود دارد و یک هدف و غایت مشخص را دنبال میکند هر یک از عناصر سیستم، در کل سیستم تأثیر دارند و اگر ارتباط عناصر با یکدیگر را قطع کنیم، دیگر آن عناصر نمی توانند در کل سیستم تأثیر گذار باشند. ۱ همیشه در مجموعه سیستم، آثاری وجود دارد که در هیچ یک از اعضای آن به تنهایی وجود ندارد.

همچنین با وارد کردن یک عنصر به سیستم، مناسبات و آثار ناشی از آن سیستم به هم خورده و لذا خواص و کارکردهای متفاوتی پیدا می‌کند. لذا به هم خوردگی اجزای سیستم، موجب به هم خوردگی کل سیستم می‌شود. ۲. از سوی دیگر، عناصر قبل از ورود به سیستم و ترکیب، دارای حالتی متفاوت از زمان پس از ترکیب می‌باشند. مثلاً هر قطعه پازل، تصویر و مفهوم خاصی داشته و پس از قرار دادن آن در کنار سایر اجزای پازل، تصویر کامل حاصل می‌شود. در هر سیستم، عناصر به صورت طولی قرار دارند و همه اجزای سیستم با یکدیگر برابر و در یک سطح نیستند. لذا این تصور که عالم مانند دانه‌های تسبیح است که یک نخ آنها را به هم ارتباط داده است، تصور درستی نمی‌باشد. چرا که میان اجزای سیستم ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم ۱. مثلاً یک دارو تا زمانی شفا بخش است که عناصر و اجزای شیمیایی آن، با نسبت و میزان مشخص و در شرایط ویژه با یکدیگر ترکیب شوند و چنانچه این کار صورت نپذیرد، دارو، شفافبخشی خود را از دست داده و ممکن است حتی باعث مرگ بیمار شود. ۲. مثلاً در زبان و ادبیات به عنوان یک سیستم پیچیده، چنانچه هر یک از اجزای زبان در جایگاه مناسب خود قرار نگیرد، آن عبارت نمی‌تواند رسالت خود که انتقال مفهوم است را انجام دهد. به عنوان نمونه تغییر در جایگاه فعل و فاعل جمله «سبز جیغ می‌کشد» باعث شده است که از آن هیچ معنایی فهمیده نشود. فراوان و پیچیدگی نسبت‌ها و روابط وجود دارد. اصولاً تفاوت ایدئولوژی‌ها و مکاتب نیز از نحوه ترسیم همین روابط طولی ناشی می‌شود. به عنوان مثال، مارکسیسم، خدا را در سطح و پایین قاعده هرم هستی قرار داده و اقتصاد را در رأس آن جای می‌دهد. و یا میان اسلام با کفر و یا سایر ادیان همچون مسیحیت، تفاوت در اعتقاد و یا عدم اعتقاد به خدا نیست؛ بلکه تفاوت در جایگاه و ارزش خداست. یکی خدا را در سنگ و چوب جستجو می‌کند، یکی به خدای سه گانه، در عین وحدت معتقد است و دیگری، خدای واحد را پرستش می‌کند. اسلام نیز به عنوان یک سیستم، از اهداف، خرده نظام‌ها (مانند نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام اجتماعی و...)، مبانی نظری و... تشکیل شده است. در برنامه اسلام، بینش، اخلاق، حقوق و تکالیف بصورت یکسان مورد توجه قرار گرفته و مکرر بیان شده است که چنانچه به یک یا چند برنامه توجه شود و سایر برنامه‌ها مورد غفلت قرار گیرد، نتیجه مطلوب از سیستم اسلام حاصل نمی‌گردد. تمام سیستم اسلام، سعادت‌مندی فرد را دنبال می‌کند و تمام اجزای آن نیز بصورت هماهنگ متناسب با همین هدف تنظیم شده‌اند. ۱. بسیاری از شبهات نسبت به آموزه‌های دینی از عدم نگاه سیستمی به اسلام ناشی می‌شود. ما اگر بدانیم که در زیر مجموعه نظام اسلام، خرده نظام‌هایی همچون سیاست، اقتصاد، خانواده و... وجود دارد و در زیر بخش هر یک از آنها، خرده نظام‌های جزئی تر وجود دارد، با لحاظ رابطه و نسبت میان این خرده نظام‌ها می‌توانیم بسیاری از شبهات را حل کنیم. بطور مثال تفاوت در ارث زن و مرد یکی از ایرادات اصلی به اسلام است. حال اگر فرد با نگاه سیستمی، نظام خانواده را در نظر گرفته و در زیر مجموعه آن، به نظام مالی خانواده توجه کند، می‌تواند به بحث ارث به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های نظام مالی خانواده نگاه متفاوتی نماید. در سیستم نظام مالی خانواده در اسلام، زن وظیفه‌ای در تولید اقتصادی و تأمین مخارج خانواده بر عهده ندارد و هر چه بدست می‌آورد به خودش تعلق دارد و هیچکس نسبت به آن حقی ندارد ولی در مقابل، مرد متکفل تأمین نیازهای مالی است و لذا در ارث که یک مسئله مالی است سهم بیشتری به او تعلق گرفته است تا بتواند نظام خانواده را اداره نماید. در اسلام، تکالیف صرفاً مربوط به اعمال و رفتار انسان نیست بلکه حالات روحی و اندیشه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردارند ۱. تمام انبیاء از جمله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت علیهم السلام ابتدا از تغییر نگرش‌ها و بینش‌ها آغاز نموده، سپس روش‌ها را اصلاح کرده و در نهایت، به اصلاح رفتارها می‌پرداختند. چرا که رفتار، محصول و میوه بینش و نگرش است. ایمان: «تصدیق بالقلب، عمل بالجوارح و شهادة باللسان» تعریف شده است. لذا مسلمان واقعی و سیستمی نگر، عبادت را صرفاً به انجام برخی فعالیت‌ها و رفتارها تعریف نمی‌کند بلکه بیش و پیش از آن، تلاش می‌کند تا بینش‌ها و روش‌های خود را تحت عبادت پروردگار درآورد تا به تبع آن، رفتار مؤمنانه‌ای داشته باشد. اگر برخی، عبادت را امری تکلف‌آور و مشقت‌بار می‌دانند و از خواندن نماز لذت نمی‌برند، بخاطر این است که اسلام را بصورت سیستمی و یک نظام

همانگ ندیده اند. آنان نیازمند اصلاح در دیدگاه خود نسبت به خدا، هستی، انسان و... می باشند. و تا این موارد اصلاح نگردد، عبادت نیز برای آن فرد لذت بخش نخواهد برد. اینکه سلمان فارسی به مقام «منا اهل البیت» دست یافت، بخاطر آن بود که برای رشد و کمال و قرب به پروردگار تلاش می کرد نه برای رفع تکلیف و برائت ذمه خویش. فرد فاقد نگاه سیستمی، رابطه پروردگار عالم با خود را صرفاً رابطه عبد و مولی تعریف کرده و برای فرار از عذاب الهی، تن به عبادت می دهد و فقط قصدش رفع تکلیف است و بس؛ حال آنکه خداوند علاوه بر مورد اطاعت بودن، محبوب و معشوق نیز هست. نمازی که برای عشق بازی با پروردگار خوانده می شود کجا و نماز از روی تکلف و برائت ذمه کجا؟! ۱. تکالیف در اسلام، به هر آنچه که انسان در آن اختیار دارد، مربوط می شود. لذا افکار، نیات و غرایض انسان نیز در زمره تکالیف بوده و مورد بازخواست قرار می گیرد. مثلاً برائت از دشمنان اهل بیت علیهم السلام و کفار که مکرراً تحت عنوان «تبری» بر اهمیت آن تأکید شده است، پیش از آنکه در افعال انسان ظاهر شود، امری قلبی می باشد. زن منتظر برای دستیابی به نگاه سیستمی و جامع به اسلام نیازمند سه کار است: ۱. آشنایی با تمام اجزا و بخش های دین (نظام توصیفی) ۲. آشنایی با ارزش و اهمیت هر یک از این اجزا و آثار و نقشی که می توانند در زندگی سعادت‌مندانه او ایفا نمایند (نظام ارزشی) ۳. انجام تکالیف و وظایف مشخص شده در دین (نظام تکلیفی) مشکل اغلب ما این است که فقط قسمت سوم (نظام تکلیفی) و بایدها و نبایدها و تکالیف شرعی مشخص شده در دین را می بینیم و توجه نداریم که تا دو بخش دیگر مورد اهتمام قرار نگیرد، بخش سوم بصورت صحیح و کامل انجام نخواهد شد. مثلاً در نظام توصیفات، این که صفات الهی چیست و جایگاه خدا به عنوان تعیین کننده و تغیردهنده تمام روابط عالم هستی، در چه مرتبتی است؟ و یا در نظام ارزشگذاری، این که اگر نماز را بصورت جامع و کامل انجام دهیم چه آثار و فوایدی به ارمغان می آورد؟ ۱ بصورت مستقیم در نحوه انجام تکلیفی همچون نماز اثر دارد. نتیجه بی توجهی به دو بخش فوق آن می شود که پس از اقامه نماز بدون حضور قلب و از روی رفع تکلیف، مجدداً مشغول به دروغ گویی، کم فروشی، بی توجهی به خانواده و... می شویم. ۱. اینکه در آیات و روایات بیان شده که «الصلاة عمود الدین: نماز ستون دین است» (دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۳)؛ «ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر: همانا نماز موجب دوری از فحشا و منکر می گردد» (عنکبوت / ۴۵)، «اول ما يحاسب به العبد الصلاة... ان قبلت قبل ما سواها و اذا ردت عليه، رد سایر عمله: اولین چیزی که عبد در قیامت، در مورد آن مورد محاسبه قرار می گیرد، نماز است. اگر قبول شود بقیه اعمال نیز قبول خواهد شد و چنانچه رد شود، سایر اعمال نیز رد می شود» (صدوق، محمدبن علی بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۰۸) حاکی از اهمیت و جایگاه ویژه نماز است.

کام چهارم: نحوه نگاه سیستمی زن منتظر به دین

زن منتظر برای شناخت صحیح دین، به اهداف، مبانی نظری، بدنه دین (احکام و بایدها و نبایدها)، رابطه عناصر بدنه با یکدیگر ۱ و نسبت میان آنها بصورت یکسان توجه می کند. لذا مثلاً اهداف تشریح نماز برای دوری از فحشا و منکر و قرب الهی را فراموش نمی کند و به صرف انجام یکسری حرکات به عنوان نماز، اکتفا نمی نماید. او تهذیب را در زهد و گوشه نشینی و خلوت با خود تعریف نمی کند و با درک رابطه خود با اجتماع و تأثیر و تأثر این دو بر یکدیگر، به اصلاح خود و جامعه بصورت توأم می اندیشد. زن منتظر به جای حرکت در تمام کوچه پس کوچه های کلان شهر شیعه، از بالا- به آن نگاه کرده و خیابان های اصلی، محدوده جغرافیایی، مسیرهای حرکت از یک سمت به سمت دیگر و... را شناسایی می کند تا به بهترین و کاملترین بینش و نگاه دست یابد و حرکت سریعتر و آسانتری داشته باشد. او می داند که گرچه اعمال و عبادات اقتضای آنرا دارد که قرب الهی و کسب شباهت به زن ایده آل مهدوی را رقم بزند ولی می بایست موانع را نیز از سر راه برداشت. همانگونه که باران اقتضای آن را دارد که طراوت و شادابی و سرسبزی را به همراه بیاورد ولی چنانچه در یک زمین شوره زار بیارد، هیچ یک از این آثار را در پی نخواهد داشت. لذا

زن منتظر یکی از مهمترین موانع را اصلاح بینش و نگاه خود به خدا، هستی، انسان و... می داند و راه رفع آن را در نگاه نظام مند و سیستمی به آنها جستجو می کند. او می داند که همانگونه که نوع نگاه به تکلیف در یک فرد عالم با یک بازاری ساده متفاوت است، نگاه به تکلیف از سوی زن منتظر نیز با یک زن عادی متفاوت می باشد. ۱. مثلاً نماز وقتی می تواند اثرگذار باشد که انسان بدانند در مقابل چه کسی ایستاده و نیز سایر وظایف خود از قبیل پرداخت خمس، زکات، خانواده دوستی و... را انجام داده باشد تا این جزء از سیستم در کار سایر اجزاء بتواند اثرگذار باشد.

گام پنجم: شناخت ارکان دین

در میان آنچه که یک دین بر پایه آن بنیان گذارده شده، بخشی از آن اصول اعتقادی، حکم پایه، اساس و ریشه آن دین را دارد. بخشی دیگر نیز از لوازم و ملزومات و توابع آن اعتقادات ریشه ای نشأت گرفته است ۱. زن منتظر می بایست شناخت کاملی از این دو بخش بدست آورد. در بخش اول، شناخت و اعتقاد تفصیلی به توحید، نبوت، معاد، امامت و عدالت ضروری است و در بخش دوم، به سایر اعتقادات و احکام برخاسته از این اصول، پرداخته می شود. زن منتظر در گام اول به شناخت دین و اصل توحید می پردازد. ۲. وی، در مرحله بعدی به بررسی نیازمندی بشر به وحی و نبوت، و مطالب مربوط به آن می پردازد ۳. گام بعدی مربوط به شناخت اصل معاد و جوانب آن است ۴. اصل امامت نیز از جمله مسائل خطیر و حساسی است که شناخت تفصیلی آن، ضروری است ۵. از آنجا که این کتاب، مجال پرداختن به تفصیل هر یک از شناخت های کلی و فرعی فوق را ندارد، مطالعه در خصوص این مطالب را به کتب اعتقادی و کلامی ارجاع می دهد. از آنجا که موضوع این کتاب با امام دوازدهم شیعیان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گره خورده است، به این مناسبت به اجمال در خصوص وجود مقدس ایشان سخن گفته می شود. ۱. بخش اول را اصول دین و بخش دوم را فروع دین می نامند. (ر. ک به: مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، ص ۱۲ و ۱۴). زن منتظر ابتدا می بایست مفهوم دین، اصول و فروع دین، ضرورت پی جویی دین، ضرورت شناخت خدا، راه های اثبات وجود خدا، صفات ذاتیه، فعلیه و سلبيه الهی، مفهوم جبر و اختیار، عدالت، قضا و قدر و سایر سنت های الهی را به صورت دقیق بشناسد. ۳. نقصان دانش های بشری، ضرورت و دلایل اثبات عصمت انبیاء، راه های اثبات نبوت، ویژگی های پیامبران، اثبات رسالت پیامبر اسلام، شناخت قرآن به عنوان معجزه بالغه الهی، اثبات عدم تحریف آن، جهانی و جاودانی بودن رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم، خاتمیت اسلام و... از جمله مسائلی است که زن منتظر به آن خواهد پرداخت. ۴. اهمیت اعتقاد به معاد، رابطه اثبات روح با اثبات معاد، دلایل تجرد روح، برهان های مربوط به اثبات معاد، شواهد قرآنی وقوع حتمی معاد، ویژگی های عالم آخرت، چگونگی پایان دنیا و برپایی قیامت، حیات برزخی، رابطه دنیا و آخرت، نحوه حسابرسی در قیامت، اثبات مسأله شفاعت و... از جمله مطالبی است که زن منتظر می بایست به آن وقوف کامل داشته باشد. ۵. زن منتظر می بایست شناخت کافی نسبت به مفهوم امامت، ضرورت وجود امام، راههای نصب امام، چگونگی عصمت و علم امام، اثبات حقانیت ولایت معصومین علیهم السلام، نحوه زندگانی هر یک از معصومین و... داشته باشد.

گام ششم: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شناسی

۱. مفهوم و جایگاه امامت

پیش از این در خصوص نیازمندی انسان به امام معصوم و ضرورت شناخت آن وجود مقدس سخن گفته شد. در اینجا مجدداً تأکید

می شود که معرفت به ذات مقدس الهی زمانی حاصل می شود که خدا را در آیات او ببینیم و این آیات برای آن آمده اند که حاکی و نشان دهنده خداوند باشند. بهترین آیه و نشانه الهی، انسان کامل یعنی حضرات معصومین علیهم السلام می باشند و لذا در ادعیه، مقام آنان چنین توصیف شده: «بنا عبدالله: بوسیله ما خدا اطاعت می شود» و «بنا عرف الله: بوسیله ما خدا شناخته می شود» و «من عرفکم فقد عرف الله: هر کس شما را شناخت پس به تحقیق خدا را شناخته است» و... مسئله جایگاه و منزلت امامت آنقدر اهمیت دارد که عامل اصلی به وجود آمدن دو فرقه تشیع و اهل تسنن در تاریخ اسلام گردیده است. ۱. شیعه معتقد است که امامت ادامه نبوت و جزو اصول دین بوده و امام، حجت خدا در میان خلق و واسطه فیض و رحمت الهی به بندگان است و نصب آن تنها از طریق خداوند و توسط پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم می باشد. اما نه تنها سرپرست و مدیر جامعه اسلامی، بلکه بیان کننده احکام الهی، مفسر قرآن کریم و راهبر راه سعادت است. ۲. ضرورت نیاز به امام نیز به واسطه همان ادله ضرورت انبیاء اثبات می گردد. زیرا امامت استمرار همان نبوت است. شیعه معتقد است که علم امام برگرفته از علم بیکران الهی است و ائمه علیهم السلام دارای مقام عصمت از هر گونه خطا و لغزشی بوده و آنان بهترین و کاملترین مصداق انسان کامل می باشند. ۱. در نظر اهل تسنن، امامت حاکمیتی دنیوی (ونه منصبی الهی) است که از رهگذر آن جامعه مسلمین سرپرستی و اداره می گردد. لذا سرپرست جامعه مسلمین می تواند از راه های مختلفی همچون رجوع به آراء اکثریت مردم، بزرگان جامعه، وصیت خلیفه پیشین و یا حتی کودتای نظامی انتخاب شود. ۲. ر. ک به: جمعی از نویسندگان، نگین آفریش (آموزش معارف مهدویت)، ص ۱۹.

۲. شخصیت شناسی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

در میان شیعه اثنی عشری، اتفاق وجود دارد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرزند امام یازدهم شیعیان - امام حسن عسکری علیه السلام و از مادری به نام نرجس خاتون در صبحگاه جمعه ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری قمری در سامرا چشم به جهان گشود. بنا به حکمت الهی و برای دفع خطرات، دوران حمل حضرت به صورت مخفیانه صورت گرفت و از چشم دیگران مخفی ماند. درنگاهی گذرا، دوران زندگی آن حضرت را می توان به سه دوره تقسیم نمود: ۱. دوران اختفاء: آن حضرت از آغاز ولادت تا زمان شهادت امام عسکری علیه السلام به مدت ۵ سال بصورت مخفیانه زندگی نمود. ۲. دوران غیبت صغری: از هنگام شهادت امام یازدهم علیه السلام به مدت هفتاد سال ادامه داشت و حضرت از طریق نواب اربعه به رفع نیازمندی های مردم می پرداختند. ۳. دوران غیبت کبری: پس از دوران طولانی غیبت صغری، دوران طولانی غیبت کبری آغاز شد که همچنان ادامه دارد. موضوع حکومت و ظهور جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آیات و روایات متعددی به تفصیل بیان گردیده است. ۲. مسئله اعتقاد به ظهور منجی نه تنها در ۱. امام عسکری علیه السلام برای جلوگیری از حیرت و گمراهی شیعیان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در این دوران به گروهی از بزرگان شیعه، معرفی و نشان داد. از معجزات حضرت در این دوران، پاسخ به پرسشهای کلامی و اعتقادی سعد بن عبدالله و نیز معرفی صاحبان اموال ارسالی شیعیان به احمد بن اسحاق و تفکیک اموال حرام از حلال بود (ر. ک: نگین آفرینش، ص ۴۳ و ۴۴). ۲. برای آشنایی با آیات و روایات به کتاب نگین آفرینش، صص ۴۸ تا ۵۳ مراجعه نمایید. همه ادیان و مذاهب بلکه در همه فرق اسلامی، اتفاقی و غیرقابل خدشه است. به طوری که احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع معتبر اهل سنت به وفور نقل شده و علما و دانشمندان اهل سنت، کتب مستقلی را در خصوص آن حضرت و رد منکران نوشته اند. ۱. همان، صص ۵۶ تا ۸۵.

این غیبت که اختصاص به ایشان نداشته و در میان تعدادی از پیامبران گذشته همچون خضر نبی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام، نیز رخ داده است، به معنی حاضر نبودن نیست بلکه به معنای پوشیده بودن از نگاه و توجه دیگران است. لذا در برخی موارد غیبت آن حضرت به صورت پنهان ماندن از دیدگان مردم است و در برخی موارد دیگر به حضور در میان مردم و ناشناخته ماندن است. اقتضای حکمت خداوند متعال و هدفمندی عالم هستی این است که غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امری تصادفی و بدون دلیل نباشد. لذا در خصوص فلسفه و علت آن، دلایل متعددی ذکر شده است که از جمله آنها می توان به ضرورت حفظ جان حضرت، آزمایش مردم، تأدیب مردمان قدر ناشناس نسبت به نعمت ولایت و... اشاره نمود. انتظار نسبت به ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان محور هستی و واسطه همه فیوضات الهی، روح امید، نشاط و پویایی را در جامعه می دمد و آثار تربیتی جدی در اصلاح و خود سازی مردم بر جای خواهد گذارد. انتظار صحیح، معنایی جز چشم به راه بودن ندارد و لازمه آن، بی تفاوت نبودن و تلاش در جهت رسیدن به هدف مورد نظر است. به خاطر همین، از انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان بهترین عمل یاد شده ۲ و پاداش منتظران، مساوی با پاداش شهدای صدر اسلام دانسته شده است. ۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم « بهترین اعمال امت من، انتظار فرج است ». (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲). ۳. امام سجاد علیه السلام « کسی که در زمان غیبت قائم بر ولایت ما استوار باشد، خداوند پاداش هزار

شرایط و علائم ظهور

ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرایط و نشانه هایی دارد که از آنها به عنوان زمینه های ظهور و علائم آن یاد می شود. تفاوت زمینه ها با علائم در این است که زمینه ها در تحقق ظهور تأثیر واقعی دارند و با فراهم شدن آنها، ظهور اتفاق می افتد ولی علائم در وقوع ظهور نقشی ندارند و تنها نشانه هایی هستند که به وسیله آنها می توان به اصل ظهور یا نزدیک شدن آن پی برد. از جمله زمینه های قیام انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. طرح و برنامه برای مبارزه با ناهنجاری های موجود و تدوین قانون کامل و جامع ۲. رهبری توانمند ۳. وجود یاران شایسته علائم ظهور نیز نشانه هایی است که خبر از نزدیکی قیام آن حضرت می دهد. از جمله این علائم می توان به خروج سفیانی ۱، خسف بیداء، ۲، خروج یمانی ۳، صیحه آسمانی ۴، قتل نفس زکیه ۵، خروج دجال ۱، خورشید گرفتگی و شهید شدن شهدای جنگ بدر و احد را به او خواهد داد. (صدوق، محمد بن علی بابویه، کمال الدین، ج ۲، باب ۳۱، ح ۶، ص ۵۹۲). ۱. از روایات استفاده می شود که سفیانی، مردی از نسل ابوسفیان است که اندکی پیش از ظهور از سرزمین شام قیام می کند او جنایت کاری است که از قتل و کشتار هیچ پروایی ندارد و با دشمنان خود به شکل فجیعی رفتار می کند. او در ماه رجب قیام خود را آغاز و پس از تصرف شام و مناطق اطراف آن، به عراق حمله کرده و در آنجا به کشتار گسترده ای دست می زند. ۲. «خسف» به معنای فرورفتن و «بیداء» منطقه ای میان مکه و مدینه است. لشکر سفیانی برای مقابله با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان عزیمت به سمت مکه، به صورت معجزه آسایی در منطقه بیداء در زمین فرو می رود ۳. یمانی مردی صالح و مؤمن است که از سرزمین یمن قیام می کند. ۴. این ندای آسمانی در ماه رمضان شنیده می شود و به همه مردم جهان، قیام آن حضرت را اعلام می کند ۵. اندکی پیش از قیام امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، شخصیت برجسته و یا بی گناهی به دست مخالفان آن ماه گرفتگی در ماه رمضان، قیام سید خراسانی و... اشاره نمود. بر زن منتظر لازم است تا نقش خود در زمینه سازی ظهور را به درستی شناخته و علائم قیام جهانی حضرت را بصورت دقیق از منابع صحیح به دست آورد.

۴. ویژگی های ظهور و دوران حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اراده الهی و فراهم شدن زمینه های آن بستگی دارد و لذا در روایات، وقت آن تعیین نگردیده است. این مخفی بودن زمان ظهور، حکمت های فراوانی دارد که از جمله آنها می توان به تداوم روح امید و افزایش انگیزه زمینه سازی برای قیام آن حضرت، اشاره کرد. قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به منظور رشد معنوی و گسترش عدالت در جهان، از مکه آغاز شده و سراسر عالم را فرا می گیرد. در دوران حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، کتاب الهی و سنت پیامبر صلی الله علیه واله وسلم احیا شده، اخلاق گسترش یافته، علم شکوفا شده و مبارزه با بدعت ها گسترش می یابد. در عرصه اقتصادی، این حکومت، بهره وری کامل از منابع طبیعی و گسترش عمران و آبادانی جهان را در پی خواهد داشت. در عرصه اجتماع، امر به معروف و نهی از منکر احیا شده و احکام الهی در جامعه اجرا می گردد. عدالت فراگیر، رشد اخلاق و ایمان، اتحاد و همدلی، سلامتی جسمی و روحی جامعه، فزونی برکات، رفع فقر، امنیت عمومی، رشد علم و نابودی کفر و حاکمیت جهانی اسلام، دستاوردهایی است که حکومت جهانی حضرت، آنقدر ادامه می یابد تا همه آنها حاصل گردد. ۲. از آنجا که تمام تلاش زن منتظر آن است که در زمره اصحاب و یاران حضرت قرار گیرد، به برخی از ویژگی های اصحاب و یاوران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف کشته می شود. ۱. موجودی حیلہ گر و پلید که بسیاری از انسان ها را گمراه می کند. ۲. برای مطالعه تفصیلی در خصوص مطالب این بخش به کتاب نگین آفرینش مراجعه فرمایید. اشاره می گردد: ۱۰۱ آنان افرادی مخلص هستند و آنچه در نظر آنان مهم است، کسب رضایت الهی است. امام جواد علیه السلام به عبدالعظیم حسنی می فرماید: « و هنگامی که برای او (مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، این تعداد (۳۱۳ نفر) از «اهل اخلاص» جمع شده، خداوند امر او را ظاهر خواهد کرد». ۱۰۲ آنان چنان یقین و استقامتی دارند که به تعبیر امام صادق علیه السلام «گویا قلب های آن ها به مانند تکه های آهن است، شکی در قلوب آنها راجع به خدا وجود ندارد، محکمتر از سنگ است...» ۲۰۳. آنان حقیقتاً به توحید، معتقدند و به صورت کامل و جامع خدا را شناخته اند. حضرت علی علیه السلام این صفت اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین توصیف می کنند: «مردمانی مؤمن خواهند آمد که به خداوند معرفت واقعی دارند و آنان انصار مهدی آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشند». ۳۰ نکته جالب این است که وزیران دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از میان جوانان هستند. حضرت علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: «همانا اصحاب قائم جوان اند و هرگز در میان آنها کهنسال وجود ندارد مگر به مانند سرمه در چشم و یا همانند نمک در توشه و کمترین توشه، نمک است» ۴ برای آنکه بدانیم آیا در زمره اصحاب آن حضرت هستیم، می بایست ویژگی های فوق را در خودمان بیازماییم. اگر اخلاص، یقین، خدانشناسی و... را تقویت نکرده ایم، نمی توانیم خود را «زن منتظر» حاضر در اردوگاه یاوران حضرت بدانیم. اگر به فراق ایشان عادت کرده ایم و خلاء وجود ایشان را با وجود همه نیازی که بشر به امام دارد، احساس نمی کنیم، اگر در شبانه روز، ذره ای دلتنگ ایشان نمی شویم و اگر چنان قلب سختی پیدا کرده ایم که داغ غربت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنرا تکان نمی دهد، نباید انتظار داشته باشیم که لایق مدال «زن منتظر» گردیم. ۱. کمال الدین و اتمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷ و ۳۸۸. ۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲. ۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۲ ح ۸۳ (برای بررسی ویژگی ها، به کتاب: هنگامه ظهور، تألیف علی اصغر رضوانی، ص ۶۳ مراجعه کنید). ۴. «ان اصحاب القائم شباب لا کهول فیهم الا کالکحل فی العین او کالملح فی الزاد و اقل الزاد الملح» (نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ص ۳۱۵ و طوسی، محمد بن حسن، الغیب، ص ۲۸۴).

وقتی نور خدا از طریق آیات الهی که برترین آنها اهل بیت علیهم السلام هستند شناخته شد، راه دیگری تازه آغاز می گردد که همان راه شناخت دشمنان خداست. بسیاری از افراد، بخش زیادی از راه اول را می پیمایند و به موفقیت هایی دست می یابند ولی بواسطه ناکامی در راه دوم، در رسیدن به سرمنزل مقصود ناکام می مانند.

کام اول: درک ضرورت شناخت مهدی سیزان

چه بسیار افرادی که می خواهند خوب باشند، منتظر واقعی و یار دلبسته حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند ولی عدم تاب در مقابل هجوم باطل، آنان را از پای در آورده و به جای تسلیم در مقابل ولی خدا، تسلیم در برابر دشمن خدا می شوند. معرفت خدا و اعتقاد به توحید وقتی به کمال مطلوب می رسد که بساط باطل جمع شود. چرا که اگر بهترین و خوشبوترین عطر در کنار لجن زار استشمام شود، بوی لجن، طراوت و خوشبویی عطر را می گیرد. بدین جهت است که اولین اقدام حضرت صاحب عجل الله تعالی فرجه الشریف برچیدن بساط باطل است تا پس از آن، جامعه آماده پذیرش ولی خدا و دین حق شود. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصاره فضایل و خوبی ها است و لذا جنگ و نبرد حق و باطل که از ابتدای نزول انبیاء الهی آغاز شده است، با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نقطه عطف و حساس خود می رسد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تمام خوبی ها، با تمام زشتی ها و پلیدی ها می جنگند و لذا اگر زن منتظر، در نبردهای شخصی خود با باطل در پیش از ظهور شکست خورده باشد، و نتواند حقایق و خوبی ها را از جمله دشمن حفظ کند، نمی تواند در جبهه حق قرار گیرد. دعای بسیاری از ما در هنگام قنوت نماز که از خدا می خواهیم « الهی لاتکلنی الی نفسی طرفه عین ابداء: خداوند مرا هرگز حتی به اندازه به هم خوردن چشم، به خودم وامگذار» نشان می دهد که اگر خدا، فقط لحظه ای انسان را «رها کند» و به حال خودش واگذارد، کافی است تا انسان در بیابان دنیا، طعمه گرگان وحشی و دشمنان قسم خورده پروردگار شود. مهمترین یاران باطل، که دشمنان زن منتظر را تشکیل می دهند شیطان و دستیاران او و نفس خود انسان است. در ادامه با این دشمنان بیشتر آشنا می شویم:

کام دوم: شیطان شناسی

۱. ضرورت شناخت شیطان

براساس روایات رسیده، شیطان از لحظه سرپیچی در مقابل فرمان خدا تا روز قیامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین را عرصه تاخت و تاز خود می نماید، لذا همیشه شیطان و شیطان صفتان، یکی از موانع جدی در برابر ظهور بوده اند ۱. پس به جهت آنکه ظهور مبارک امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ناقوس مرگ ابلیس و انهدام سپاه او را به صدا در خواهد آورد، طبیعی است که شیطان و لشکریان او، تمام تلاش و توان خویش را برای به تعویق انداختن وقت ظهور و بازداشتن مردم از توجه به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار گیرند. شیطان که از عالمان به قدرت الهی و از عبادت گذاران در محضر خداوند بود، پس از تکبر و سرپیچی از فرمان الهی مبنی بر فروتنی و سجده در مقابل ولی خدا، خشم خود را از رانده شدن از درگاه الهی را چنین نشان داد: « فبعزتك لاغوينهم اجمعين الّا عبادك منهم المخلصين: به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه ۱. امام رضا علیه السلام: « وقتی که نزد همگان برای پایان زندگی شیطان معلوم است، روز ظهور قائم ما اهل بیت علیهم السلام است » کمال الدین

واتمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۱). خواهم کرد، مگر آن بندگان خالص شده تو از میان آنها». ۱. خداوند نیز که تدبیر خلقت را براساس اختیاریت و آزمایش و ابتلای انسان رقم زده بود، جدی بودن این دشمنی را به تمامی انسان ها چنین گوشزد فرمود: « ان الشیطان لکم عدوٌّ فاتخذوه عدوًّا: در حقیقت شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بگیرید». البته کار شیطان فقط دعوت کردن است و آنچه بر آن قسم خورده، همانا تضعیف فطرت الهی انسان است. لذا هیچگونه تسلطی بر انسان ندارد و این خود انسان است که از شیطان دعوت می کند و او را در قلب خویش که حرم الله است، جای می دهد و جایگزین خدا می کند. آیه شریفه «... و شارکهم فی الاموال و الاولاد...» بیان می دارد که پس از دعوت انسان، شیطان با وی شریک شده و در تمام امور آن فرد، خود را صاحب حق می نماید. دیگر بدون اجازه شریک، انسان نه می بیند، نه می شنود، نه گوش می دهد و... انسان به همان اندازه که از خدا دور می شود به شیطان نزدیک می گردد. وقتی شیطان را دوست قرار داد و او را محرم دل کرد، قرب و نزدیکی به شیطان باعث می شود که او زبان، چشم و گوش شیطان گردد. همانگونه که اگر قرب خدا می یافت، زبان، چشم و گوش او خدایی می شد. امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۷ نهج البلاغه این مطلب را چنین توصیف و تشبیه می نمایند: « برخی افراد، هرچه برای شیطان مطلوب است، آن را می پذیرند. شیطان نیز این افراد را به دام می کشد و هنگامی که وارد دل آنها شد، در آنجا آشیانه می کند، پس از مدتی تخم گذاری می نماید و از آن تخم ها، جوجه در می آید. این جوجه ها کم کم فضای سینه و قلب او را محل بازی و تحرک خود قرار می دهند. در این دامن فراخ، رشد می کنند و کم کم، گوش و زبان و تمام وجود او را محل زندگی خود قرار می دهند». شیطان اگر بخواهد به چیزی نگاه کند، از طریق چشم او نگاه می کند و اگر بخواهد چیزی بشنود، از گوش او استفاده می کند. اعضا و جوارح چنین فردی منزلگاه شیطان می باشد. چنین فردی هر روز از کنار مسجد عبور می کند، بندگان صالح خدا در سر راه او قرار می گیرند، کرامات اولیای الهی را می شنود و... ولی گویی نه آنها را می بیند و نه حقایق را می شنود. گرچه کر و لال و نابینا نیست ولی چون دریاچه های چشم و گوش را به سمت خدا بسته است فقط می تواند. با چشم و گوش و زبان، نامحرم بیند، موسیقی حرام گوش دهد و غیبت کند. اینکه در قرآن، از محشور شدن این افراد در قیامت به صورت کر و لال و نابینا سخن گفته شده بخاطر بازتاب همین اعمال دنیوی آنهاست. زن منتظر می بایست با تلقین فراوان، این مطلب را برای خود ملکه سازد که شیطان، امری موهوم نیست و دشمنی آن با انسان، سطحی نمی باشد. بایستی در جای جای زندگی مراقب جای پای او بود. ۱. ص / ۸۲ و ۸۳. فاطر / ۶.

۲. ابزار و روش شیطان و راه مقابله با آن

۱. اغواء و فریب انسان. ۲. زینت اشیاء در نظر انسان: نکته قابل توجه آن است که زینت، معمولاً در جاهایی بکار می رود که آنجا زیبایی نداشته باشد و یا استفاده از زینت، موجب افزایش زیبایی ظاهری آن چیز گردد. لذا پلیدترین و کثیف ترین چیزها توسط شیطان در نظر انسان زینت داده شده و زیبا نمایانده می شود و فرد بخاطر سستی در ایمان، فریب این تدلیس را می خورد. زن منتظر می بایست بیش از دیگران مراقب باشد تا شیطان به واسطه تبرج و تجمل، از حس تنوع طلبی و زیبایی خواهی او برای فریب و اغواء وی استفاده نکند ۱۰. نکته مهم دیگر این است که دشمنان دیگر سعی می کنند تا آنجا که امکان دارد بکشند و اگر در عصر غیبت، بیزاری و برائت جستن از شیطان و ابراز بغض، کینه و نفرت نسبت به آن، یکی از مهمترین وظایف زن مهدوی است. این اقدام نیاز جدی به بصیرت، معرفت و تیزبینی و درایت، برای تشخیص برنامه های استراتژیک شیطان دارد و زن منتظر باید در پی کسب این شرایط باشد. وی باید نقاط ضعف خود را به وسیله شناخت آن منافذی که شیطان بیشتر از طریق آنها نفوذ می کند و بر آنها تکیه دارد بشناسد و نسبت به مسدود کردن آن منافذ اقدام کند. دقت بر رفتار و حرکات و سکناات و مراقبت از آنها در مقابل

تهاجمات شیطان از مسئولیت های مهم زنان منتظر است. آنان هم می بایست دیده بانی از سنگرهای اعتقادی مرزهای وجود خود نمایند و راه رسوخ شیطان در کشور جان خویش را ببندند و هم دیده بانی تیزبین و با بصیرت برای قلمرو خانواده و جامعه اسلامی باشند و مراقب اطرافیان خود بوده و به محض احساس خطر از حضور فرهنگ شیطانی، اقدامات لازم را برای مقابله به عمل آورند. البته شیطان گرچه یک تهدید محسوب می شود ولی انسان خردمند می تواند آنرا به یک فرصت برای کمال طلبی خود بدل کند. اگر شیطان را رقیب خود بدانیم، انسان هوشمند از رقیب برای رقابت بیشتر جهت کمال خود استفاده می کند. زیرا رقیب موجب ایجاد انگیزه، تمرکز و هدفمند شدن ما می شود.

گام سوم: شناخت جاهلیت مدرن

اشاره

بدون اغراق می توان جاهلیت مدرن در دوران آخرالزمان را اوج موفقیت شیطان دانست. آنجا که شیطان توانست نیروهای خویش را چنان سامان دهی کند که انسان در نهایت طغیان گری، خود را به جای خدا نشانده و بی نیازی خویش نشد اسیر بگیرند ولی روش شیطان این است که تا می تواند فقط اسیر می گیرد تا همه را به نیروهای خودش تبدیل کند. شیطان اگر انسان را پس از شکست دادن می کشت، مسأله راحت بود ولی او به کشتن رضایت نمی دهد و می خواهد از انسان، به عنوان مرکب تاخت و تاز استفاده کند. را از هر پروردگاری اعلام نماید. این سرکشی و جهالت چنان قدرتی یافته که حتی عده ای بصورت علنی به پرستش شیطان اقدام می کنند. چنین طغیان علنی و صریح با چنین وسعت و دامنه ای را به سختی بتوان در عصر تاریخی دیگری یافت نمود. از رسالت های مهم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف احیای سیره نبوی و مبارزه با فرهنگ شیطانی است که امروزه در قالب « مدرنیته »، تمام ارزش های انسانی را به زوال کشانده است. همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با گرفتن انسانیت از زن در عصر جاهلیت به مبارزه پرداخت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با جاهلیت مدرنی که در آن، زن بودن را از زن گرفته است، به مبارزه برخاسته خواست. جاهلیتی که در آن، اصل بر تلذذ و رفاه مادی است و همه چیز در خدمت ابعاد حیوانی انسان است. این فرهنگ مدرن، به تعبیر برخی، حتی در حیاط خلوت ما نیز وارد شده است و بصورت خزنده و آهسته، همچون موریانه، ریشه های جامعه دینی ما را می جود و می خشکاند. لذا شناخت ابعاد آن یکی از رسالت های مهم زن منتظر است. به همین جهت در ادامه به مبانی فرهنگ مهاجم، اشاره کوتاهی می گردد:

۱. اومانیسم

نخستین جوانه رنسانس، اندیشه انسان محوری یا اومانیسم بود و از آن پس تاکنون، تمام حیات بشر غربی را تحت تأثیر قرار داده است. در این اندیشه، انسان مادی و زمینی و بریده از امور ماوراءالطبیعه، محور و مدار همه هستی است. انسان موجودی مستقل است و امور ماوراء این جهان مادی، تأثیری در سرنوشت او ندارند و راه رهایی و کامیابی انسان، خود « انسان » است. به همین جهت لذت گرایی، بخش جدایی ناپذیر تفکر اومانستی می باشد. ۱. تفکر اومانستی، نخست با ترویج عشق زمینی و فرهنگ برهنگی در نقاشی و مجسمه سازی ظهور کرد و به تدریج تمام شئون حیات انسان غربی را فراگرفت.

یکی از پیامدهای اومانیزم، گرایش به پاک سازی جامعه و فضای زندگی از قیود و ارزش های دینی است. به این تفکیک قلمرو دین از حوزه های اجتماع و سیاست، سکولاریسم می گویند. نتیجه کنار گذاردن خدا از حیات آدمی، ظهور مکاتب و ایدئولوژی های متعددی بود که درصدد پرکردن این خلاء بوده اند. از دیگر نتایج آن، سرمایه داری و مطرح شدن سود و حرص و منفعت بیشتر به عنوان تنها ارزش جامعه بود. ۱. برخی از سکولاریست ها، نه تنها به این تفکیک قائلند بلکه پا را فراتر گذاشته و دین را ساخته دست بشر دانسته و به جز این دنیا، قائل به دنیای دیگری نمی باشند.

۳. نسبت گرایی

در غرب پس از رنسانس، دو مکتب فکری ظهور کرد. یک مکتب، عقل گرایی نام داشت و معتقد بود که عقل، توانایی شناخت حقیقت و هستی را دارد. مکتب دیگر تجربه گرایی بود که تنها راه شناخت و معرفت را حس و تجربه می دانست. مکتب عقل گرایی نتوانست بیش از یک قرن در مقابل تجربه گرایی دوام بیاورد و از صحنه غرب، کنار رفت. با حاکمیت تجربه گرایان، از آنجا که اصول و ارزش های اخلاقی و حقوقی را بوسیله حس و تجربه نمی توان شناخت، لذا کم کم هیچ ارزش و آرمان مشترکی میان انسانها باقی نماند و هرکس می توانست معیار تعیین خوب و بد باشد. به این ترتیب اخلاق و الگوهای زندگی، اموری شخصی، دلخواه و نسبی گردیدند. نتیجه این تفکر چنین شد که انسان از همه قیود اخلاقی و ارزش های انسانی آزاد شد و دلیل موجهی برای سرکشی در مقابل آنها پیدا کرد.

۴. فرد گرایی

محصول اومانیزم و سکولاریسم، مفهوم جدیدی به عنوان فرد گرایی بود. به این معنا که هر فرد، معیار و محور تشخیص حقوق بوده و می بایست حقوق او پاس داشته شود. هرگاه حقوق فرد با حقوق جمع و یا سایر حقوق تعارض پیدا کرد، حقوق فردی دارای ارجحیت می باشد. مثلاً در تعارض میان حقوق هر یک از اعضای خانواده با حق خانواده، حق فرد دارای ارجحیت می باشد. حال تصور کنید در خانواده ای که محل ایثار و گذشت از سلاقی و خواسته های فردی است، اگر هر یک از اعضا فقط مصلحت و حقوق فردی خود را ببیند، چه بلایی به سر خانواده می آید ۱. این مبانی که شاکله فرهنگ غربی را تشکیل می دهد، با ایجاد جریاناتی همچون فمینیسم، هویت زن غربی را چنان لگدمالی کرد که « زن بودن » او را گرفت و به ابزاری جهت شهوت پرستی مردان تبدیل کرد. از هم پاشیدن بنیان خانواده در غرب و حرکت به سمت الگوهای حیوانی ارضای نیاز جنسی، نشان می دهد که شیطان چگونه توانست انسان غربی را به تسخیر خود درآورد. اگر در عصر حاضر می بینیم که فرهنگ غربی با استفاده از سیطره تبلیغاتی خود، تمام اهتمام و عزم خویش را جهت تحریف فرهنگ مهدویت به کار گرفته و سعی می کند با ارائه شخصیتی خشن و وحشتناک از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اذهان مردم جهان را نسبت به آن وجود سراسر خیر و رحمت، مخدوش نماید، بخاطر وحشتی است که از برپایی حکومت عدل و حق آن حضرت دارد. آنان به خوبی می دانند که ظهور حضرت و برپایی حکومت عدل الهی، به معنی خاتمه حکومت استکباری و شیطنانی آنهاست و بدین جهت با بهره گیری از تمامی امکانات، سعی در جلوگیری از ظهور آن منجی دارند. برائت از فرهنگ غرب به عنوان مظهر و نماد نفوذ شیطان و مانع شدن برای ورود این فرهنگ

در مرز و بوم ما، یکی از رسالت های جدی بانوان منتظر است. آنان با مرزبانی از مرزهای اعتقادی و فرهنگی خانه هایشان به عنوان مدیرخانه، می توانند بهترین گام را در مقابله با شیطان بردارند. ۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص آثار مبانی غربی بر زن و خانواده، به کتاب درآمدی برنظام شخصیت زن در اسلام، صفحات ۱۵ تا ۳۱ مراجعه کنید.

گام چهارم: شناخت نفس اماره

اشاره

یکی دیگر از دشمنان زن منتظر در راه رسیدن به اردوگاه یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نفس خود انسان است. اختیارمندی انسان موجب شده است که در هر لحظه، انسان بتواند در انتخاب مسیر الهی یا شیطانی، آزادانه دست به انتخاب بزند. لذا چنانچه قوای اصلی خود یعنی اندیشه، شهوت و غضب را در مسیر فطرت الهی که همان مسیر تعادل است، حفظ نکند، خواسته یا ناخواسته از شیطان برای مدیریت آنان دعوت نموده است. کسب قدرت کنترل برنفس و مهار این اسب سرکش در چراگاه لذاذد دنیوی، یکی از رسالت های مهم زن منتظر است.

خلاصه مطالب

زن منتظر برای شناخت رسالت های خویش درعرصه فردی، می بایست ابتدا با نگاهی از روی تدبر و دقت، خداشناسی و هستی شناسی را سرلوحه کارهای خویش قرار دهد. این مرحله گرچه یکی از اقدامات به ظاهر غیرضروری است ولی در واقع، ریشه بسیاری از مشکلات را می بایست درضعف بینش نسبت به خدا وهستی جستجو کرد. پس ازاین اقدام، نوبت به شناخت عظمت و جایگاه انسان می رسد. تنها درپرتو شناخت صحیح از انسان و تدبّر درتفاوت هایی که خداوند در زن و مرد طرح ریزی کرده است می توان به کمال شخصیت انسانی زن منتظر امید داشت. همچنین زن منتظر می بایست بداند که بر شخصیت و رفتار وی، اصولی حاکم است که می باید درمواردی که امور با هم تعارض می یابند، با اعمال آن اصول، آنچه که اصل می گوید را در اولویت قرار دهد. دین شناسی، اقدام بعدی زن منتظر است. وی می بایست ضرورت، جامعیت، ارکان و سیستم حاکم بر دین را به درستی بشناسد تا بتواند جایگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نظام دین را درک کند. وی در گام آخر، دشمنان خویش در مسیر حرکت به سمت جامعه مهدوی از جمله شیطان، نفس اماره و جاهلیت مدرن را به صورت جدی درک کرده و برای محفوظ ماندن از گزند آنان، برنامه ریزی کند. منابع جهت مطالعه بیشتر: ۱. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، محمدرضا زیبایی نژاد و محمدتقی سبحانی. ۲. غرب شناسی، احمد راهنمایی. ۳. آموزش عقاید، آیت الله مصباح یزدی. ۴. انسان کامل، شهید مطهری. ۵. الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، محمدتقی سبحانی. ۶. نگین آفرینش، مرکز تخصصی مهدویت. ۷. هنگامه ظهور، علی اصغر رضوانی. ۸. امام مهدی در احادیث شیعه و سنی، مرکز تخصصی مهدویت. ۹. حکومت حضرت مهدی در عصر ظهور، علی اصغر رضوانی. ۱۰. روان شناسی زن در نهج البلاغه، مریم معین الاسلام و ناهید طیبی. ۱۱. عقلانیت در دکترین مهدویت، ویژه نامه همایش بین المللی دکترین مهدویت، مریم معین الاسلام.

فرعون گمان می کرد که ملکه کاخ نشین مصر، شیفته تجملات و شهوات و زرق و برق دنیای مادی است و در گمراهی و ضلال، همراه و در ظلم و ستم به مستضعفان مصر و بنی اسرائیل، در کنار او ست.

... دیگر تحمل نداشت. و وظیفه خویش نسبت به نجات و تربیت موسی (ع) را به خوبی انجام داده بود. زندگی زیر یک سقف، بامردی که خود رامسند نشین ربوبیت معرفی می کند، برای زنی که ایمانش خالص و پارسائی و تقوایش در میان زنان کم نظیر است، کار آسانی نبود. سرانجام رازش فاش شد. دست به دعا برداشت، با صدای بلند در حضور جمع فریاد زد پروردگارا!! برایم خانه ای در بهشت بنا کن، مرا از فرعون و عملش نجات ده و مرا از مردم ستمکار رهایی بخش (التحریم / ۱۱). هرچه از او خواستند توبه کند، به ربوبیت فرعون معترف شود، پذیرفت. دست ها و پاهایش را با میخ بر زمین کوبیدند، او را در برابر شعله سوزان خورشید تابان رها کردند و سپس سنگ عظیم بر جسد نحیفش قرار دادند. آنقدر بدنش را در معرض شکنجه های غیرقابل تحمل قرار دادند تا به تدریج جان باخت. تا آخر حاضر نشد از اعتقاد و ایمان خود دست بشوید و در ابراز ارادت به ولی زمان خویش کوتاهی کند. (شرح داستان آسیه همسر فرعون را در جلد دوم کتاب درس هایی از زندگی زنان نامدار، ص ۳۸ ملاحظه فرمائید).

اقدام اول: خانواده شناسی

اشاره

برای شناخت خانواده، ابتدا به بررسی اهمیت تشکیل خانواده می پردازیم، سپس نظر اسلام پیرامون کارکردهای خانواده را بررسی کرده و در مرحله بعد، ضرورت استحکام خانواده را تشریح و در پایان، آسیب هایی که کیان خانواده را تهدید می نماید، مرور می کنیم.

گام اول: شناخت اهمیت تشکیل خانواده

در فرهنگ اسلامی، ازدواج پیوندی الهی و بهترین نهاد سازنده اجتماع محسوب می شود. ۱. لذا در آموزه های دینی تصریح شده است که: « ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله عزوجل و اعز من التزویج » در اسلام، هیچ بنیانی در نزد خداوند، دوست داشتنی تر از ازدواج نیست « ۲. « و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودّه و رحمته. و از نشانه های او این که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنارشان آرام بگیرید و میانتان دوستی و مهربانی نهاد. « ۳. در آموزه های دینی، ازدواج زمینه ساز رشد و کمال دانسته شده و بی توجهی به آن، عامل انحطاط و عقب ماندگی برشمرده شده است: « من تزوج فقد احرز نصف دینه، فلیتق الله فی النصف الباقی: هر کس ازدواج ۱. از نظر اسلام، گزینه صرفاً مفهوم خشک حیوانی برای ارضای نیاز جنسی و بقای نسل نیست بلکه با ازدواج، دارای بعد انسانی و عامل کمال می شود و علاوه بر آرامش جسمی، آرامش روحی نیز می بخشد (ر. ک: علامه فضل الله، محمدحسین، مقاله ابعاد پیوند زناشویی، ترجمه مجید مرادی). ۲. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲، ح ۴۰ و من لا- یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳. ۳. روم/ ۲۱. کند، پس به تحقیق نصف دینش را کامل نموده، پس در نصفه دیگر تقوای الهی پیشه کند. « ۱. « من احب ان یلقى الله طاهراً مطهراً فلیلقه بزوجه: هر کس که دوست دارد خداوند را در حالی که پاک و مطهر است ملاقات کند، باید در حالی که زوجی اختیار کرده است به ملاقات خداوند بشتابد. « ۲. آموزه های دیگری همچون: « کسی که ازدواج را بخاطر ترس از تنگدستی ترک کند به خداوند سوءظن نموده است؛ چرا که خداوند می گوید: اگر فقیر باشند از فضل خود بی نیازشان خواهم نمود « ۳، « خانواده تشکیل دهید که موجب افزایش روزی است « ۴، « سه گروهند که حمایت از آنان برعهده خداست و یکی از آن سه، کسی است که به خاطر عفت (دوری از گناه) ازدواج می کند « ۵ و... همگی نشان از اهمیت

تشکیل خانواده در نظر خالق هستی دارد. ۶ همچنین اسلام توصیه های فراوانی نسبت به انتخاب همسر شایسته نموده که در بخش ساز و کارهای تربیت نسل مهدوی به آن اشاره می گردد. ۱. بحا رالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹، ح ۱۴. ۲. همان، ص ۲۲۰، ح ۱۸. ۳. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ح ۲۴۹۸۴. ۴. همان، ح ۲۴۹۸۵. ۵. نهج الفصاحه، ح ۱۲۱۹. ۶. برای مطالعه بیشتر در خصوص آموزه های دینی مربوط به تشکیل خانواده، به زیبایی نژاد، محمدرضا، «مقاله زن و خانواده در با زخوانی سیره پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم، نشریه حوراء، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، شماره بیستم، مراجعه نمایید.

کام دوم: شناخت کارکرد های خانواده

پیش از این گفته شد که بنابر دیدگاه مکملیت، زن و مرد نیازمند یکدیگر برای رسیدن به کمال هستند. اکنون می گوئیم که خانواده، بهترین مکان و محل برای تکمیل یکدیگر و پیمودن مسیر کمال است. خانواده سالم، دارای کارکردهای فراوانی در رشد و ارتقای اعضا و پویایی جامعه است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود: ۱. ارضای صحیح قوای جنسی در خانواده، علاوه بر اینکه زمینه ساز سلامت جسمی و روانی است، مانع از تهدید سلامت اجتماعی و موجب مصونیت اخلاقی جامعه می شود. در جامعه ای که این کارکرد خانواده به درستی انجام نشود، آمار خشونت های جنسی، تجاوز و... فراوان تر است. ۲. خانواده بهترین محل برای شکل گیری شخصیت فرزند و انتقال ارزش ها به نسل آینده است. ۳. خانواده بهترین محیط برای بروز استعداد های زن و اعلام توانمندی های اوست. نقش بی بدیل انسان سازی زن که در مادری و همسری - که تناسب کامل با قوای جسمی و روحی او دارد - تجلی یافته، در محیط خانواده است که به بهترین وجه، بروز می یابد. ۴. خانواده، مناسب ترین گزینه برای پایه گذاری بنیان اجتماع است. هسته های اولیه اجتماع، چنانچه در محملی غیر از خانواده پایه گذاری شود، هسته هایی سست و لرزان خواهند بود. ۱۱ ر.ک به: در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۸۳.

کام سوم: درک ضرورت استحکام خانواده

از آموزه های دینی می توان چنین برداشت نمود که همت دین، بر ایجاد روابطی بانشاط میان زوجین است. لذا کاهش نزاع ها و تنش ها، تلاش برای گسسته نشدن خانواده، با طلاق و کم کردن پیامدهای طلاق در صورت نبودن راه جایگزین، از جمله مطلوبات دین در خصوص استحکام خانواده می باشد. بدین جهت در احادیث معصومین علیهم السلام بر حسن خلق و دینداری به ویژه از سوی شوهر، تأکید ویژه ای گشته است. اثر رعایت این دو نکته، ایجاد روابط خانوادگی بر پایه مدارا و گذشت و نیز وجود ترس از خدا به عنوان کنترل ۱۱۶ کننده ای قوی در درون خانواده است. اسلام راه حل حقوقی را بخاطر مشکلات آن از جمله خصوصی بودن عرصه خانواده و نبود امکان استفاده از شهود برای اثبات ادعا و ترس از پیامدهای طرح دعوا در دادگاه، خصوصاً از طرف زن، تنها راه حل ندانسته است. بلکه همت اصلی خود را بر فرهنگ سازی و تقویت بنیان های اخلاقی معطوف نموده است. توصیه های دینی زیر، نمونه ایاز اهتمام اسلام به استحکام خانواده است: ۱. تأکید بر مدارا و حسن خلق: در احادیث آمده است که «آن کس که بهره ای از مدارا نبرد، از هیچ خوبی بهره نبرده است» ۱، «هر کس که با تساهل، نرمی و راحتی رفتار نماید، خداوند آتش را بر او حرام می گرداند» ۲، «وفق و مدارا بر چیزی قرار نگیرد مگر اینکه به زیباییش افزود و از چیزی گرفته نشد، مگر آنکه بد نمایش کرد» ۳ و... ۲. دعوت به صبر و کنترل خشم: «آن کس که خشم خود را در حالی که توان اعمال آن را دارد، کنترل نماید، خداوند او را مملو از ایمان و امنیت خواهد نمود» ۴، «هر کس که بر بد خلقی همسرش، به خاطر خدا، صبر پیشه نماید، خداوند به ازای هر موردی که در آن صبر پیشه سازد، ثوابی معادل ثواب ایوب علیه السلام بر بلاهای خود، اعطا خواهد نمود» ۵ و... ۳. نهی از ایجاد

زمینه های خشونت: گاهی اوقات، افراد با رفتار و گفتار خود، زمینه های تزلزل خانواده را فراهم می کنند. این افراد در روایات به شدت مورد توبیخ قرار گرفته اند: «هنگامی که ۱. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ح ۲۹۹۵۹. نهج الفصاحه، ح ۲۹۱۱. ۳. همان، ح ۲۶۵. ۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۰، ح ۵. ۷. وسائل الشیعه، ح ۲۵۳۱. ۵. زن به شوهرش بگوید: هرگز از توخیری ندیده ام، اعمال نیکش بی اثر می شود». «هر مردی که به همسرش آزار رساند تا آنجا که زن با پیشنهاد فدیة خود را برهاند، خداوند به مجازاتی کمتر از آتش در حقش رضایت نخواهد داد». ۲. «هر زنی که با زبان، شوهرش را بیازارد، خداوند هیچ انفاق و عمل صالحی از او نمی پذیرد تا آنکه رضایتش را جلب کند، اگرچه روزها را روزه بگیرد و شب ها را (در حال عبادت) برپا دارد... همچنین است مرد، آن گاه که در حق همسرش ستم نماید». ۳. در مقابل، توصیه های فراوانی برای ایجاد مودت و محبت صورت گرفته است: «هنگامی که مرد همسرش را با نگاه می نوازد و همسرش نیز به او می نگرد، خداوند نیز نظر رحمت خویش را بر آن دو می افکند» ۴؛ «هدیه، کینه ها را می زداید» ۵، «این که مرد به همسرش بگوید: دوست دارم؛ هیچگاه از دل وی بیرون نخواهد رفت» ۶... ۴. توصیه به تعدیل انتظارات آموزه های دینی سفارش می کنند که زن و شوهر با کم کردن انتظارات و پذیرش عذر نسبت به کوتاهی های طرف مقابل، فضای خانه را گرم و صمیمی نگاه دارند. چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به حضرت فاطمه علیها السلام می فرماید: «دخترم، از همسرت چیزی مخواه مگر آنکه او خود برای تو آماده کند»، ۷ «بدترین زنان شما کسانی اند که... هیچ عذری را از شوهر نمی پذیرند و هیچ خطایی از وی را نمی بخشند» ۱... ۱. نهج الفصاحه، ح ۲۲۶. ۲. وسائل الشیعه، ح ۲۸۵۹۷. ۳. بحا الانوار، ج ۷۶، ص ۳۳۴، ح ۱. ۴. نهج الفصاحه، ح ۶۲۱. ۵. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ح ۱۵۱۱۰. ۶. وسائل الشیعه، ح ۲۴۹۳۰. ۷. بحا الانوار، ج ۴۳، ص ۳۱. ۵. کنترل خشم خشونت چه از نوع فیزیکی و چه از نوع روانی و گفتاری، از سوی آموزه های دینی مورد تقبیح قرار گرفته است و بر ضرورت کنترل آن تاکید شده است: «جز شخص کریم، زنان را تکریم نمی کند و جز شخص پست به آنان اهانت روا نمی دارد» ۲، «هیچ جرعه ای نزد خداوند، پر ارزش تر از جرعه ای از خشم که شخص به خاطر خداوند آن را فرو می خورد نیست» ۳، «بدترین مردم کسی است که خانواده خویش را تحت فشار قرار دهد» ۴... ۶. دعوت به اصلاح روابط زناشویی و پرهیز از طلاق و ایجاد اختلاف میان زوجین «خداوند، دروغ گویی به خاطر اصلاح را دوست دارد و از راستگویی در مسیر مفسده انگیزی متنفر است» ۵؛ «کسی که میان مادر و فرزند تفرقه اندازد، خداوند در بهشت میان او و دوستانش جدایی خواهد انداخت» ۶؛ «در نزد خداوند چیزی نکوهیده تر از خانه مسلمانی که با طلاق ویران شده باشد، نیست» ۷؛ «ازدواج کنید و طلاق ندهید که طلاق، عرش الهی را به لرزه می آورد». ۱. ۸. وسائل الشیعه، ح ۲۴۹۵۷. ۲. نهج الفصاحه، ح ۱۵۲۰. ۳. همان، ح ۲۶۲۸. ۴. المتقی الهندی، علاء الدین علی، کنز العمال، ح ۴۴۹۷۲. ۵. نهج الفصاحه، ح ۷۸۲. ۶. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ح ۱۵۶۴۲. ۷. وسائل الشیعه، ح ۲۷۸۷۴. ۸. همان، ج ۲۲، ص ۸. (برای مطالعه بیشتر در خصوص راهکارهای اسلام جهت تحکیم خانواده به زیبایی نژاد، محمدرضا، «مقاله زن و خانواده در بازخوانی سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مراجعه فرمایید).

کام چهارم: آسیب شناسی خانواده

خانواده در دهه های اخیر، شاهد بحران های جدی بوده است. به گونه ای که جنگ بر علیه خانواده در غرب، به مرحله ای رسیده است که تمام شئون خانواده، دچار آسیب جدی گردیده و می توان علائم زوال حیات خانواده در غرب را به صورت جدی مشاهده نمود. شرایط به جایی رسیده است که حتی مفهوم خانواده عوض شده و به زندگی همجنس بازان در کنار یکدیگر و یا خانواده های تک والدی نیز به صورت رسمی و قانونی، عنوان «خانواده» اطلاق می شود! ۱ تمایل به ازدواج به شدت کاهش یافته و بیشتر جوانان بصورت مجرد زندگی می کنند. ۲ آرمان های فمینیستی همچون اصرار بر برابری میان زن و مرد در همه زمینه ها،

حضور گسترده زنان در مشاغل تمام وقت، تعارض تعهدات بیرون از خانواده با تعهدات درون خانواده و... همگی در تهیه هیزم آتش برای سوزندان بنیان خانواده، تأثیرگذار بوده اند. معاهدات و قوانین بین المللی نیز تحت تأثیر مبانی فکری فمینیستی، در نبرد با خانواده، نقش ایفا نمودند. بطور مثال، «ویلیام گاردنر» که از نویسندگان و متفکرین کانادایی است، در تشریح ابعاد بحران خانواده به ویژه در آمریکا و کانادا، در کتاب خود تحت عنوان «جنگ علیه خانواده»، می نویسد: «معاهدات بین المللی تصویب شده در مورد زنان، اصرار بر این مساله دارد که زنان جهان، باید خانواده های خود را ترک کرده و به طور تمام وقت، وارد نبرد کار شوند. این گونه معاهدات، مروج ۱. در بسیاری از پارلمان های غربی، همجنس بازان از تمامی حقوق یک خانواده بهره مند می باشند در پارلمان اروپا، خانواده های تک والدی نیز خانواده محسوب شده و هیچگونه تبعیضی میان آنها و خانواده متشکل از زن و شوهر وجود ندارد در اوایل دهه ۱۹۹۰، در حوالی پاریس، حدود ۵۰ درصد جوانان کمتر از ۲۵ سال، بصورت وصلت های آزاد خارج از چارچوب خانواده با هم زندگی می کردند. (ر. ک: درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ص ۸۵). ۲. میشل، آندره و دیگران، پیام یونسکو، ص ۸۵. مهدکودکهای همگانی دولتی است و سقط جنین رایگان را حق افراد قلمداد می کند و نهایتاً نتیجه ای جز تضعیف خانواده در پی نداشته اند. اینها از خانواده تنفر دارند.» ۱. در ایران نیز خانواده از این آسیب ها در امان نبوده است. تحولاتی همچون افزایش سن ازدواج، ۲ افزایش تمایل به زندگی به صورت مجزود، ۳ افزایش نزاع های خانوادگی و طلاق، ۴ کم شدن روحیه تفاهم و سازش میان زوجین و کاهش نقش و تأثیرگذاری خانواده بر فرزندان و... معضلات جدی برای خانواده بوجود آورده است. در صورت ادامه چنین روندی، خانواده ایرانی در سالیان آتی، کارآمدی خود را از دست داده و جامعه با مشکلات بسیار جدی مواجه خواهد شد. ۱. گاردنر، ویلیام، جنگل علیه خانواده، ص ۳۵۶. ۲. بالا رفتن سن ازدواج، می تواند موجب افزایش اضطراب ها و فشارهای عصبی، آسیب پذیری جدی جنسی، کم شدن اشتیاق تشکیل خانواده و... گردد. ۳. مشکلات فراروی تشکیل خانواده از جمله افزایش سطح تحصیلات و نیز به تبع آن افزایش توقعات دختران موجب شده اند که جوانان در انتخاب گزینه مناسب برای ازدواج، دچار مشکل گردند. در سالهای گذشته، چنین مطرح شد که تعداد دختران مجرد در سن ازدواج نزدیک به دو میلیون نفر بیش از پسران است (ر. ک به: خانواده ایرانی، تأملات و پرسش ها، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، نشریه حوراء، شماره نوزدهم). ۴. در سالیان اخیر، رشد آمار طلاق، دو رقمی بوده است.

اقدام دوم: منزلت شناسی (جایگاه زن در خانواده)

اشاره

با توجه به اهمیت و نقش خانواده و ضرورت حفظ و استحکام آن، این ادعایی گزاف نیست که مسیر جلوگیری از ادامه آسیب هایی که خانواده را بصورت جدی تهدید می کند، از شناخت جایگاه و منزلت زن در خانواده و اهمیت بخشی به این جایگاه می گذرد. بدین منظور، ابتدا به بررسی جایگاه و نقش زن در خانواده پرداخته و در پایان، بر مهم انگاشتن نهاد خانواده و ضرورت اصالت دادن به آن، تأکید می شود.

گام اول: نقش و جایگاه زن در خانواده و تربیت نسل ولایی

اگر ولایتمداری و محبت به ولی خدا را یکی از مهمترین ارزش های یک فرد شیعه بدانیم که خانواده متولی انتقال آن است؛ در راستای همان رسالتی که در جهان هستی، خالق انسان ها برای آنان قرارداده است و معمار انقلاب، حضرت امام خمینی قدس سره نیز به خوبی آن را چنین تبیین نمودند که: «همان طور که قرآن انسان ساز است، زن نیز انسان ساز است» ۱. زنان عهده دار

مسئولیتی خطیر می باشند. اگر پایه اصلی تربیت و رشد صحیح فرد برای اجتماع را در خانواده جستجو کنیم، زن به عنوان مربی خانواده و عامل اصلی انتقال ارزش ها، جایگاه ویژه ای خواهد یافت. لذا نقش انسان سازی زن در طول هستی از اصیل ترین نقش های وی بوده است و در اهمیت آن همین بس که مفسر عالیقدر جهان اسلام، آیت الله جوادی آملی حفظه الله می فرمایند: «هرگاه زن اصالت را به نقش های دیگری غیر از مادری و همسری دهد، از صراط مستقیم خارج است». همچنین بزرگ بانوی اسلام حضرت فاطمه علیها السلام می فرمایند: «آن گاه که زن در منزل به امورخانه و تربیت فرزند می پردازد به خدا نزدیک تر است»^۲. به هر حال حرکت در صراط مستقیم و تقرب زن به سوی پروردگار جز از طریق اصالت دادن به ایفای نقش کلیدی و مؤثر مادری و تربیت فرزندان مقدور نمی باشد. به همین جهت مربی بزرگ قرن حاضر امام خمینی رحمه الله، شغل اصلی زن و مهمترین کار وی را مادری و همسری دانسته است^۳. ۱. به کتاب جایگاه و نقش زن در نظام های مختلف از دیدگاه امام خمینی قدس سره و مقام معظم رهبری، ص ۱۴۷، که توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران، گردآوری و تنظیم شده مراجعه نمایید. ۲. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام، ح ۹۱، ص ۱۴۶ و بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۲. ۳. جایگاه و نقش زن در نظامهای مختلف از دیدگاه امام خمینی قدس سره و مقام معظم رهبری، ص ۱۴۸. در طول تاریخ تشیع، یکی از نقش های بی بدیل زنان، دفاع از ولایت و تلاش برای حفظ این ارزش الهی بوده است. بالأخص در عصر غیبت که نقش مردان برای دفاع از ولایت به جهت اختناق شدید کم رنگ بوده است، زنان فعالانه برای حفظ فرهنگ مهدویت در جامعه نقش آفرینی نموده و در بین تمامی نقش های خود، در حفظ فرهنگ مهدویت، و تربیت نسل ولایی و انتقال این ارزش به نسل آینده و حفظ اندیشه مهدوی، از طریق پویا سازی خانواده نقشی بسیار مؤثر و غیرقابل انکاری داشته اند. زنان شیعه با بهره گیری از آموزه های دینی، در طول تاریخ تشیع، با پرداختن به اساسی ترین نقش و کارکرد زنان که همان مادری است، بلندترین گام ها را برای حفظ ولایت برداشته اند. آنان با نقش آفرینی خود، ارزش ولایت و حبّ به ولی خدا را به فرزندان خود منتقل کردند و بالأخص در عصر غیبت، این مادران بودند که با فضا سازی مناسب در خانه و با پابندی به امام زمان خود و با ابراز علاقه ای که به ایشان نشان می دادند و رابطه قلبی و معرفتی که با حضرت داشتند، این علاقه و عاطفه را به فرزندان نیز منتقل کردند و از این طریق در حفظ و احیای این مهم کوشیدند. و اما در عصر حاضر، تربیت انسان دیندار پویا، کارآمد و عاشق ولایت از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است. چرا که شاهد هجوم جریان شوم «ناتوی فرهنگی» هستیم که بنا دارد از نسل جوان ما یک نسل بی هویت و بی ریشه بسازد. همان طور که مقام معظم رهبری مطرح فرمودند: «باندهای بین المللی زر و زور که برای تسلط بر منافع ملت ها، سازمان های نظامی ناتو را تشکیل داده بودند، اکنون در پی تشکیل «ناتوی فرهنگی» هستند و با استفاده از امکانات زنجیره ای متنوع و بسیار گسترده رسانه ای... در پی تخریب هویت ملی جوامع بشری هستند و بنا دارند که با استحاله فرهنگی و انقطاع تاریخی بین گذشته و آینده، از جامعه ما ملتی بی هویت بسازند»^۱. ۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع اساتید و دانشجویان استان سمنان، ۱۲/۲/۸۴. اینجاست که نقش مادران در دفاع از هویت ملی و دینی و انتقال ارزش ها، بسیار پررنگ می گردد. چرا که تمامی ارزش های دینی، اخلاقی، ملی و... در درون خانواده است که شکل می گیرد، نهادینه می گردد و به جامعه منتقل می شود. بالأخص ارزش های ولایتمداری، که از جمله ارزش هایی است که دشمن نوک تیز پیکان حمله خود را متوجه آن نموده است، از طریق خانواده است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می گردد. مادران منتظر باید بدانند یکی از مسئولیت هایی که از طرف شارع مقدس بر عهده آنها گذاشته شده، تلاش برای تربیت یک نسل ولایی است. چرا که در روایات متعدد آمده است که ولایت و مودت اهل بیت علیهم السلام از فرایض الهی است و ملاک قبول اعمال و عبادات به حساب می آید. در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة و لكم المودة الواجبة: به سبب ولایت شما، طاعت واجب پذیرفته می شود و «موده واجبه» برای شماست». همچنین پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به سلمان فرمودند: «ان المودة اهل بیتی مفروضة واجبه علی کل مؤمن و مؤمنة... مودت اهل بیت من بر هر مرد و زن با ایمان فرض

و واجب است.»^۱ همچنین پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم راز و رمز رسیدن به سعادت را تمسک به اهل بیت اعلام نمودند: «من تمسک بعترتی من بعدی کان من الفائزین: هر کس پس از من، به خاندانم چنگ بزند و تمسک جوید از رستگاران خواهد بود»^۴. از این رو رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله وسلم به والدین سفارش کردند: «ادبوا اولادکم علی ثلاث الخصال، حب نیکم و حب اهل بیتة و قرائة القرآن: فرزندانان را با محبت من و محبت اهل بیت من و قرآن تربیت و تأدیب کنید»^۳. از این رو عمده ترین نقش آفرینی های زن منتظر، منتظر پروری است. امید است همان طور که زنان در طول تاریخ تشیع افتخار آفرینی های زیادی در حفظ مکتب تشیع داشته اند، در این عصر هم بتوانند با تربیت نسل مهدی باور، دین خود را به جامعه دینی ادا نمایند. ۱. نجفی، هادی، موسوعه احادیث اهل بیت، ج ۱، ص ۲۳۴. ۲. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر؛ ص ۲۳. ۳. خلاصه عباقت الانوار، ج ۴، ص ۲۵۵.

کام دوم: ضرورت مهم انگاشتن نهاد خانواده و اصالت آن

با توجه به نقش زن در خانواده، یکی از رسالت های مهم «زن منتظر»، اهمیت به کانون خانواده و سعی در حفظ این نهاد است. بالاخص در عصر حاضر که مهاجمان فرهنگی، جنگ علیه این نهاد تأثیر گذار را آغاز نموده اند و بنا دارند که با تخریب کانون خانواده، به عنوان اصلی ترین مرکز انتقال ارزش ها، مانع انتقال ارزش های دینی و ملی به نسل آینده گردند. زن منتظر بر این نکته تأکید می ورزد که فعّالیت های اجتماعی زنان، در صورتی ارزشمند است که آسیبی به رسالت های اساسی و مهم آنان در قبال مسأله خانواده و تربیت نرساند. براساس روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم که می فرمایند: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة و المرأة راعیة علی بیت بعلها و ولده مسئولة عنهم»^۱، زن در خانه همسرش دارای مسئولیت بوده و در قبال اعضای منزل مسئول است. زن مسلمان خود را مسئول می داند چرا که پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم زن را به طور خاص در مقابل حفظ نهاد خانواده مسئول نموده است. پس او سعی می نماید که منافع شخصی، رفاه طلبی، لذت خواهی و تنوع طلبی خود را تعدیل و کنترل نماید و آنها را در خدمت خانواده قرار دهد. در منظر زن مسلمان خردمند، آگاه و مدبر، پرداختن به امور خانواده و تربیت فرزندان، کلیدی ترین و مؤثرترین نقش اجتماعی می باشد. او گرچه در خانه است، اما خود را به عنوان یک عضو فعال و تأثیرگذار جامعه می پندارد و البته در مواقع ضروری و اقتضائات خاص، به شرط آسیب ندیدن خانواده، به برنامه های اجتماعی بیرون از خانواده نیز می پردازد. زن منتظر زمانی خود را در صراط مستقیم و در مسیر عبودیت احساس می کند که اصالت را به مادری و همسری دهد و در ۱. سیوطی، جلال الدین، جامع الصغیر، ص ۹۵. صورت تعارض و عدم امکان جمع بین آن و مسایل دیگر، در انتخاب خود، گزینه خانواده را برگزیند و از این انتخاب خود بسیار مسرور و خوشحال باشد. زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم در تقسیم کار میان اعضای خانواده حضرت علی علیه السلام، کار منزل را به زهرا علیها السلام و کار بیرون را به علی علیه السلام سپردند، حضرت زهرا علیها السلام با خوشحالی تمام فرمودند: «والله اعلم ما ادخلنی السرور... فقط خدا می داند که من از اینکه رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم کار مردانه را از دوش من برداشتن، چقدر خوشحالم»^۱. فاطمه علیها السلام، ضمن اصالت بخشی به نقش همسری و مادری و انجام کامل رسالت خود و فراهم نمودن زمینه و بستر مناسب برای رشد و تعالی همسر و فرزندان و اقماع میل عاطفی آنان و تبدیل خانه به کانونی مملو از عشق و محبت و عطوفت، در مواقع مقتضی نیز در فعالیت های اجتماعی، حضور فعال و مؤثری داشته که تاریخ حکایت گر آن است. ولی او اصل را خانه و خانواده می دانست و همین اهتمام بود که موجب شد وقتی پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کردند که علی جان، همسر خود فاطمه را چگونه یافتی؟ فرمودند: « نعم العون علی طاعة الله: فاطمه بهترین یاور من در اطاعت الهی است»^۲. یعنی فاطمه به عنوان یک همسر به گونه ای ایفای نقش می کند که یاریگر همسر خود امیرالمؤمنین علیه السلام در اطاعت الهی می شود و این گونه، مسیر اطاعت را برای شوهر هموار می

سازد و خود نیز به واسطه عمل به این رسالت، رستگار می گردد. آن حضرت توانست در خانه محقر و کوچک خود فرزندان چو حسن و حسین علیهما السلام و زینب و امّ کلثوم را تربیت نماید که هر کدام در عرصه حیات خود، تاریخ ساز و تحوّل آفرین بودند. این بانوی نمونه اسلام توانست فضایی شاد و باصفا را برای همسر خود فراهم نماید که حضرت علی علیه السلام در خصوص تأثیر این فضا می فرمودند: « هر وقت به منزل می آمدم و چشمم به فاطمه می افتاد، غم عالم را فراموش می کردم » ۱۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۱. مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۱۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۳۶۳.

اقدام سوم: مهارت شناسی (سازو کارهای تربیت نسل منتظر)

اشاره

تربیت نسل مهدوی از جمله دغدغه های والدین ولایتمدار از جمله زن منتظر به عنوان متولی اصلی تربیت است. در سده اخیر، کاهش کارآمدی خانواده و هجوم فرهنگ غربی، والدین را برای تربیت مهدوی با چالش های جدی مواجه نموده است. از سوی دیگر پیچیدگی امر تربیت دینی در عصر حاضر به جهت اقتضائات خاص زمانی، امر تربیت را به صعوبت خاصی دچار کرده است. همه این عوامل، ضرورت اجتناب ناپذیر اهتمام همراه با بینش و بصیرت برای تقویت بنیان های اعتقادی مهدی باوری و مهدی یآوری را می طلبد. ناگفته نماند که به رغم همه این چالش ها، پایگاه فطری تربیت ولایی و همچنین برخورداری از نظام تربیتی که از آبشخور مبانی غنی و نابی سرچشمه می گیرد، می تواند بهترین سرمایه برای متولیان امر تربیت دینی بالأخص مادران باشد. مادران می بایست با بکارگیری اصول و شیوه های صحیح تربیت ولایی و شکوفائی فطرت، در صدد تقویت عواطف و احساسات فرزندان خود نسبت به امام زمانشان باشند. چرا که آنها در درون خود از گرایش به سوی انسان کامل برخوردار هستند. در این نوشتار سعی بر این است که به پاره ای از سازو کارهای تربیت مهدوی در عصر حاضر اشاره گردد و جهت اختصار گویی، از ذکر دستورالعمل های جزئی دینی خودداری می شود. قبل از اینکه گام هایی را که مادران منتظر باید بردارند تا توفیق تربیت نسل منتظر را بیابند، جا دارد که توجه عزیزان را به چند نکته جلب نمائیم. نکته اول آن که یکی از عوامل مهم عدم توفیق ما در دینداری و پرورش نسل دیندار، عدم توجه به آموزه های دینی و آدابی است که در شرع مقدّس برای پرورش یک نسل دیندار آمده است. علیرغم این که ما برخوردار از مکتبی غنی هستیم که برای تمامی مراحل زندگی ما دستورالعمل های ریز و دقیق ارائه کرده است، ولی متأسفانه غالب ما مسلمانان، یا نسبت به آنها آگاهی کافی نداریم و اگر علم هم داشته باشیم اهتمام جدی برای عمل به آنها نداریم. از این رو به هر صورت که خود دوست داریم انتخاب همسر می کنیم و تمامی مراحل مختلف فرزند داری را پشت سر می گذاریم. جالب این است که انتظار هم داریم نسل ولایی، مؤمن و صالح داشته باشیم. به هر حال عدم اهتمام ما نسبت به رعایت آداب اسلامی فرزند پروری که از لحظه انتخاب همسر تا سن ۲۱ سالگی که به صورت دقیق و قدم به قدم از طرف شرع ارائه شده است، موجب می شود که ما توفیق چندانی در تربیت فرزند صالح نداشته باشیم. نکته دیگر، توجه به سن آغاز تربیت نسل ولایی است. از دیدگاه دانشمندان تعلیم و تربیت، آموزش مفاهیم ارزشی و اخلاقی چون ولایت و حبّ ولی خدا، باید در زمانی صورت گیرد که قوای ادراکی و شناختی برای دریافت این مطالب آماده باشد. هنجار تمسک به ولی خدا را باید هنگامی به متربّی منتقل ساخت که توانائی التزام به آن را دارا باشد. مربی وظیفه دارد زمینه های مناسب را برای ارتباط با ولی خدا فراهم آورد. بنابراین، مربی باید تمهیداتی که برای کسب مهارت های لازم برای ارتباط با ولی خدا لازم است را پیش از رسیدن کودک به مرحله ادراک و التزام، فراهم کند. از این رو بخشی از گام هایی را که ما بر می شماریم جنبه ی اعدادی و زمینه سازی برای ایجاد روحیه تمسک

و التزام به ولی خدا در متریان دارد و مریبان باید آن زمینه ها را فراهم سازند. نکته دیگر آنکه اولیاء تربیتی بالأخص مادران باید بدانند که آنها در حوزه ارزش ها و اخلاقیات نیازمند یادگیری هستند. زیرا آنان به عنوان یک مدیر و تسهیل کننده در این گونه امور باید عمل نمایند. از این رو نیازمند آموزش و کسب مهارت های لازم در این راستا هستند. ۲. در ادامه، به ساز و کارهای تربیت نسل مهدوی اشاره می شود. ۱. ر.ک: فتحعلی خانی، محمد، آموزه های بنیادین علم اخلاق، ج ۱. ۲. اگر چه امروزه برخی تئوری های تربیت اخلاقی مثل نظریات پست مدرن، حرکت هایی را جهت حذف منابع مقتدر و اصل الگو آغاز نموده اند، ولی برخلاف آنها، اسلام برای منابع مقتدر (قرآن و سنت) و الگوهای دینی، جایگاه خاصی را قائل می باشد که باید اولیاء تربیتی نسبت به این منابع و الگوهای دینی عرضه شده آگاهی کافی داشته باشند. (ر. ک به: سجادی، محمد، تربیت اخلاقی از منظر پست مدرنیسم و اسلام، مرکز مطالعات و تربیت اسلامی).

کام اول: انتخاب شایسته

قدم اول در ایجاد مجموعه ای کارآمد و سالم، انتخاب افراد توانمند و شایسته است. در خانواده نیز که از لحاظ مدت دوام مجموعه و اهمیت آن، مجموعه ای حساس محسوب می شود، انتخاب همسر شایسته، اهمیت ویژه ای دارد. به خاطر همین مسئله است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم می فرمایند: «بهترین متاع دنیا همسر پارسا است» ۱ و در جای دیگر چنین می فرمایند: «برای نطفه های خویش فردی مناسب اختیار کنید؛ به هم شأن خود دختر دهید و از آنان دختر بگیرید». ۲ با توجه به نقش پدر در تربیت فرزند، مادرانی که طالب تربیت یک نسل مهدوی هستند، می بایست در هنگام انتخاب همسر دقیقاً به این مسئولیت تربیتی توجه داشته باشند و هنگام همسرگزینی، فردی را برگزینند که ولایتمدار و از خانواده اصیلی باشد و عشق و محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در او نهادینه شده باشد. زیرا پدری که خود برخوردار از عشق و محبت نسبت به امام زماش نباشد، نمی تواند در ایفای رسالت تربیت نسل مهدوی توفیقی داشته باشد و از سوی دیگر، تقیید پدر در عمل به واجبات و به حلال و حرام الهی، بالأخص تقیید او به آوردن لقمه حلال بر سر سفره خانواده، در دیندار کردن فرزندان و تربیت نسل ولایی فوق العاده مؤثر است. بدین جهت اولین گام برای تربیت نسل ولایی، انتخاب همسری ولایتمدار است که در آینده بتواند پدری موفق در تربیت نسل دوستدار ولایت باشد. حال آنکه متأسفانه غالباً در زمان انتخاب همسر، از آن غفلت می ورزیم و براساس معیارهای خود عمل می کنیم و بعد هم انگشت حسرت به دهان می گیریم که چرا این چنین شد. ۱. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲، ح ۳۷. ۲. نهج الفصاحه، ح ۱۱۳۱.

کام دوم: توجه به آموزه های دینی هنگام انعقاد نطفه

زندگی یک موجود زنده در لحظه لقاح آغاز می شود، لحظه ای که «اسپرم» و «اووم» با هم یکی می شوند. از همین لحظه است که مرد و زن عنوان پدر و مادر پیدا می کنند و ایفای نقش حساس جدیدی را به عهده می گیرند. این دوره نه ماهه در حیات آدمی بسیار مهم و تعیین کننده است. هرگونه کوتاهی والدین به ویژه مادر، گاهی عواقب غیرقابل اجتناب دارد. زیرا حالت هیجانی و عاطفی در لحظه انعقاد نطفه و نیز رویاها و خیال پردازی های مادر، تأثیر مستقیم در جنین دارد. ۱. براساس آموزه های دینی، یکی از مراحل که در تکوین شخصیت دینی و ولایی فرزندان ما می تواند مؤثر باشد، مرحله انعقاد نطفه است. از این رو دستورات زیادی از سوی شارع مقدس برای این مرحله صادر گردیده است که بی تردید توجه به این دستورات می تواند گامی مؤثر برای تربیت نسل ولایی باشد. انتخاب زمان و شرایط روحی و روانی مناسب و نیز توجه به خدا در حین انعقاد نطفه از جمله دستوراتی است که

از سوی معصومین علیه السلام وارد شده است. از این رو جا دارد پدران و مادران، بررسی و مطالعه ای پیرامون این آموزه ها داشته باشند و با توجه به این آموزه های دینی، اقدام به انعقاد نطفه فرزند خود نمایند. روایاتی که تأکید می کند هنگام خستگی زیاد، یا در ساعات اولیه شب و با شکم پر آمیزش صورت نگیرد ۲ و همچنین ذکر مکروهات و مستحبات زیادی که در روایات برای حین آمیزش وارد شده است، همه دلالت بر اهمیت این لحظه در حیات مادی و معنوی فرد دارد. ۳ در اهمیت این مسأله توجه به کیفیت انعقاد نطفه حضرت زهرا علیه السلام که طراحی آن از سوی خداوند تبارک و تعالی صورت گرفته، کفایت می کند. وقتی قرار است نطفه حضرت منعقد گردد، پدرشان رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم چهل شبانه روز به تهجد و عبادت می پردازند و بعد از تناول از غذای بهشتی، اجازه انعقاد نطفه داده می شود. ۱. شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، ص ۱۸۱. ۲. فیض کاشانی، محسن، تفسیرالصادقی، ج ۲، ص ۲۰. ۳. علاقمندان می توانند مجموعه این روایات را با مراجعه به منابعی مثل: تهذیب، ج ۷، ص ۴۰۷، و بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۲۷، و وسایل الشیعه، کتاب النکاح، ج ۷، باب ۱۰۵، ص ۵۰۰ بدست آورند.

کام سوم: رعایت الزامات دوران بارداری

یکی دیگر از مقاطع و مراحل تأثیر گذار در تربیت نسل مهدوی، دوران بارداری مادر است که در شکل گیری شاکله دینی فرزندان فوق العاده مؤثر است. کلیه حالات، سکنتات، رفتارها و حتی خطورات فکری و ذهنی مادر در فرزند تأثیر گذار است. صرفاً مادری که خود علقه عاطفی و فکری با مولای خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته و این علقه، نمود عملی در زندگی او دارد، می تواند منتقل کننده آن به فرزند خود باشد. تجربه نشان می دهد خواندن دعاهایی که تقویت کننده ارتباط با ائمه اطهار علیهم السلام است، می تواند در تربیت نسل مهدوی مؤثر باشد. اگر در آموزه های دینی در دوران بارداری، سفارش به خواندن دعاهایی چون زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا، دعای عهد و دعای فرج گردیده است، بدین جهت است که ارتباط مستدام مادر با این مضامین دعایی مستقیماً در جنین تأثیر گذار است و نسلی عاشق ولایت را می پروراند. ۱. روان شناسان بر این باورند که حالات روانی و هیجانی و یا حتی فعالیت های جسمانی مادر، در شخصیت کودک مؤثر است. تراوش هورمون هایی که در شرایط فشارهای هیجانی و یا روانی صورت می گیرد، تأثیر بر جنین می گذارد. ۲ ذکر و یاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انجام وظایف مهدوی از سوی مادر می تواند در تربیت نسل منتظر مؤثر باشد. علاوه بر آنچه که ذکر شد، ارتراق مادر از لقمه حلال در طول بارداری از جمله مسایلی است که در تربیت نسل دیندار و ولایی، نقش دارد. ۱. ر. ک به: احدی، حسن، روان شناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روان شناسی کودک). ۲. میخبر، سیما، با همکاری جمعی از خواهران حوزه علمیه، ریحانه بهشتی، ص ۷-۵.

۱۱.

کام چهارم: توجه به آموزه های کوچک ولی مهم بدو تولد

آنچه که از مضامین روایی فهمیده می شود این است که برخی از مسایل، گرچه کوچک است ولی اثرات بزرگی در سرنوشت و شاکله دینی انسان دارد. از جمله آنها که در دین مورد تأکید قرار گرفته مسأله تحنیک یا باز کردن کام نوزاد هنگام تولد است. اینکه با چه چیز کام نوزاد باز شود، می تواند در علایق و گرایش های او در بزرگی تأثیر گذار باشد. در روایات متعددی، آدابی جهت باز کردن کام فرزند به ما رسیده است. به دلیل اهمیت مسأله به برخی از آنها اشاره می شود: «حنکوا اولادکم بماء الفرات: کام نوزادان خود را با آب فرات بردارید». ۱. همچنین امام صادق علیه السلام به سلیمان بن هارون بجلی فرمود: «ما اظن احد یحنک

بماء الفرات ألا احبنا اهل بیت: گمان نمی کنم کسی با آب فرات کام نوزاد را بردارد مگر آنکه ما خاندان را دوست بدارد» ۴. از دیگر دستورات دینی مربوط به دوران بدو تولد، گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ نوزاد است. رسول اکرم صلی الله علیه و اله وسلم، در همین زمینه می فرماید: «هر کس صاحب فرزند می شود، در گوش راستش اذان بگوید و در گوش چپش اقامه بخواند، به درستی که این عمل باعث دوری شیطان خواهد شد» ۳۰ نامگذاری مناسب فرزند، عقیقه، تغذیه بچه با شیر مادر و... از دیگر آموزه های مربوط به این دوران است. ۱۴. الکافی، ج ۶، ص ۲۴. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۹. ۳. کافی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۴. ۶. ر.ک به: ریحانه بهشتی، صص ۱۶۶-۱۵۸.

کام پنجم: دوران شیردهی

مادرانی که توفیق ارتزاق فرزند خود با شیریهی که محصول لقمه حلال است را ۱۳۲ می یابند و همچنین مادری که با وضو به فرزند خود شیر می دهد و از ذکر و یاد خدا در هنگام شیردهی غافل نمی شود، قطعاً این مادر بیش از دیگران، توفیق تربیت نسل مهدی باور و مهدی یاور را خواهد داشت. تأثیر شیر مادر در پرورش شخصیت معنوی فرزندان، امری مسلم و غیر قابل انکار است. حکایات زیبایی از زندگی برخی از علمای بزرگ و مفاخر دینی ما ذکر شده است، حکایت شنیدنی مادر شیخ انصاری که از مفاخر بزرگ عالم تشیع است، به خوبی بیانگر نقش شیر مادر در تکوین شخصیت معنوی فرزندان است. مادر شیخ انصاری می گوید: «من در رابطه با پسر من توقع بیشتر داشتم. برای اینکه من تا ۲ سالی که او را شیر دادم، هیچ وقت بدون وضو نبودم. نیمه شب بلند می شدم در سرمای زمستان، یخ آب حوض را می شکستم، وضو می گرفتم و بعد بچه ام را شیر می دادم. و هیچ گاه بدون بسم الله سینه بر دهان فرزندم نگذاشتم» ۱. همچنین مادر مقدس اردبیلی نقل می کند که: «هرگز لقمه ای شبیه ناک نخوردم و قبل از شیردادن بچه وضو می گرفتم و ابتدا چشم به نامحرم نینداختم و در تربیت او کوشیدم...». اهتمام خانواده حضرت امام خمینی قدس سره برای یافتن دایه ای برای شیردهی آقا روح الله که ارتزاق حلال داشته باشد نیز از حکایات شنیدنی است. خانواده ایشان پس از تلاش فراوان، از یافتن دایه ای که ارتزاق صددرصد حلال داشته باشد مأیوس شدند و نهایتاً با خانمی قرارداد می بندند که در طول شیردهی این فرزند، حتی یک لقمه از غذای خود ارتزاق نکند و تمامی ارتزاق وی از غذایی باشد که برای او آورده می شود. ۲. همه این حکایات زیبا، دلالت بر تأثیر دوره شیردهی و اهمیت آن بر شخصیت فرزندان دارد. مادری که شیر او آمیخته با ذکر و یاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و در طول شیردهی خود، ذکر و یاد امام را بر لب و قلب دارد، قطعاً این عشق و علاقه به فرزند او منتقل می شود. چرا که تحقیقات روان شناسی حاکی از این مسأله است که کلیه عواطف، علاقه ها و دلبستگی های مادر هنگام شیردادن به فرزند هم منتقل می گردد. ۱. همان، ص ۱۷۷. ۲. همان.

کام ششم: القای محبت به ولی خدا در دوران کودکی

گرچه در نظام تربیتی اسلام هرگونه آموزش رسمی و سخت گیرانه در دوران کودکی مردود است و اصل بر آزاد و رها گذاردن کودک است، ولی این نکته مورد تأکید دین قرار گرفته است که دوران کودکی، دوران شکل گیری شخصیت دینی، عاطفی، عقلی و... کودک است. روح احادیث در این زمینه دلالت دارند که در دوران کودکی (هفت سال اول) عنایت خاصی بر مؤانست کودک با مقوله های مذهبی و اخلاقی شده است. نظر به محدودیت قدرت درک و فهم کودک از ارزش های اخلاقی و به لحاظ رشد نیافتگی او از لحاظ اجتماعی، بیشترین تلاش مریبان در این مرحله باید متوقف بر ایجاد رغبت، علاقه و انس در کودک نسبت به ارزش ها و مفاهیم اخلاقی از جمله مسأله ارتباط با ولی خدا باشد. ۱. از این رو کلیه رفتار پدر و مادر بالاخص مادر، نقش ویژه ای

در شکل گیری شخصیت کودک دارد. اهمیت نقش مادر از آن جهت است که در این دوره، بیشترین ارتباط را با فرزند دارد و در شکل گیری شاکله شخصیتی فرزند مؤثر است و به تعبیر متخصصان تعلیم و تربیت، کودک بسان یک دوربین فیلمبرداری بسیار دقیق، مشغول فیلمبرداری هوشمندانه از رفتار مادر است و مادر بدون اینکه درصدد آموزش مفاهیم به فرزند خود باشد، با رفتار و کردار خود، در حال آموزش غیررسمی به فرزند خود می باشد. کودک، اکثر مهارت ها و دانستنی ها را در این دوران، بدون واسطه از خانواده خود دریافت می کند. از آنجا که اولین مطلبی که کودک فرا می گیرد، تأثیر به سزایی دارد و به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام «العلم ۱. شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحوّل انسان، ص ۵ ۲۰. فی الصغر کالنقش علی الحجر: دانشی که در کودکی فرا گرفته می شود مانند نوشته بر سنگ است»؛^۱ لذا ماندگاری آموزه های خانواده، مسئولیت سنگینی را برای «مادرمنتظر» رقم می زند. در نظام تربیتی اسلام، تأکید بر تلفیق جنبه های نظری (گفتاری) و عملی (کرداری) در عرصه تربیت شده است. حتی وزن عمل، بیشتر از گفتار و سخن است. لذا تأکید بر وحدت قول و عمل در همین راستا می باشد.^۲ این که پیامبر گرامی اسلام در بسیاری موارد، ابتدا عمل می کرد و از مردم نیز قبل از درک معنی واقعی یک عمل، تقاضای انجام آن عمل را می نمود، دلیل پراهمیت عمل است. از اینروست که مادر منتظر باید فرصت طلایی شکل گیری شخصیت فرزند را غنیمت شمرده و پایه ها و بنیان های اعتقادی فرزندش را با ارایه رفتارهای برگرفته از مبانی دینی و اخلاقی، تقویت نماید. زن منتظر اگر بنا دارد که فرزندی مهدی باور تربیت کند، باید بداند که هرچه محبت و دلباختگی و ارتباط قلبی او با حضرت بیشتر باشد، و این علقه در رفتار وی که فرزند شاهد آن است، نمود عینی داشته باشد، به همان میزان می تواند این محبت و دلباختگی و عشق را به فرزند خود، بدون آن که نیاز به آموزش رسمی باشد، انتقال دهد. وقتی فرزند، عشق سرشار مادر به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مشاهده می کند و وقتی مادر فضای خانه را معطر به عطر یاد و ذکر حضرت می کند، این فضای آکنده از عشق و محبت، در ساختن شخصیتی ۱. کراچکی، ابوالفتح محمد بن علی، کنزالفوائد، ج ۱، ص ۳۱۹؛ به نقل از علاسونند، فریبا، مهارت های زندگی بارویکرد دینی، ص ۱۷. ۲. فرایند تربیت در اسلام، فقط محدود به بکارگیری الفاظ و عبارات و قاعده های دستور زبانی و یا به طور کلی محدود به قواعد زبان شناختی و محاوره ای که موردنظر پست مدرنیست ها (نظریه گفتمان) بوده است، نیست، بلکه عرصه عمل نیز وجود دارد و چه بسا فهم دقیق دستورات اخلاقی، در ابتدا نیازمند عمل آدمی است. اگر انسان به بعضی دستورات اخلاقی عمل نکند، نمی تواند معنی حقیقی آن را دریابد. محبّ و عاشق نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مؤثر خواهد بود. تأکید می گردد که دوران کودکی، دوران استفاده از ابزار استدلال و منطق نیست و آنچه در این دوران اثرگذار است، جنبه های احساس و عاطفی، آن هم به صورت عملی است. باید برای موفقیت در امر تربیت ولایی به این مهم توجه داشته باشیم که مادران به عنوان اولین و مهمترین مربی، باید واجد صفات و ویژگی های فکری و رفتاری صحیح باشند، چرا که بخش عظیمی از تربیت ولایی، به حوزه های رفتاری عینی و عملی مربوط می شود. باید برنامه تربیتی مادر، متوجه ویژگی ها و رفتارهای عینی و عملی مشخص، مفروض و پذیرفته شده عام باشد تا بتواند زمینه های لازم را در فرزندان خود جهت پذیرش و قبول آن صفات و ویژگی ها فراهم نماید.^۱ به بیان دیگر مادر باید خود نسبت به اصول و مبانی تعلیم و تربیت و تربیت یک نسل ولایی، علاوه بر شناخت، التزام داشته باشد.^۲ لذا، مادر منتظر می بایست به اعتقادات خود، ایمان بیاورد، زیرا ایمان تلفیقی از اعتقاد قلبی و التزام عملی است. اگر مادر منتظر از انجام رفتارهای مخالف با میل «ولی خدا» خودداری کرد و به صورت مستقیم و غیر مستقیم نشان داد که بخاطر حضور و ناظر بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از انجام این کار خودداری کرده است، باور به حضور واقعی «ولی خدا» در فرزند نیز به صورت جدی تقویت می شود. مادر به عنوان مدیر داخلی خانواده می تواند فضای داخلی خانه را به گونه ای مدیریت نماید که این فضا، سرشار از یاد و محبت و عشق نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق ارائه برنامه های عینی و عملی باشد. همچنین باید به این نکته مهم توجه کند که اگر خانواده، رسالت خود را به درستی انجام ندهد، افراد و نهادهای

دیگری هستند که ممکن است با آموزش های ناروا، فرزند را به وادی دیگری بکشانند. ۱. ر. ک به: تاجیک، فرامدرنیسم و تحلیل گفتمان، مؤسسه توسعه دانش. ۲. ر. ک به: کتاب دوم تربیت اسلامی، متن سخنرانی دکتر خسرو باقری، ص ۲۲۳.

کام هفتم: تعمیق محبت به ولی خدا در دوران نوجوانی

دوران نوجوانی در نظام تربیتی اسلام، دوران اطاعت است. در این دوره باید آموزه های دینی به صورت آمیزه ای از احساس و عقل به بیجه ها ارایه گردد. زیرا در این دوره، کودکان نه دارای احساس و عواطف محض هستند و نه برخوردار از قدرت عقلانی؛ از این رو متولیان تربیت باید هنرمندانه، با آمیختن عقل و احساس و گره زدن اندیشه و عاطفه و محبت، در پی عمق بخشی به محبت و عشق نوجوانان نسبت به امام زمانشان باشند. اگر پدران و مادران توفیق یابند که در این دوره، عشق همراه با معرفت را در فرزندان خود ایجاد نماید، تا حدود زیادی توانسته اند به رسالت خود در تربیت نسل ولایی عمل نمایند. از جمله مهارت های تربیتی تأثیرگذار در این دوران، تأکید به تقسیم بندی امور و رفتارها به خوب، خوب تر، خوب ترین و همینطور بد، بدتر، بدترین است. اگر این تقسیم بندی در کودک نهادینه شود، در مرحله عمل و رفتار، محتاط تر خواهد بود و دست به انتخاب می زند. ۱. همچنین، شناخت آثار مترتب بر رفتار عاقلانه و کارایی های عقل و نیز نحوه استفاده از آن، از جمله مهارت هایی است که «مادر منتظر» به فرزند خود می آموزد. یکی از راهکارهای مؤثر برای ایجاد عشق و محبت نسبت «به ولی خدا» در نوجوانان، استفاده از صناعات ادبی چون مجاز، تشبیه، استعاره و آرایه های ادبی است. چرا که تأثیر کلام ادبی، موزون و فصیح در نوجوان، بسیار زیاد است. نوجوان در این دوره به کلام بلیغ و آراسته به زیورهای ادبی، بسیار علاقمند است. بالأخص عنصر خیال انگیزی ادبی در نوجوان، تأثیر بسیار شگفت و مرموزی دارد. خیال انگیزی سبب تحریک عاطفه و احساس نوجوان است و موجب افزایش درجه اثرپذیری در او می شود. پاسکال می گوید: «اعتقاد اکثر مردم تحت تأثیر عاطفه است نه دلیل و برهان» ۲. می توان این نکته را به سخن ۱. ر. ک به: علاسوند، فریبا، مهارت زندگی با رویکرد دینی، ص ۲۳. ۲. ر. ک به: رضائزاد، غلامحسین، اصول علم بلاغت، ص ۱۲۸. پاسکال افزود که حتی عقایدی که انسان براساس دلیل و برهان می پذیرد، در صورتی از نفوذ و ثبات در روحیه اش برخوردار خواهد شد که با عاطفه و احساس او آمیخته شود. علامه مظفر رحمه الله تصریح می کند: «تخیل از مهم ترین عوامل مؤثر بر نفوس است» ۱. نکته قابل توجه این است که می بینیم آن گاه که مولای متقیان علیه السلام قصد دارند که فرزند خود، امام حسن مجتبی علیه السلام را که در سنین نوجوانی بودند ۲، مورد خطاب قرار دهند و آخرین وصایای خویش را به فرزندشان برسانند، چقدر زیبا در نامه ۳۱ نهج البلاغه که منشور تربیتی دین است، از صناعات و شیوه های ادبی اعم از مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه استفاده می کنند تا با بهره گیری از فصاحت و بلاغت، تأثیر حقایق بلند و حکمت های ژرف و معارف ناب را در قالب های بیانی خیال انگیز به فرزندشان القاء نمایند. گفتارهای تربیتی آراسته به آرایه های ادبی و زیور فصاحت و بلاغت، غوغایی در درون نوجوان برپا می کند و نقش ویژه ای در بیدارسازی فطرت پاک نوجوان خواهد داشت. نکته ای که در این دوره، متولیان تربیتی، برای تربیت نسل منتظر می بایست متوجه آن باشند این است که در آموزه های دینی، ضمن این که حب اهل بیت علیهم السلام را اساس دین و نظام دین دانسته اند، نویدهای زیادی نیز برای محبتین اهل بیت داده اند. نویدهایی چون: «الا- و من مات علی حب آل محمد مات شهیداً...» ۳. ۱. مظفر، محمدرضا، المنطق، ص ۴۰۶، به نقل از حسن زاده، حمید، «نقش و تأثیر فصاحت و بلاغت»، کتاب چهارم تربیت اسلامی. ۲. حضرت در همین نامه می فرمایند: «پیش از آنکه دگرگونی های دنیا به قوم هجوم آورند و پذیرش و اطاعت مشکل گردد، (در دوره نوجوانی برای تو این نامه را نوشتم) زیرا قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود» (نهج البلاغه، ص ۵۲۳). ۳. اسدی، یحیی بن حسن، العمده لا بن الطرقی، ص ۵۴. ۱۳۸ «الا و من مات علی حب آل محمد مات مغفور له...» ۱ «الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمناً مستکماً الایمان...» ۲ «الا و من مات علی

حَبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ بَشْرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ...» ۳ «الَا وَ مِنْ مَاتَ عَلٰی حَبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ فَتَحَ لَهُ بَابَانِ اِلَى الْجَنَّةِ...» ۴ «الَا وَ مِنْ مَاتَ عَلٰی حَبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ جَعَلَ اللّٰهُ فِی قَبْرِهِ مِزَارًا مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ...» ۵ یعنی هر کس با محبت آل محمد بمیرد شهید مرده است، آمرزیده می شود، با توبه می میرد، با ایمان کامل می میرد، فرشته مرگ او را به بهشت مژده می دهد، در قبرش دو در به روی بهشت گشوده می شود، قبر او زیارتگاه فرشتگان رحمت الهی می شود و... همچنین آثار زیادی برای حَبِّ اهل بیت علیهم السَّلام در روایات مطرح شده از جمله: کمال دین است، ۶ نور در قیامت است، ۷ ایمنی در قیامت است، ۸ موجب ثبات در صراط است، ۹ انسان را بهشتی می سازد، ۱۰ موجب محشور شدن با اهل بیت علیهم السَّلام است ۱۱ و نهایتاً موجب خیر دنیا و آخرت و نجات از عذاب قبر است ۱۲. بیان این آثار، با بهره گیری از فنون فصاحت و بلاغت و صناعات ادبی برای تقویت گرایش به ولی زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نوجوانان بسیار تأثیرگذار است. امام صادق علیه السَّلام فرمودند: « معرفت، محبت می آورد و محبت از روی معرفت است که تبعیت و پیروی می آورد». لذا حَبِّ اهل بیت علیهم السَّلام زمانی عمق پیدا می کند که همراه با معرفت باشد. زمان ایجاد معرفت نسبت به اهل بیت علیه السَّلام دوران نوجوانی است که اولیاء تربیتی از جمله «زن منتظر» باید مطابق با ادبیات نوجوانان، و با توجّه به سلاقی آنها، دامنه معرفت نسبت به ائمه اطهار علیهم السَّلام بالأخص وجود مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را گسترده نمایند، تا حَبِّ بسیط و ساده دوران کودکی، بوسیله معرفت عمق پیدا نماید و در این صورت است که تبعیت و همراهی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دنبال خواهد داشت. ۱. همان، ص ۵۴. ۲. الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، ص ۱۵۹. ۳. همان، ص ۱۵۹. ۴. الاربعین، ص ۴۶۸. ۵. همان، ص ۴۶۸. ۶. شرح احقاق الحق، ج ۲۴، ص ۵۶۰. ۷. صدوق، محمد بن علی بابویه، امالی، ص ۱۶۱. ۸. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۱۱. ۹. فضایل الشیعه، ص ۴۸. ۱۰. صدوق، محمد بن علی بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۸. ۱۱. همان. ۱۲. همان.

کام هشتم: ترویج محبت به ولی خدا در دوران جوانی

دوره جوانی در نظام تربیتی اسلام، دوره وزارت و همراهی است. اگر پدر و مادر و متولیان تربیتی توفیق یافته باشند تمامی گام های مذکور را با موفقیت طی نمایند، جوان آنان در این دوره، به بالاترین مرحله تکامل اخلاقی، که مرحله اخلاق مستقل و خود پیرو می باشد می رسد که در آن، قوانین حاکم بر رفتار اخلاقی از درون فرد سرچشمه می گیرد. این در حالی است که در مراحل کودکی و نوجوانی بیشتر متربی از بیرون دستور می گیرد. در مرحله اخلاق مستقل و خود پیرو، جهت دهنده، وجدان و درون فرد است. ۱. جوانی که تحت تربیت اصول صحیح قرار گرفته است، به مرحله ای می رسد که به صورت خودجوش و با الهام درونی، به دنبال ولی خدا حرکت می کند. زیرا وجود صفات پسندیده در حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف جاذبه و کششی درونی به سوی انسان کامل در او ایجاد می کند ۳. عقربه وجود او به صورت خودجوش و ۱. ر. ک: ترمن، ج. بال، پرورش اخلاقی. ۲. مبیض، محمد سعید، اخلاق المسلم. درونی به سمت انسان کامل حرکت می کند و نه تنها خود جذب وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می گردد و تمام وجود او سرشار از عشق و محبت، همراه با معرفت نسبت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می گردد، می تواند ترویج دهنده فرهنگ مهدویت در بین گروه سنی خود باشد. خطاب امام صادق علیه السَّلام به همه مسؤولان و مربیان که فرمود: «علیکم بالاحداث فأنهم اسرع الی کل خیر...: جوانان را دریابید که آنان به سوی هر خیری شتابان ترند» ۱، از زمینه های مساعد دوران جوانی برای کاشتن بذر محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر می دهد. اگر زیبایی های حکومت مهدوی ترسیم شود، هیچ چیزی به اندازه وجود مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای جوان جاذبه ندارد. زیرا که جوانان تحقق تمامی آرمان ها و آرزوهای بلند خود را در پناه برپایی حکومت جهانی حضرت می بینند. از این رو اگر صحیح تربیت شده باشند و سرمایه های آنها به خوبی هدایت

شوند، به یک جریان قدرتمند برای زمینه سازی حکومت حضرت تبدیل می گردند. با استفاده و بهره گیری و جهت دهی مناسب سرمایه های ارزشمند جوانان ۲، می توان از آن در راستای حکومت جهانی حضرت مهدی و اشاعه این فرهنگ، به خوبی بهره جست. لازم به ذکر است که جهت دهی این سرمایه ها و استفاده از این نیروی شگفت، کاری بسیار حساس و مشکل است. مربی باید با آگاهی، شناخت، ایمان، اعتقاد و با همفکری و همگامی با جوانان و با ادبیاتی جوان پسند و با حوصله و صبر وافر... و نیز با حفظ جنبه الگوئی خود، به رسالت خطیر خویش عمل نماید. مربی در این مسیر می بایست به ۱. الکافی، ج ۸، ص ۹۳. ۲. سرمایه ها و امکانات جوانان همچون قدرت بدنی، هوش بالا، بیداری وجدان و احساس مذهبی، میل و رغبت به تزکیه نفس و احیای شخصیت معنوی و نیروی ایمان، آزادی خواهی و ظلم ستیزی، می تواند با قرار گرفتن در خدمت اشاعه فرهنگ مهدوی، اثرات شگرفی بر جای گذارد. آموزه های دینی از جمله این سخن گوهر بار رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم که فرمودند: « به همه شما توصیه می کنم نسبت به جوانان با نیکی و نیکوکاری رفتار کنید و شخصیت آنان را محترم بدانید، و آنان را چون وزیر و مشاوره برای خود برگزینید و در امور و حوادث آنها را همراه خویش قرار دهید»^۱ نصب العین خود قرار داده و از جوانان، مشاوره و یاری بگیرند. ضمناً متولیان تربیتی جوانان باید به این نکته توجه داشته باشند که کوچک ترین اشتباه و بی توجهی آنها می تواند سبب خارج کردن آنها از مسیر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گردد. بالأخص در دنیای امروز که دشمن در کمین آنان است. اینجاست که بنابر مضامین روایی، وقتی جوانی به سن ۲۱ سالگی می رسد و جوانی است که براساس آموزه های دینی و با بصیرت و دقت تربیت شده است، خداوند تبارک و تعالی فرشتگان را مأمور می سازد که به مادر به واسطه این تلاش آگاهانه برای تربیت نسل ولایی، خسته نباشید بگویند و به او نوید آغاز زندگی نو و بخشش تمام گناهان را بدهند. در این صورت است که مادر منتظر می تواند سربلند و با افتخار ادعا نماید که توفیق یافته نسلی منتظر تربیت کند و به رسالت خود که توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم به دوش والدین گذاشته شده بود عمل نموده و نسل خود را براساس حب اهل بیت علیهم السلام تربیت نماید. امید است که خداوند همه ما را در تربیت نسل ولایی که مهمترین رسالت ما در عصر حاضر است یاری نموده و به زنان چنان بصیرت و آگاهی عنایت نماید که پرداختن به هیچ امری را به اندازه تربیت نسل صالح و شایسته و مطیع «ولی خدا» اصیل و اساسی ندانند و با استعانت از ذات الهی و با تاسی به امام سجاد علیه السلام که فرمودند: «اللهم اعننی علی تربیت اولادی...»^۲ به تربیت نیروی انسانی جامعه مهدوی اقدام نمایند. در مجموع، با توجه به مباحث مطرح شده می توان چنین نتیجه گرفت که: پیچیدگی تربیت در عصر حاضر و همچنین تلاش بی وقفه مهاجمان فرهنگی برای تخریب فرهنگ مهدوی و جلوگیری از اشاعه این فرهنگ، اهتمام جدی مادران و آشنائی آنان با ساز و کار تربیت نسل مهدوی را می طلبد. لذا بدون بهره گیری از آداب و دستورات دین، نمی توان در تربیت نسل ولایی که یکی از مهمترین رسالت های یک مادر منتظر است، موفق بود. ۱. محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه جوان، ص ۵۲. ۲. صحیفه سجاده، دعای ۲۵.

خلاصه مطالب

در این بخش، به بررسی رسالت های شناختی زن منتظر در عرصه خانواده پرداختیم. لذا در ابتدا، اهمیت خانواده و کارکردهای آن و نیز آسیب هایی که آن را تهدید می کند، را بررسی نموده و سپس جایگاه و نقش زن در خانواده را تبیین کردیم. در پایان نیز راه های تبدیل خانواده به محل تربیت نسل منتظر و مهارت ها و ساز و کارهای ایجاد خانواده مهدوی را مرور نمودیم. از مجموع این مطالب می توان نتیجه گرفت که «زن منتظر» زمانی می تواند به رسالت خود در تربیت نسل مهدوی و مقدمه سازی ظهور عمل نماید که اصالت خانواده و نقش همسری و مادری را حفظ نموده و نسبت به فراگیری و عمل به ساز و کارها و مهارت های تربیت خانواده ای مهدوی، کوشا و ساعی باشد. منابع جهت مطالعه بیشتر: ۱. زن و خانواده در بازخوانی سیره پیامبر، محمدرضا زیبایی

نژاد. ۲. جنگ علیه خانواده، ویلیام گاردنر. ۳. خانواده ایرانی، تأملات و پرسش‌ها؛ دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. ۴. ریحانه بهشتی، سیما میخبر و همکاران. ۵. مهارت‌های زندگی با رویکرد دینی، فریبا علاسوند.

جنگ احد به لحظات حساس خویش نزدیک می‌شد عده‌ای از مسلمانان کشته و مجروح و برخی فرار کرده بودند. رسول خدا (ص) در میان معدود یاران خویش، تنها مانده بود دشمن هر لحظه به ایشان نزدیک تر می‌شد. تیغ‌های شمشیر دشمن از عطش رسیدن به پاک‌ترین خون جاری در عالم هستی، بی‌قرار شده بودند. وقت آزمون مردان از نامردان و محرمان از نامحرمان بود.... او اگر چه زن بود، ولی چنان وارد عرصه کارزار شد و جانانه از جان رسول خدا (ص) دفاع نمود که مردان پا به فرار گذاشته‌را، در تاریخ شرمنده نمود.

اشاره

جنگ تمام شده بود و دشمن مایوس؛ گرچه مجروح شده بود و حال وخیمی داشت ولی به محض صدای رسول الله را شنید که در حق او دعا می‌کردند که در بهشت همنشین حضرت باشد، التیامی وصف ناشدنی گرفت. نسیبه نه تنها در جنگ‌های احد، خیبر و حنین حضوری فعال داشت بلکه در جریان هجرت نیز در زمره مهاجرین بود. به پاس وظیفه مندی و ایشار او در لحظات حساس اجتماعی، سیاسی و نظامی که دین به یاری او نیاز داشت، خداوند نیز به او افتخار و شرافت همراهی با حضرت مهدی (عج) و توفیق انجام وظیفه در حکومت جهانی حضرت را عنایت فرمود. (به کتاب زنان نامدار، ج ۲، ص ۱۱۰ مراجعه فرمائید).

اقدام اول: جایگاه شناسی

گام اول: شناخت نقش و جایگاه اجتماع در عصر کنونی

در عصر کنونی، به واسطه حاکمیت و سیطره «مدرنیته»، جامعه داری نقش‌های جدید و تأثیرگذاری شده است. اگر در گذشته، نیازمندی طبیعی بشر به زندگی گروهی و جمعی، افراد را در کنار یکدیگر جمع نموده بود و بخشی از نیازهای خود را از طریق مشارکت اجتماعی تأمین می‌کردند، امروزه مسئله از عرصه‌های مربوط به اجتماع فراتر رفته و نهادهای مربوط به جامعه، در عرصه‌های خصوصی و خانوادگی نیز حضور جدی دارند. بطور مثال، اگر در گذشته، خانواده عهده دار تربیت فرزندان و آماده سازی آنان برای حضور در اجتماع بوده است، امروزه جامعه مدرن با نهادهای خود از جمله رسانه، سیستم آموزش و پرورش و...، بطور مستقیم به تربیت و رشد افراد جامعه اقدام می‌کند. به گونه‌ای که خانواده خلع سلاح شده و ساعاتی که فرزند در مدرسه حضور دارد و یا مشغول دیدن تلویزیون است، بیش از ساعاتی است که در اختیار والدین می‌باشد. لذا تربیت که مهمترین کارکرد خانواده است، به اجتماع و اگذار شده است. دین مبین اسلام در عین حفظ هویت فردی و خانوادگی، برای اجتماع نیز هویت ویژه‌ای قائل شده است. حضور فعال و مؤثر و برنامه‌های دقیق این دین مقدس در عرصه‌های مختلف و متنوع اجتماعی و سیاسی، حاکی از همین اهمیت است. روایاتی همچون «من مات و لم یعرف امام زمانه، مات میتة الجاهلیة: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است»^۱، نشان می‌دهد که در اسلام، هویت اجتماعی، اهمیت بسزایی دارد. اگر به این نکته توجه شود که امام، نقش رهبری و هدایت جامعه را برعهده دارد و برنامه‌ای جامع، شامل و متنوع را برای عرصه‌های فردی و اجتماعی عرضه می‌کند، ضرورت شناخت «ولی» و «امام» برای تک‌تک افراد جامعه مشخص می‌شود. یکایک اعضای جامعه می‌بایست امام را شناخته، حول محور ولایت او جمع شوند و همگی از او تبعیت کنند.^۲ لذا اسلام هم در ناحیه عرضه برنامه و دستورالعمل و هم در ناحیه هدایت و رهبری، برای اجتماع اهمیت ویژه‌ای قائل شده است و جامعه بی تفاوت نسبت به برنامه‌های اجتماعی اسلام را

جامعه ای جاهلی و دارای خصوصیات عصر جاهلیت و کفر می خواند. قراردادن نایبان خاص و عام توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت کبری و صغری، نشان از اهمیت حفظ ارتباط میان اجتماع و «ولی خدا» می باشد تا اجتماع مسلمین، قوام و پایداری خویش را حفظ نموده و از بلا تکلیفی رهایی یابد. علی رغم تمام وجوه اهمیت اجتماع در نظر اسلام، شیعه هنوز نتوانسته از تمام ظرفیت ها و کارایی های اجتماع به درستی استفاده نماید. از آنجا که شیعیان تقریباً در تمام طول تاریخ اسلام، در حالت تقیه بوده و تحت ظلم حکومتها، حالت تدافعی داشته اند، نتوانسته اند برنامه ریزی مناسبی برای حضور فعال در عرصه اجتماع و سیاست داشته باشند. این آسیب موجب شده است ۱. بخاری ابوعبدالله، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳ و تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، ج ۳، ص ۳۷۵. ۲. اینکه در روایت، از ضرورت شناخت امام سخن گفته شده، به این دلیل است که لازمه تبعیت، شناخت کافی است و اگر کسی امام را بشناسد، بی تردید تحت ولایت او درخواهد آمد. زیرا همانگونه که تبعیت بدون شناخت، جاهلانه است، صرف شناخت بدون التزام به آثار آن از جمله لزوم پیروی و اطاعت، عبث و بیهوده می شود. که اهمیت عرصه های اجتماعی کمرنگ دیده شود و لذا مصلحان اجتماعی همچون شهید مطهری رحمه الله، درصدد برآمده اند تا بار دیگر اهمیت آن را گوشزد نمایند ۱. ۱. برای آشنایی با دیدگاه شهید مطهری پیرامون اجتماع، ر. ک به: اندیشه سیاسی آیت الله مطهری، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.

کام دوم: تبیین نقش و جایگاه زن در اجتماع

زنان به عنوان نیمی از پیکره اجتماع و مهمترین عامل انتقال ارزش ها در خانواده (به عنوان واحد تشکیل دهنده اجتماع)، از نقش و جایگاه مهمی در عرصه های اجتماعی برخوردارند. به گونه ای که می توان ادعا کرد که زن می تواند عامل سعادت یا شقاوت جامعه باشد. با نگاهی گذرا به جنبش های مهم و مؤثر اجتماعی صورت گرفته در قرن بیستم، از جمله فمینیسم، پست مدرنیسم و... روشن می گردد که مباحث جنسیتی و ترسیم نوع نگاه به زنان، از اجزای مهم تمام این جنبش ها بوده است. این اهتمام به مسایل مربوط به زنان و اهمیت قائل شدن برای آنان، حاکی از آن است که بدون همراهی و کمک جستن از آنان، هیچ جنبش وسیع و تأثیرگذار اجتماعی، امکان موفقیت در نیل به اهداف خود را نخواهد یافت. اگر «عاشورا» به عنوان یکی از مهمترین جنبش های مؤثر بر جوامع انسانی، همچنان پرفروغ و اثرگذار است، به واسطه حضور فعال زنان به ویژه حضرت زینب علیها السلام در آن است. چنان که اباعبدالله الحسین علیه السلام در پاسخ به انتقاد کسانی که می گفتند چرا زنان و کودکان را با خود در این سفر دشوار همراه ساخته اید، می فرمود: «اراده الهی به این تعلق گرفته است که آنان همراه من باشند». گویی در انقلاب بزرگ عاشورا، اراده الهی بر این تعلق گرفته است که برای عاشورا شدن «عاشورا»، حضور زنان حتمی و ضروری باشد. البته ذکر این نکته ضروری است که برای شناخت صحیح نقش و جایگاه زن در جامعه، می بایست دغدغه ها، مشکلات، فرصت ها، چالش ها و تهدیدهای مربوط به جامعه را بررسی و نقش زنان را در مقابل آن بررسی کرد. بی شک پس از بررسی موارد فوق، نتیجه ای جز اذعان به اهمیت و جایگاه ویژه زنان در اجتماع، حاصل نخواهد شد. لذا بطلان نظر کسانی که حضور زنان در اجتماع را، حتی با حفظ آداب و شئون لازم، مضر و مفسده آفرین دانسته و نظر خویش مبنی بر حذف زنان از صحنه اجتماع را به عنوان نظر اسلام معرفی می کنند، روشن می گردد. در ادامه به تبیین دیدگاه اسلام پیرامون مشارکت اجتماعی زن پرداخته می شود.

کام سوم: شناخت دیدگاه اسلام پیرامون مشارکت اجتماعی زنان

در میان آرای مربوط به مشارکت اجتماعی زنان، با سه دیدگاه کلی مواجه می باشیم. عده ای بطور مطلق، با حضور زنان در صحنه

های اجتماعی مخالف بوده و برخی نیز هیچ محدودیتی برای فعالیتهای اجتماعی زنان قائل نبوده و عده ای دیگر، مشارکت اجتماعی بانوان را در صورت رعایت برخی اصول و ضوابط بلامانع می دانند. دسته اول که قائل به منع مطلق حضور و فعالیت سیاسی و اجتماعی زنان هستند، براین باورند که زن با توجه به ویژگی های روانی و فیزیکی نمی بایست در این عرصه حضور یابد. این افراد معتقدند که سلامت و سعادت زن در این است که فعالیت های اجتماعی که با طبیعت زنان سازگار نیست را به مردان واگذار کند و خود به تربیت فرزند و فعالیت های خانه پردازد. ۱. در مقابل گروه اول، دسته ای دیگر قرار دارند که قائل به جواز مطلق مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان بوده و شخصیت های برجسته ای از زنان، همچون « بلقیس » که دارای حکومتی مقتدر بوده و منشاء خدمات ارزنده ۱. قائلین به منع مطلق به آیاتی همچون آیه ۴ سوره نساء، آیه ۱۸ سوره زخرف و نیز به روایات مربوط به منع حاکمیت زن و نیز مشورت با آنان و همچنین اجماع و سیره استناد می کنند و در مجموع معتقدند که از مذاق شریعت چنین استفاده می شود که زن نمی بایست به کارهای بیرون پردازد. فراوانی بوده است و قرآن به ذکر داستان آن پرداخته است. ۱. را شاهدهی بر عدم وجود منع عقلی و نقلی از مشارکت زنان در این عرصه ها می دانند ۲. گروه سوم که نه منع مطلق را می پذیرند و نه قائل به جواز بدون قید و شرط فعالیت اجتماعی و سیاسی زنان هستند، بر این باورند که اسلام با مشارکت زنان در عرصه های اجتماعی مخالف نبوده ولیکن از حضور بدون ضابطه و حفظ حریم ها، برحذر می دارد. دین جامع اسلام، ضمن تشویق و ترغیب زنان به حضور در عرصه هایی که می تواند به شکوفایی جامعه اسلامی کمک نماید و از بروز مفسده هایی جلوگیری کند، قائل به لزوم رعایت اصول و ضوابطی همچون اصالت دادن به وظیفه مادری و همسری و رعایت آداب اسلامی معاشرت، از جمله حفظ حریم در اختلاط با نامحرم و توجه به مسئله حجاب و عفاف است. از آنجا که برنامه های حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همه حوزه ها از جمله مسایل مربوط به زنان، منطبق بر سنت نبوی صلی الله علیه و اله وسلم است، مناسب است که برای بدست آوردن دیدگاه اسلام نسبت به مشارکت زن مسلمان در عرصه های اجتماعی، نگاهی گذرا به سیره حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم بیندازیم. سیره نبوی صلی الله علیه و اله وسلم زمانی اهمیت خویش را به رخ می کشد که به این نکته توجه کنیم که قبل از بعثت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و اله وسلم، زنان از هرگونه حقوق انسانی از جمله ۱. در قرآن به داستان بلقیس، ملکه سبا اشاره شده که در دوران حاکمیت خود با ساختن سدّ مارب، به کشاورزی آن منطقه چنان رونقی داد که نقل شده میوه هایی که در سرزمین تحت حکومت او بود، در هیچ جای دیگر یافت نمی شد. از اینکه قرآن این حکایت را نقل کرده و هیچ نکته منفی پیرامون آن نگفته است، می توان فهمید که اصل این مساله در فرهنگ قرآنی، فاقد منع و اشکال است. ۲. قائلین به جواز مطلق، ضمن ردّ استناد به آیات فوق الذکر، روایات مربوط به منع حاکمیت و نیز مشورت با زنان را فاقد سند معتبر و بعضاً ارشادی دانسته و آنها را با عقل و نقل مغایر می دانند. همچنین وجود اجماع و سیره را منکر شده و صرفاً عدم جواز را مربوط به مسأله قضاوت زن می دانند. (ر. ک: مجله پیام زن، سال اول، شماره ۶، ص ۱۷). حق حیات محروم بوده و وضعیت رقت باری را پشت سر می گذراندند. اما به گواهی تاریخ، پس از فراگیر شدن دعوت الهی حضرت محمد صلی الله علیه و اله وسلم، تحوّلی عظیم در فرهنگ اعراب جاهلی نسبت به زنان به وجود آمد و آنان نه تنها از حقوق اساسی خویش بهره مند شدند، بلکه افق های جدیدی بر روی آنان گشوده شد. از جمله جلوه های مهم مشارکت سیاسی - اجتماعی در اسلام، که تأثیر بسیار مهمی در بقاء و تداوم اسلام داشت، مسئله « هجرت » بود. مهاجر با رها کردن تمامی تعلقات و وابستگی های خود و با به خطر انداختن جان و مال، به منظور حفظ دین و اعتراض به وضع موجود و به امید رسیدن به شرایط مطلوب، جامعه کفرآمیز را ترک می کند. قرآن کریم در آیات ۹۷ و ۹۸ سوره نساء، زنان را همچون مردان مکلف به هجرت به منظور حفظ دین و کفرزدایی از جامعه می داند و لذا شاهد حضور فعال زنان در این حادثه عظیم و سرنوشت ساز اجتماعی هستیم. ۲. از دیگر عرصه های اجتماعی که در آن، اسلام برای زنان، هویت و جایگاه قائل شد، مسئله « بیعت » است. بیعت در اندیشه دینی، از جایگاه والایی برخوردار است و بیعت کننده براساس آن، ملزم به

رعایت اوامر و دستورات والی می گردد و خود را متعهد به انجام تکالیفی می گرداند که والی بر عهده او می گذارد. لذا می توان بیعت را وسیله اقتدار دولت اسلامی دانست که در تاریخ اسلام، نقش ویژه ای در حفظ بنیان حکومت نوپای اسلامی داشته است. در این امر بسیار مهم نیز زنان دوشادوش مردان حضور داشته و پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم همانگونه که برای مردان شرایط بیعت را فراهم کردند، برای زنان نیز این امکان را ایجاد نمودند. حضور زنان در این امر اجتماعی-سیاسی چنان فراگیر بود که اولین بیعت پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم را « عقبه اولی » یا « بیعة النساء » نامیدند.^۳ سیره معصومین علیهم السلام به ویژه حضرت زهرا علیها السلام نیز به روشنی حکایت از جواز مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در صورت حفظ اصول و ارزش ها دارد. ۱. هجرت به حبشه و نیز هجرت از مکه به مدینه، از جمله هجرت های مهم مسلمانان در صدر اسلام است که در هر دو، زنان حضور فعالی داشتند. ۲. در تاریخ، نام زنانی همچون حضرت زهرا علیها السلام (دختر پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم) اسماء بنت عمیس، ام سلمه و فاطمه بت اسد به عنوان زنان مهاجر آورده شده است. ۳. این بیعت در زمانی صورت پذیرفت که مسلمانان به شدت از جانب کفار تحت فشار بودند در بیعت « عقبه ثانی » نیز حضور زنانی همچون نسیمه دختر حارث، نسیمه دختر کعب، ام صنیع و اسماء، حضوری فعالانه بود و با پیامبر عهد و پیمان بستند که همانگونه که حافظ خانواده خود هستند، حافظ و یاریگر پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم نیز باشند. حضور زنان در بیعت رضوان در جریان فتح مکه که در شأن آن، آیه ۱۲ سوره ممتحنه نازل شد. و نیز بیعت با امیر المومنین علیه السلام در روز غدیر که در حدیث اما م صا دق علیه السلام در بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۱۲، به آن اشاره شده است، از دیگر جلوه های درخشش زنان در صحنه های سیاسی و اجتماعی است.

کام چهارم: شناخت عصر ظهور و جایگاه زن منتظر در آن

اشاره

پس از بررسی اهمیت اجتماع در عصر کنونی و جایگاه و نقش زن در اجتماع و نیز آشنایی اجمالی با سیره نبوی صلی الله علیه و اله وسلم در مشارکت دهی زنان در عرصه های سیاسی و اجتماعی، نوبت به آن می رسد که جایگاه زن منتظر در جامعه آخرالزمان مورد کنکاش قرار گیرد. بی شک جامعه در دوران آخرالزمان دارای تحولات عمده ای شده و با شاخص های جامعه مهدوی، تفاوت های چشمگیری خواهد داشت. به تبع آن، جایگاه و نقش زنان منتظر نیز حساس و خطیر خواهد بود. لذا برای ترسیم این حساسیت، ابتدا به مقایسه اجمالی وضعیت جامعه در آخرالزمان و عصر ظهور پرداخته و سپس جایگاه زنان منتظر در جامعه مورد بازخوانی قرار می گیرد.

۱. جامعه آخرالزمان

پیش از این به تفصیل پیرامون وضعیت دوران آخرالزمان و روایات مربوط به آن سخن گفته شد و بیان گردید که جاهلیت مدرن، شباهت فراوانی به خصوصیات مذکور در روایات مربوط به آخرالزمان دارد. جامعه بشری در عصر کنونی از مشکلات و گرفتاری های عدیده ای همچون: فقر، ظلم، تبعیض، گرسنگی، بیماری های لاعلاج، نا امنی، فساد و... رنج می برد؛ به گونه ای که امان آن را بریده است. هر روز در حالی که بر ثروت اقلیت زراندوز افزوده می شود، عدّه زیادی به خاطر فقر و گرسنگی، جان خویش را از دست می دهند. ظلم و تبعیض به جایی رسیده است که هیچ ملجأ و دادگاه صالحه ای برای شکایت از آن وجود ندارد و

کشورهایی چون اسرائیل، به صورت رسمی دست به قتل عام و کشتار زنان و کودکان می زنند و آن را حق مسلم خود می دانند. بیماری های لاعلاجی همچون ایدز، سرطان، هپاتیت و... هر روز عدّه بیشتری را به کام مرگ می کشد. نا امنی و فساد و تباهی، هویت و ارزش های انسانی را به سرحدّ سقوط به مرزهایی پست تر از حیوانیت رسانده است و...

۲. جامعه عصر ظهور و حکومت جهانی

اشاره

از آنجا که رسالت زن منتظر، زمینه سازی برای عصر ظهور است، می بایست شناخت کافی از دوران پس از ظهور کسب نماید تا در پرتو آن، پلیدی های اجتماع کنونی را بیشتر شناخته و به حرکت خویش جهت تحقق دوران امید آفرین، انگیزش بخش و سراسر امن و آسایش عصر ظهور، شتاب بخشد. مادران منتظر، با بهره گیری از این معرفت و آگاهی، برای فرزندان خود از ویژگی های عصر ظهور سخن گفته و بدین وسیله، میل و رغبت به ظهور حضرت را در اعضای خانواده خود و به تبع آن، اعضای جامعه، شعله ور می نمایند. به همین منظور نگاهی اجمالی به اوضاع اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه عصر ظهور می اندازیم.

۱-۲. وضعیت اقتصادی در عصر ظهور

درحالی که در دکتترین حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قبل از هر گونه اصلاح اقتصادی، تأکید بر برقراری عدالت اجتماعی می شود و اصل اولیه، توسعه عدالت و از بین بردن زمینه ظلم و تعدی چپاولگران اقتصادی می باشد، عینیت عدالت اجتماعی به شکل کامل آن، موجب شکوفایی همه جانبه و فراگیر ۱۵۵ اقتصادی شده و شکاف عمیق فقیر و غنی از میان برداشته می شود. مردم در پناه حکومت جهانی مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنقدر بی نیاز و غنی می گردند که دیگر خلاء مالی وجود نخواهد داشت تا لازم باشد بوسیله زکات و صدقات و... آن را پر نمود. از این رو افرادی که مکلف به پرداخت زکات می شوند، هیچ فقیری را برای پرداخت زکات مال پیدا نمی کنند و همه اعلام بی نیازی می نمایند. نکته قابل توجه در نظام اقتصادی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که به جهت پیوندی که بین اخلاق و اقتصاد برقرار می شود و به جهت رشد اخلاقی و معنوی که جامعه پیدا می کند، مردم به یک غنای روحی و اخلاقی می رسند که این غنای روحی، موجب کاهش حرص و ولع نسبت به دنیا و دنیاخواهی می گردد و از این رو از دنیا به اندازه عفاف و کفاف می طلبند و هر گونه زیاده طلبی در مردم رخت بر می بندد و احساس بی نیازی نسبت به دنیا می نمایند. نکته قابل توجه این است که حتی در انجام معاملات از یکدیگر سود نمی گیرند ۱. تکامل اخلاقی از یک سو و از سوی دیگر، بهره برداری کامل از معادن و منابع زیرزمینی در پرتو دسترسی به شیوه های تسلط بر منابع، موجب دسترسی کامل به معادن و منابع زیرزمینی و مواهب طبیعی می گردد. در روایتی که از امام علی علیه السلام وارد شده، حضرت در توصیف این مساله می فرمایند: « زمین میوه های دل خود (معادن طلا و نقره) را برای او (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد» ۲. و نیز در جای دیگر فرموده اند: « زمین برکت های خود را بیرون می ریزد و هر حقی به صاحبش برگردانده می شود» ۳. در روایاتی دیگر، به تولید زیاد محصولات کشاورزی در دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می شود. چنانکه در حدیثی آمده است که « در دولت او حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آب ها فراوان می شود و نهرها گسترش می یابد و زمین، ۱. سبحانی، حسن، مروری بر وجوه اقتصادی حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ص ۹. ۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸. ۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۴۶۵. ۱۵۶ محصولات خود را چند برابر می کند. ۱ رونق کشاورزی در حکومت حضرت در

حدی است که امام علی علیه السلام در توصیف آن می فرماید: « چون قائم قیام کند، آنقدر باران می بارد و زمین گیاه می رویند و زمین سرسبز می گردد، که زن از عراق به شام می رود و جز بر زمین های سرسبز گام نمی نهد». ۲ از دیگر نتایج رخدادهای عصر ظهور این است که مجموعه اقدامات اصلاحی اقتصادی حضرت و کارکردهای مناسب عمرانی در دولت وی، منجر به ایجاد رفاه می گردد. به طوری که در دکتین اقتصادی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر رفاه اقتصادی و بهره داری مردم از امکانات تأکید فراوان شده است و دولت موظف به ایجاد رفاه می باشد. در این راستا در روایات آمده است: «در آن زمان امت من چنان از نعمت برخوردار می شوند که هرگز آفتی آنچنان از نعمت برخوردار نشده باشد. سرتاسر زمین محصول می دهد و هیچ چیز را از آن دریغ نندارد. اموال انبوه می شود؛ هر کس نزد مهدی آید و درخواست کمک مالی نماید بی درنگ به او کمک می شود». ۳ امام علی علیه السلام نیز در تبیین این وضعیت می فرماید. « اگر شما از منجی شرق (مهدی) پیروی کنید شما را به روش پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم آورد تا از رنج طلب و سختی (برای دستیابی به وسایل زندگی) آسوده باشید و بار سنگین (زندگی) را از شانه هایتان بر زمین بنهید». ۴ از اهداف استراتژیک اقتصادی در دکتین مهدویت، حرکت دولت به سمت بی نیازی و استغنائی واقعی مردم با دادن امکانات فراوان و رفع حاجت های مختلف زندگی است. به طور مثال، این روایت به خوبی بیانگر استغنائی مادی و معنوی مردم عصر ظهور است: « اموال و ثروت ها را به طور ۱. صافی گلپایگانی، لطف الله؛ منتخب الاثر، ص ۵۸۹، ح ۳. ۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷، ح ۱۱. ۳. منتخب الاثر، ص ۴۷۳. ۴. اصول کافی، ج ۸، ص ۶۴. ۱۵۷ صحیح در میان مردم به صورت مساوی تقسیم می کنند...، دل های پیروان محمد صلی الله علیه و اله وسلم را پر از بی نیازی می کند و عدالتش همه را فرامی گیرد تا آنجا که دستور می دهد هر کس نیاز مالی دارد برخیزد. هیچ کس جز یک نفر بر نمی خیزد. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف دستور می دهد مال قابل ملاحظه ای به او بدهند. اما او به زودی باز می گردد و پشیمان می شود که چرا آزمند و حریص بوده است ». ۱ از این مجموعه روایات که ذکر شد چند نکته به دست می آید: ۱. علت رفع فقر و فزونی امکانات، به بهره مندی و کسب رضایت و آرامش خاطر از ناحیه عمل به ارکان اسلام و تعمیق فضای عدالت برمی گردد. ۲ در این دکتین، برخلاف دکتین اقتصادی جهانی سازی که در آن، به کوره حرص و ولع دنیاخواهی انسان دمیده می شود و روز به روز با ایجاد نیازهای کاذب، انسان را نسبت به کسب دنیا حریص تر می کند، مردم تحت رهبری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دل های مملو از غنائی معنوی خواهند داشت و خلق و خوی زشت « حرص » از سرزمین دل ها ریشه کن می گردد. همان حرصی که سرچشمه بسیاری از تلاش های بیهوده ثروت اندوزان تهی مغز است که با داشتن هزاران برابر سرمایه مورد نیاز زندگی، باز هم دست و پا بر جمع ثروت فزون تر می کنند... ۲۳. عامل دیگر بی نیازی مردم در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرهیزکاری، پایبندی به اخلاق و عمل به دستورات الهی است. چرا که خداوند وعده داده ۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الاثمه، ج ۲، ص ۴۸۲. ۲. چرا که در چنین شرایطی، امکانات اقتصادی، یک وسیله برای نیل به اهداف متعالی و بلند است، و نگاه ابزاری به مسائل اقتصادی، حرص و ولع شدید انسان را در جمع آوری مال و ثروت می کاهد و در حد کفایت، همه از نظر اقتصادی بی نیاز می باشند. روایت نشان می دهد که آن فرد هم که اعلام نیاز می کند و بر می خیزد، غنائی روحی نداشته است و گرفتار حرص و آز بوده و گرنه از نظر مالی بی نیاز بوده است. (ر. ک به: کارگر: رحیم، آینده جهان، دولت و سیاست در اندیشه مهدویت، ص ۳۴۵). ۳. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۰۳. ۱۵۸ است که در این صورت، برکات آسمان و زمین بر مردمان نازل می گردد. ۳. تلاش دولت مهدوی در راستای تحقق عدالت اجتماعی، منجر به محرومیت زدایی، پرداخت بدهی بدهکاران، رد و جبران مظالم و دیون و تهیه امکانات ضروری زندگی (تغذیه و مسکن) می گردد. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «در دوران حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدهکاری نمی ماند جز اینکه بدهی اش را پرداخت می کند و حق کسی را دست کسی (باقی) نمی گذارد جز اینکه بدهی اش را پرداخت می کند و حق کسی را در

دست کسی باقی نمی گذارد جز اینکه از او می ستاند و به صاحب حق باز می گرداند. کسی کشته نمی شود، مگر اینکه دیه او را به صاحبانش تسلیم می کند و آن کس که کشته شد بدهی اش را می پردازد و زندگی خانواده او را تأمین می کند؛ تا اینکه سراسر زمین را از قسط و عدل پر می سازد...» ۱۲. در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خاطر شکوفایی دینی و معنوی و رعایت کامل دستورات الهی، نعمتهای آسمان و زمین بر آنان فزونی می یابد و مواهب طبیعی و معادن برای مردم ایمانی رخ نمایند. (رک به: آینده جهان، دولت و سیاست در اندیشه مهدویت، ص ۳۴۰). ۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵.

۲-۲. وضعیت سیاسی در عصر ظهور

در نظام حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ضمن اینکه «آزادی» عنصری شریف و موهبتی الهی و شرطی برای تعالی و ترقی و تکامل مادی انسان محسوب می شود، اما آزادی با احکام و حدود الهی تحدید می شود. در فرهنگ مهدوی، آن آزادی سعادت آفرین است که از حدود الهی تجاوز ننماید ۳. در حکومت مهدوی ضمن اینکه از آزادی های مشروع دفاع می شود، از آزادی های نامشروع جلوگیری می شود. در دکتترین سیاسی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دشمنان کسانی هستند که بر سر راه تحقق اهداف حکومت ایجاد مشکل و مانع نموده و یا پرچم مخالفت بر علیه امام بلند نمایند. سیاست حکومتی امام در برابر چنین افرادی برخورد ۳. بطور مثال، آزادی استفاده از غریزه جنسی اگر در محدوده حدود الهی باشد موجب هلاکت جامعه و ایجاد مفاسد اجتماعی می گردد. قاطعانه و صریح می باشد. طبق روایات وارده از امام صادق علیه السلام، سیاست حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قهر و غلبه بر دشمنان است ۱۰۱ البته بنابر فرمایش ایشان، حضرت با اهل ذمه، از راه مسالمت آمیز وارد می شود ۲. به هر حال جنگ و نبرد بی امان و قاطع امام، با تمامی مستکبران و ظالمان عالم است. ایشان تمامی مستکبران را از اریکه قدرت به زیر خواهند کشید و به جای آنها، مستضعفان عالم را حاکمان روی زمین قرار می دهد و به این وسیله وعده الهی در قرآن تحقق می یابد که: «و نريد ان نمنّ على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين: و می خواستیم به کسانی که در زمین، به زبونی کشیده شده اند منت نهیم و آنها را پیشوایان (مردم) گردانیم و ایشان را وارثان (زمین) کنیم». ۳. در دکتترین سیاسی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هرگونه حاکمیت، متعلق به انسان های صالح می باشد. ۴. تمکن و قدرت برای آنها خواهد بود و با اقتدار تشکیل اجتماعی صالح را می دهند و امنیت و آرامش را برای خود و دیگران به ارمغان می آورند. در نظام سیاسی حکومت حضرت، کسانی که به قدرت دست می یابند دچار مستی و غرور نمی شوند و به ستم و تجاوز نمی افتند. چرا که ریشه تعدی و تجاوز، عدم تزکیه درون است و صالح نبودن و مؤمن واقعی نبودن، موجب می شود که حاکمان جدید که خود بر علیه ظالم قیام نموده اند، تبدیل به ظالمانی جدید شوند. ۱. وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۷. ۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۷. ۳. قصص / ۵ / ۱۰۴ این آیه شریفه قرآن نیز به این مهم اشاره دارد: «وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم و...: خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنها را در زمین جانشین کند چنان که اسلافشان را جانشین کرد. (نور / ۵۵). همانطور که از این آیه کریمه استفاده می شود، در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤمنین و موحدی به خلافت می رسند و انسان هایی صالح و رستگارانند که حاکمیت پیدا می نمایند.

۲-۳. وضعیت فرهنگی در عصر ظهور

توجه به امور فرهنگی در دکتترین حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جایگاه ویژه ای داشته و بالأخص «تعمیق فرهنگ دینی»، در رأس برنامه های فرهنگی دولت مهدوی قرار دارد. دولت مهدوی، دولت شکوفایی فرهنگی است. رشد شاخص

های توسعه فرهنگی مثل رشد علم و فن آوری اطلاعات، رشد معنویت، اخلاق و... موجب توسعه فرهنگی در عصر ظهور خواهد بود. به طوری که مهمترین شاخص رشد فرهنگی در عصر ظهور، احیای دین به عنوان مهمترین عامل فرهنگ ساز و توجه و رغبت عمومی به احکام دین، در حد بسیار بالا می باشد. در این حکومت، مردم به گونه بی سابقه به اسلام روی می آورند و با رشد عقلی که پیدا می کنند، عمل به احکام دین اسلام را مهمترین عامل رشد و توسعه می دانند. ضمناً علاوه بر رویکرد مردم به دین، یکی از کارکردهای اساسی فرهنگی در دکتترین مهدویت، زدودن ناخالصی ها و خرافات و مسائل غیرواقعی از دین اسلام است و چهره واقعی دین، همانطور که پیام آور اسلام صلی الله علیه و سلم آن را آورده است به مردم معرفی می گردد. خرافه زدائی و زدودن مسائل غیرواقعی در دین و عمل به احکام دینی از سوی دیگر، به حدی چهره دین اسلام را تغییر می دهد که مردم گمان می کنند حصرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دین جدیدی را آورده است. امام صادق علیه السلام در همین زمینه فرمودند: «عن ابی عبدالله: اذا قام القائم علیه السلام دعا الناس الی الاسلام جدیداً و هداهم الی امر قد وتر فضل عنه الجمهور: زمانی که قائم قیام کند، مردم را دوباره به اسلام فراخواند و آنها را به چیزی راهنمایی خواهد کرد که مهجور گشته است و مردم از آن گمراه شده اند.»^۱ با توجه به اینکه آخرین دین الهی، دین اسلام است که توسط پیامبر اعظم صلی الله علیه و سلم برای مردم آمده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم، خاتم الانبیاء هستند، از این رو منظور از امر جدید، دین جدید نیست بلکه منظور این است که در این امر جدید، اولاً برخی از ۱. لکورانی، علی، معجم الاحادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۴، ص ۵۲. احکام که فقط برای پیامبر صلی الله علیه و سلم و امام، معلوم است و هنوز برای مردم ابلاغ نشده است (مثل احکامی که موضوعات آنها در عصر پیامبر و ائمه وجود نداشته؛ مانند پیوند اعضاء و یا سایر مسائل مستحدثه)، ثانیاً احکامی که به مسلمین ابلاغ شده بود ولی گذشت زمان و اعمال نظرهای شخصی برخی از آنها را تغییر داده است و ثالثاً موانع دستیابی به احکام حقیقی برداشته می شود. از همه مهمتر، عمل به احکام الهی چنان وضع جامعه را دگرگون می کند که گویی دین جدید و جامعه ای متفاوت از جامعه قبلی است.^۱ یکی دیگر از عوامل مهم فرهنگ ساز، شکوفایی اندیشه و عقل بشر است که در عصر ظهور با گسترش علم و فناوری، دانش و علم در هر خانه ای نشر و حلقه های درس و علم آموزی برای مردان و زنان در اجتماعات مختلف ایجاد می گردد، رشد عقلی و فکری و علم هم به اوج خود می رسد. با عنایت الهی و به برکت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مغزها در مسیر کمال به حرکت در می آیند و اندیشه ها شکوفا می شوند. چنانکه در روایت آمده است: «اذا قام قائمنا وضع الله یدیه علی رؤس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم: هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند خداوند دستش را بر سر بندگان می گذارد و بدان وسیله عقل های آنها را جمع و افکار ایشان را کامل می کند»^۲. شکوفایی علم و اندیشه بشریت در عصر ظهور، موجب از بین رفتن کوته بینی ها و تنگ نظری ها و برخورد های خشونت آمیز اجتماعی می گردد و در مقابل، مردمی بلند نظر، با افکاری باز و سینه های گشاده و همتی والا و بینشی وسیع پرورش می یابند.^۱ امام کاظم علیه السلام در مورد حکومت الهی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ذیل آیه «اعلموا ان الله یحی الارض بعد موتها» خداوند زمین را پس از مرگ زنده می کند» (حدید/ ۱۷). می فرماید: «منظور این نیست که خداوند زمین را با باران زنده می کند بلکه خداوند مردانی بر می انگیزاند که زمین را با زنده گردانیدن عدل و اقامه حد در آن، زندگی بخشند و اقامه حد در زمین برای آن مفیدتر است تا چهل روز باران بیایی» (موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۸۱).^۲ صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۴۸۳. علاوه بر آنچه که گذشت، مساجد به عنوان اصلی ترین و سالم ترین پایگاه های فرهنگ سازی در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد توجه و عنایت خاص قرار می گیرند. از این رو طبق روایات وارده، اصلاح مساجد، یکسان سازی مساجد از نظر برخورداری از امکانات در رأس برنامه های فرهنگی حضرت قرار دارد.^۱ البته ضمن اینکه مساجد بازسازی و تقویت می شوند، مساجدی که برخلاف دستور خداوند بنا شده و اساس و بنیان آنها بر تقوی نمی باشد بنا بر دستور حضرت، تخریب می گردد.

(بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۹). علاوه بر آن، مساجدی که در سر راه جاده قرار گرفته و یا مساجدی که مشرف به خانه های مردم می باشد، همگی تخریب می شوند. (مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین، ج ۲، ص ۱۰۹) و با هرگونه بدعت و نوآوری در امر ساخت و ساز مساجد مبارزه می شود. (کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۳، ص ۲۰۸).

جمع بندی وضعیت جامعه در عصر ظهور

در پرتو شکوفایی اقتصادی، حاکمیت صالحان در رأس قدرت و ارتقای چشمگیر سطح علمی و فرهنگی جامعه، آرامش، امنیت و صلح جهانی فراگیر بر گیتی حکمفرما می شود. این امنیت اجتماعی که محصول توازن و اصلاح در سایر مؤلفه ها می باشد، شهد شیرین خود را به مردمان جهان می چشاند. حضرت برای برقراری این امنیت اجتماعی، در آغاز حکومت خود، بیعت هایی را از مردم می گیرند که بنابر حدیثی که از امام علی علیه السلام وارد شده است، از جمله مفاد این بیعت ها این است که: «دزدی نکنند، مرتکب زنا نشوند، به مسلمانی فحش و دشنام ندهند، هتک حرمت کسی را نکنند، به خانه ای هجوم نبرند، کسی را بدون دلیل نزنند، طلا- و نقره و گندم و جو ذخیره نکنند، راهزنی نکنند، راهی را نا امن نکنند و مواد غذائی را احتکار نکنند...». حضرت شروطی را هم برای خود می گذارند از جمله اینکه: «مانند مردم رفتار کنند، از نوع لباس آنان بیوشند، مرکبی همانند آنان سوار شوند، به اندک قناعت کنند، زمین را از داد پر کنند، خدا را چنانکه شایسته است عبادت کنند، حاجب و دربان برای خود قرار ندهند»^۱. با توجه به تدابیر حکومتی حضرت از جمله این گونه بیعت ها، نا امنی اجتماعی از بین می رود و جامعه ای شاداب و پویا، ایجاد خواهد شد.^۲ یکی دیگر از گام های اساسی برای ایجاد جامعه ای پویا، رفع کینه ورزی و اختلافات بین مردم است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همچون پیامبر اعظم صلی الله علیه واله وسلم که بذراخت را در میان اصحاب خود پاشیدند، برادری خالصانه و اخوت فراگیر و جهانی را بین مسلمین ایجاد می نمایند. در مجموع می توان گفت که در جامعه مهدوی، یک حکومت واحد جهانی به اداره امور می پردازد و در پرتو آن، دنیا پر از رفاه و آسایش و امنیت شده و زندگی مؤمنانه جایگزین ستم و ریا و تزویر خواهد شد. در زمینه سازی، ایجاد و بقای چنین جامعه ای، حضور فعالانه زنان ضروری است. چراکه پیش از این بیان شد که زنان در سعادت و یا شقاوت جامعه، نقشی غیرقابل انکار دارند. اگر زن مسلمان، جایگاه و نقش خویش را به درستی نشناسد و بدون حفظ اصول و حریم ها وارد محیط اجتماع شود، کارکردی فراتر از آنچه که زن هویت باخته غربی به آن دچار شده، نخواهد داشت. از سوی دیگر، چنانچه زن منتظر، بصورت منفعلانه با اجتماع برخورد کند و نسبت به اهمیت آن غافل باشد، جامعه را از نقش سازنده خود در اصلاح^۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۳۰۹. ۲. همانطور که در روایات متعددی آمده است. «تأمن السبیل حتی تمشی المرأة بین العراق و الشام لا- تضع قدمیها الأعلی انبات و علی رأسها زینتها و لا یهیجها سبع و لانخافه: راهها امن می شود تا جایی که زن تنها راه عراق و شام را طی می کند در حالی که در چمن زارها قدم می گذارد و زینت هایش بر سرش قرار دارد، هیچ حیوانی مزاحم او نمی شود و از هیچ چیز نمی ترسد.» (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۲)، و یا در روایات آمده است: «حتی تخرج العجوز الضعیفه من المشرق ترید المغرب فلا ینتها احداً: پیرزن ناتوانی از شرق تا غرب می رود و کسی به او آسیب نمی رساند.» (کاظمی، سید مصطفی، بشاره الاسلام، ص ۲۳۰). و فرهنگ سازی، محروم نموده است. مهم آن است که مرز حساس میان افراط و تفریط در بها دادن به اجتماع را بشناسد و نه خانواده و رسالت های فردی خود را فدای اجتماع نماید و نه اجتماع را از کارکردهای مثبت خویش، محروم سازد. ۱ ۱. متأسفانه، نظام سرمایه داری بواسطه اصول بنیادین خویش همچون فردگرایی، منفعت محوری و لذت جویی، مشارکت اجتماعی را به فعالیت در اجتماع به منظور کسب درآمد و سود تعریف نموده است. زنان غربی نیز تحت اغوای این تعریف ناصحیح خانواده را به بهای اشتغال و کسب درآمد رها نموده و به ابزار تبلیغاتی و کارگرهای ارزان قیمت

شرکت های سرمایه داری بدل گشته اند. حال آنکه کارکردهای اجتماعی زنان بسیار فراتر از این حد بوده و آنان در ایجاد صلح، آرامش، تربیت و معنوی سازی جامعه نقش بی بدیلی دارند. لذا زنان علاوه بر امکان فعالیت در قالب مؤسسات خیریه و سازمان های مردم نهاد (NGO)، در صورت لزوم انجام فعالیت های درآمد زاء، می بایست به گزینه های اشتغال پاره، وقت و نیمه وقت پردازند تا دچار افراط، در فعالیت های اجتماعی و غفلت از خانواده نشوند.

اقدام دوم: رسالت شناسی

گام اول: مشارکت در زمینه سازی ظهور

اشاره

فراهم نمودن زمینه و شرایط برای ظهور حضرت، مهمترین وظیفه زنان منتظر است و باید با انسجام و هماهنگی و با یک خیزش بزرگ فرهنگی، زمینه و بستر لازم را برای حضور فراهم نمایند. برای فراهم نمودن زمینه ظهور که مهمترین وظیفه منتظران در قبال امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است باید با نشانه های زمینه سازان ظهور که در روایات به آنها اشاره شده، آشنا شویم تا با ایجاد این نشانه ها در خودمان، به صورت عملی، بستر ظهور را فراهم نماییم. در روایات، ویژگی ها و نشانه هایی برای زمینه سازان آمده است که برای نمونه به برخی از آن ها اشاره می گردد:

۱. ویژگی های زمینه سازان ظهور

۱-۱. صلابت و استواری

یکی از ویژگی های بارز زمینه سازان ظهور، صلابت، نیرومندی و استواری است. حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در روایتی که محمد بن یعقوب کلینی آن را در ذیل آیه « فاذا جاء وعد اولهما بعثنا علیکم عبداً لنا اولی باس شدید» ۱ آورده، بندگان سخت نیرومند، را همین قشر (زمینه سازان ظهور) توصیف کرده است. قلوب زمینه سازان ظهور که مرکز احساسات و عواطف است، در مقابل شیاطین و طاغوتیان به تکه های آهن بدل شده و هیچگونه انفعالی از خود در مقابل برنامه های شوم دشمن نشان نمی دهند: « قلوبهم کزبرالحدید لا تزلهم الریاح العواصف» ۲. یکی از معضلات جدی ما، برخورد انفعالی در تعامل فرهنگی با دشمن است. در حالی که منتظران و از جمله زنان منتظر، باید با صلابت و محکمی در مقابل برنامه های شوم دشمن برای استحاله فرهنگی زنان بایستند و هیچ گونه انفعالی از خود نشان ندهند. اگر زنان منتظر همچون سدی محکم در مقابل برنامه های تهاجمی دشمن بایستند و طوفان حوادث و تهاجمان سهمگین، ذره ای در آنان تزلزل ایجاد نکند، بخش اعظمی از نقشه های دشمن، نقش بر آب خواهد بود و اهداف آنان تحقق پیدا نمی کند. تجربه تاریخی این مسأله را تأیید می کند که در جامعه ای که زنان در مقابل استعمارگران ایستاده اند، جز شکست و نابودی، ارمان دیگری نصیب چپاولگران نگردیده است. ۱. « هنگامی که نخستین وعده فرارسد، گروهی از بندگان پیکارجوی (و سخت نیرومند) خود را بر ضد شما می انگیزیم (تاشما را سخت درهم کوبند) » (اسرا/۵). ۲. بحا رالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

۱-۲. اهل مبارزه

یکی دیگر از ویژگی های زمینه سازان ظهور، این است که اهل نبرد و مبارزه در مقابل دشمن می باشند. « لایملون من الحرب: از مبارزه با دشمن خسته نمی شوند»^۱. البته مبارزه گاهی نظامی است و گاهی فرهنگی و در حال حاضر ما در یک نبرد فرهنگی بی امان با دشمن هستیم و کسانی زمینه ساز ظهورند که از این نبرد خسته نشوند و به مبارزه خستگی ناپذیر در عرصه های فرهنگی با دشمن پردازند. زنان منتظر به عنوان فرهنگ سازان جامعه در این راستا می توانند نقش آفرینی جدی داشته باشند و از سنگرهای فرهنگی خانه و جامعه خود بصورت بی امان و خستگی ناپذیر دفاع نمایند. زن منتظر باید با هر مظهر ناپسندی از مظاهر فرهنگ غرب به مبارزه پردازد و اجازه نفوذ فرهنگ بیگانه را به خانه های خود ندهد.

۱-۳. همدلی و همراهی یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

همدلی و همراهی مهدی یاوران، رمز اصلی موفقیت برای بسترسازی ظهور است. در اهمیت این مطلب همین بس که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یکی از توقیعات شریفه خود به این مسأله اشاره می نمایند و می فرمایند: « اگر خداوند به شیعیان ما توفیق همدلی در وفای به عهدی که برایشان است عنایت می فرمود، دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی افتاد. چیزی ما را از ایشان محبوس نکرده است مگر اعمال ناپسندی که از آنها به ما می رسد»^۲. مضمون این توقع نمایانگر این مسأله است که طولانی شدن غیبت نتیجه عدم همدلی شیعیان است و همدلی شیعیان می تواند عاملی برای تعجیل در ظهور باشد. بدین جهت، از جمله شرایط مهم زمینه سازان، همدلی و همراهی با هم است. به امید آنکه زمانی فرا رسد که علی رغم وجود اختلاف سلیقه، تشدد آراء و افکار و برنامه ها، تفرقه و جدائی تبدیل به همدلی و همراهی گردد و شیعیان بتوانند با بهره گیری از تمامی ظرفیت های موجود، بستر ظهور را فراهم نمایند. ۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶. ۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۶.

۲. زن منتظر و مشارکت در تشکیل دولت زمینه ساز ظهور

اشاره

به برکت انقلاب اسلامی، جهانیان شاهد اعتلا و عزت اسلام، دفاع از مظلومین، ارائه الگوی نوین حکومت دینی و در نتیجه، ایجاد اعتماد به نفس در مسلمانان و آزادی خواهان جهان بودند که افزایش رغبت مردم به اسلام، بهترین گواه آن است. با نگاهی به آیات و روایات، انقلاب اسلامی را می توان یکی از عوامل و بسترهای مهم زمینه ساز ظهور دانست. به طور نمونه، در آیه ۵۴ سوره مائده، ۱ خداوند نسبت به کسانی که کوتاهی می نمایند، هشدار می دهد که خداوند جمعیتی که آنان را دوست دارد و آنان نیز خداوند را دوست دارند و متواضع و جهادگرند، جایگزین آنان می کند. هنگامی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره این قوم سوال شد، به سلمان فارسی اشاره کردند و فرمودند: «منظور این مرد و یاران و هموطنان او هستند»^۲. سپس فرمودند: « اعظم الناس نصیباً فی الاسلام، اهل الفارس: نصیب و بهره ایرانیان در اسلام، از همه ملت های دیگر افزون تر است»^۳. از امام کاظم علیه السلام نیز روایت شده است که: «مردی از قم، مردم را به سوی خدا دعوت می کند. افرادی گرد او جمع می شوند که قلب های ایشان همچون پاره های آهن سستبر است؛ تند بادهای حوادث، آنان را نمی لغزاند، از جنگ خسته نشده و نمی ترسند؛ اعتماد آنان برخداست و سرانجام کار، از آن پرهیزگاران است»^۴. همچنین در روایت دیگری آمده است که « یرج الناس من المشرق، ۱. یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه اذله علی المؤمنین اعزة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله و لایخافون لومة لائم... ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما از دینش برگردد، خدا به زودی جمعیتی را به

عرصه می آورد که دوستشان دارد و دوستش می دارند؛ با مؤمنان افتاده و با کافران سخت گیرند، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامت گری نمی ترسند» (مائده/ ۵۴). ۲. ر. ک به: طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۸ و نورالثقین، ج ۱، ص ۶۴۲. ۳. ر. ک به: الممتقی الهندی، علاءالدین علی، کنز العمال، ص ۱۰، ح ۳۴۱۲۶. ۴. ر. ک به: بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶. ۱۶۸ فیوٹون للمهدی سلطانه: مردمانی از مشرق قیام می کنند ۱ و زمینه را برای انقلاب جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می سازند. ۲. باتوجه به مطالب فوق، روشن می گردد که انقلاب اسلامی، می تواند یکی از عوامل بسیار مهم تسهیل کننده ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. ۳. به تعبیر معمار بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی قدس سره: «انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن چه من دارم و آن چه از انقلاب داریم از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.» ۴. آن چه وظیفه ماست حفظ و حراست از آن است و می بایست به تعهدات خویش در مقابل آن پایبند باشیم. یکی از این تعهدات، ممانعت از افتادن انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان می باشد. عرصه های انتخابات، بالأخص زمینه سازی برای تشکیل دولت اسلامی، یکی از مهمترین راه های حراست از انقلاب است. زنان به عنوان نیمی از اعضای جامعه، نقش کلیدی و مؤثری در تشکیل دولت اسلامی بر عهده دارند و لذا آراء زنان در انتخابات گوناگون، همیشه سرنوشت ساز و تعیین کننده بوده است. آنان با بصیرت و آگاهی و با انتخاب شایسته خود و نیز ترغیب دیگران به انتخاب مناسب، می توانند دولتی معتقد به مبانی دولت مهدوی و متعهد به فرهنگ انتظار را در رأس امور قرار دهند. ۱. در کتاب «عصر ظهور» صفحه ۲۱۹ تصریح شده که منظور از شرق، ایران است. ۲. ر. ک به: کنز العمال، ح ۳۸۶۵۷. ۳. اندیشمندانی که به بررسی انقلاب اسلامی پرداخته اند، بر رابطه این انقلاب با مسئله اعتقاد شیعه به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید کرده اند. بطور مثال، حامد الگار در کتاب «انقلاب اسلامی در ایران»، بر این مسئله تصریح می کند که ریشه انقلاب اسلامی ایران را باید در موضوع امامت از دیدگاه تشیع و مسأله غیبت امام زمان جستجو کرد. (ر. ک. بلخاری، حسن، تهاجم یا تفاوت فرهنگی، ص ۱۳۱). ۴. ستوده، امیررضا، پا به پای آفتاب، ج ۲، ص ۶.

کام دوم: حضور فعال در عرصه اصلاح اجتماعی

زنان منتظر باید به سهم خود، در راه اصلاح جامعه و استقرار عدالت و رفع ظلم و ستم بکوشند و با احیای امر به معروف و نهی از منکر، جامعه ای صالح و منتظر مصلح را پدید آورند. زن منتظر در دو سطح خانواده و اجتماع می تواند اقدام به انجام این فریضه الهی نماید. فعالیت اصلاح گرانه در سطح خانواده، از طریق امر به معروف و نهی از منکر نسبت به اعضای خانواده، اولین و مهمترین اقدام یک زن منتظر برای ایجاد اصلاح در جامعه است. چرا که مهمترین رسالت او، کادرسازی برای حکومت جهانی حضرت است و این مهم تحقق نمی یابد مگر از طریق ایجاد آمادگی لازم در خانواده. سطح دیگر، سطح جامعه است. اصلاحات اجتماعی زنان می تواند نسبت به سطوح حکومتی و غیر آن باشد. زن منتظر نمی تواند در قبال جور حاکم جائز ساکت بماند؛ کما اینکه ما در طول تاریخ، زنان شجاعی را داشته ایم که در مقابل ظلم حاکم جائز ایستادگی کرده اند، اعتراض نموده و حاکم را امر به معروف و نهی از منکر کرده اند و تاریخ ما هرگز زنانی را که محکم و با صلابت ایستادند را فراموش نمی کند. عالی ترین نمونه آن حضرت زهرا علیها السلام است که در مقابل حاکم زمان خود ایستاد، محاجه کرد، و با دلیل و استنادهای محکم قرآنی، حاکم زمان را به محاکمه گرفت و نهایتاً او را به ذلت کشاند. ۱. زینب کبری علیها السلام نیز حتی در حال اسارت هم دست از این رسالت الهی برنداشت و با خطاب هایی چون «یا بنی الطلقاء»، با اقتدار تمام، حاکمیت زمان را رسوا نمود. ۲. باید زنان منتظر، با تأسی از این الگوهای ربّانی، تبدیل به امتی بزرگ گردند و ۱. آن حضرت زمانی که دید جامعه دینی با انحراف در مسیر جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، دچار فساد و تباهی می گردد، ساکت نماند و جانانه از مسأله امامت دفاع کرد و نهایتاً جان خود را در راه

اصلاح جامعه نوپای نبوی فدا نمود. ۰۲ ایشان جلسه ای را که خلیفه زمان برای درهم شکستن روحیه اسرا و نشان دادن اقتدار و شکوه خود تشکیل داده بود، با سخنان روشنگرانه و شجاعانه خود، به نفع جبهه حق، تغییر مسیر داد و با سخنان مقتدرانه خود، حاکم را به ذلت و خواری کشاند و با امر به معروف و نهی از منکر خلیفه زمان خود، به رسالت بزرگ خویش عمل نمود. براساس آیه «ولتکن منکم ائمة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»^۱ همچون سدی مستحکم در مقابل زشتی ها و پلیدی ها بایستند. اگر زنان یک جامعه برای مقابله با زشتی ها و پلیدی ها بایکدیگر همدل و هم زبان و هم قسم گردند، هیچ قدرتی تاب تحمل در مقابل این نیروی عظیم را نخواهد داشت و دقیقاً به همین جهت است که دشمن برای تحقق اهداف خود، ابتدا زنان را با فرهنگ خود همراه می کند تا از این جهت مورد تهاجم قرار نگیرد. ۱. «و باید در میان شما گروهی باشند که به نیکی فرمان دهند و از کار ناشایسته باز دارند و هم آنان رستگارانند». (آل عمران/ ۱۰۴).

کام سوم: مقابله با جریان های انحرافی و اندیشه های خرافی

دشمنان «فرهنگ مهدویت»، برای دستیابی به اهداف شوم خود، با گسترش اندیشه های خرافی و جریانات انحرافی، سعی در تخریب فرهنگ مهدویت دارند. بالاخص اینکه این گونه جریانات، غالباً در محافل خانم ها جایگاه مناسب تری برای رشد و توسعه دارند و دشمن از این بستر برای گسترش اندیشه های خرافی به خوبی بهره می جوید. از این رو یکی از رسالت های اساسی زنان منتظر، مقابله از روی بصیرت و آگاهی با این گونه جریانات است و باید همچون سربازی جان برکف، از نظام اعتقادی فرهنگ مهدوی دفاع نمایند و عرصه را برای تاخت و تاز دشمنان فرهنگ مهدوی، با درایت و بینش خود تنگ نمایند. زنان با مجهر کردن خود به سلاح علم و معرفت نسبت به مبانی فرهنگ مهدویت، هر جا که با خرافه پرستان و نیز کسانی که بنا دارند با اشاعه مطالب دروغین و ساختگی، چهره فرهنگ مهدویت را تخریب نمایند، مواجه شوند، با آنان مقابله نموده و اجازه رشد و گسترش این گونه مباحث را در جامعه بالاخص در مجالس زنانه نخواهند داد.

کام چهارم: کاربردی ساختن آموزه های مهدویت

باتوجه به اینکه آموزه های آخرالزمانی قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام، از نظر ژرفا، دامنه و گستره در سطح بسیار بالایی قرار دارند و بالاخص مباحثی که مربوط به زنان، خانواده و مسئولیت های یک زن است، نقش ویژه ای در پهنه این آموزه ها دارند، لذا زنان منتظر می بایست این گونه مباحث را از سطح مباحث نظری صرف خارج نمایند و جنبه کاربردی به آن دهند. آن آموزه هایی که در محیط خانه کاربرد دارد و زنان باید آنها را عملی نمایند و آنچه که مربوط به عرصه های اجتماعی است و زنان می توانند در اجرای آنها دخیل باشند را شناسایی و بستر لازم برای عملیاتی نمودن این آموزه ها، را فراهم نمایند. زن منتظر باید فرهنگ مهدویت و یاد و خاطره امام عصرعجل الله تعالی فرجه الشریف را در محیط خانه به گونه ای زنده و پویا نگه دارد که فرزندان از کودکی با این فرهنگ خو بگیرند و با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود رابطه قلبی و عاطفی برقرار نمایند و حضور حضرت صاحب عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خانه خود از کودکی احساس نمایند.

کام پنجم: آماده باش دائمی زنان منتظر

آماده باش برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ابعاد گوناگونی دارد. ابعادی چون پارسایی، تقیید مکتبی، آمادگی نظامی، فکری و فرهنگی و... از جمله این ابعاد است. ولی آنچه که در این بخش از نوشتار مورد نظر ماست، آمادگی همه جانبه زنان منتظر می باشد. آنان باید به گونه ای مهیا و آماده ظهور باشند که به محض اینکه ندای «أنا المهدی» از خانه خدا بلند

شد، با تشکیلات منسجم و هماهنگی که در بین زنان منتظر وجود دارد، همگی جمع شوند و آمادگی خود را برای دفاع از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و همراهی در کنار او در مسیر مقدسش اعلام نمایند. البته این تشکیلات منسجم باید در زمان غیبت، به شکل اصولی و سازمان دهی شده شکل گرفته باشد و در مناسبت های گوناگون، در قالب تجمعات، گردهمائی ها، دوره های آموزشی و... در عرصه های مختلف اجتماعی حضور داشته باشد. «ابن بطوطه» در سفرنامه خود ذیل عنوان ندبه شیعیان حله برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آورده است که: «در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر در آن پرده حریری آویزان است و آنجا را مسجد صاحب الزمان می خوانند. شب ها پس از نماز، صد نفر مرد مسلح با شمشیرهای آویخته، اسبی یا اشتری را گرفته و به سوی همان مسجد روانه می شوند. سایر مردم از طرفین این دسته حرکت می کنند و چون به مسجد می رسند در برابر در ایستاده، آواز می دهند که: «بسم الله ای صاحب الزمان؛ بسم الله!» بیرون آی که تباهی روی زمین را فرا گرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است که بر آیی تا خدا به وسیله توحق را از باطل جدا کند»^۱. «یاقوت حموی»، مورخ معروف قرن هفتم هجری نیز می نویسد: «در سال های نخست تسلط مغولان بر ایران، مردم شهر کاشان، هر روز هنگام سپیده دم از دروازه خارج می شدند و اسب زین کرده ای را یدک می بردند تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در صورت ظهور بر آن اسب سوار شوند»^۲. شیعیان باید بصورت عملی آمادگی خود را اعلام نمایند ولو اینکه این آمادگی ها جنبه نمادین و تمثیلی داشته باشد. زیرا این امر تاثیر به سزایی در زنده نگه داشتن اعتقاد به انتظار و یادآوری حضرت و تلاش برای ظهور دارد. لذا در زیارات، نجوای شیعیان چنین است که: «ونصرتی لکم معده... یعنی من همیشه آماده یاری شما هستم»^۳. و از عمق جانم فریاد می زنم که: «سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم». امام خمینی قدس سره در خصوص ضرورت آماده باش دائمی و همه جانبه می فرماید: «... ما باید خودمان را برای آمدن آن حضرت مهیا کنیم... و ما باید خودمان را مهیا کنیم برای اینکه اگر چنانچه موفق به زیارت ایشان شدیم، پیش ایشان رو سفید باشیم. تمام دستگاه هایی که الان بکار گرفته شده اند در کشور ما... باید خودشان را برای ملاقات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهیا کنند»^۴.^۱ بر گرفته از نشریه موعود، شماره ۷۶، ص ۴۷. ^۲ همان. ^۳ ر. ک به: مفاتیح الجنان زیارت اربعین. ^۴ موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۰۷.

گام ششم: جهت دهی به خواست و تمایلات اجتماع

یکی از مهمترین شرایط ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، خواست مردم و تمایل آنها برای ظهور است. متأسفانه جامعه ما به شرایط فعلی، علی رغم تمامی محنت ها و گرفتاری هایی را که برای آنان در پی دارد، عادت نموده است و بر این باور است که چاره ای جز تحمل این مصائب وجود ندارد. در حالی که اگر نسبت به وعده هایی که توسط خداوند تبارک و تعالی برای برپائی حکومت آرمانی و خاتمه تمامی دردهای مزمن بشری داده شده است، آگاهی و ایمان داشته باشد آن هنگام، تن به شرایط موجود نمی دهد. اگر آن را یگانه راه ببیند و مشتاقانه تمام تلاش و مساعی خود را برای رسیدن به آن شرایط آرمانی بکارگیرد، وعده خداوند نیز قطعاً عملی خواهد شد. البته نکته مهم این است که: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم: خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نخواهد داد مگر آنکه خود چنین تغییری را در درونشان انجام دهند»^۱. البته یکی از رسالت های مهم زنان به عنوان فرهنگ سازان جامعه، ارتقاء سطح خواست و مطالبات مردم نسبت به حکومت آرمانی حضرت است. نباید درخواست ظهور حضرت، صرفاً به جهت حل مسائل و مشکلات خودمان باشد، بلکه لحظاتی را هم در اندیشه غم طولانی و اندوه امام باشیم. امامی که قطب عالم امکان است و همه به برکت وجودی حضرت، از مواهب الهی برخوردارند، اما او حتی نمی تواند در میان مردم آزادانه رفت و آمد کند. اوئی که هزار و اندی سال است که شاهد رنج ها و مصائب امت است. اوئی که از تمامی مصائب و گرفتاری های امت اسلام باخبر است و شاهد این همه ظلم و تجاوز و تعدی و جنایت ستمگران است ولی مأمور به صبر و

تحمل می باشد. او اندوه یک امت را در مدتی طولانی و در حالی که امت او را فراموش کرده اند، به دوش می کشد و این وظیفه زنان منتظر است که اذهان جامه و قلب و عواطف افراد را متوجه حضرت نمایند و با بیان زیبایی های ظهور و زنده ساختن یاد و ذکر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در محافل و برنامه های گوناگون، مردم را متوجه حضرت و انقلاب او نمایند. باید مردم را متوجه این حقیقت نمود که تنها راه خلاصی از این همه محنت، فقط و فقط در ظهور و خروج مولای ماحضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. باید بدانیم که حضرت ظهور نخواهند کرد مگر زمانی که تمامی دست ها، عاجزانه به سوی خدا بلند شوند و از خدای تبارک و تعالی طلب منجی نمایند و در صورت این طلب دسته جمعی است که خداوند دعای مردم را اجابت می نماید. ۱. «بی تردید خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی دهد تا آنها وضع خود را تغییر دهند» (رعد/۱۱).

اقدام سوم: آسیب شناسی

اشاره

هر اندیشه مهم و تاثیر گذاری، در میان افرادی که منافع خویش را از ناحیه آن اندیشه در خطر می بینند، با ستیزه جویی ها و معاندت های فراوانی روبرو می شود. ۱. اندیشه و فرهنگ مهدویت نیز با توجه به گستره تأثیر گذاری آن، با دشمنی های فراوانی روبرو گردیده است. اوج خصومت ها و مخالفت ها زمانی است که این اندیشه، به فرهنگ رایج اجتماعی بدل گشته و سبب ایجاد انگیزش و تحرک در جامعه گردد. لذا تا زمانی که اندیشه و تفکری چون «مهدویت»، دارای آثار اجتماعی نباشد و خیزش عمومی در مقابل منافع مستکبرین و ملحدین را در پی نداشته باشد، چندان مخالفتی با آن صورت نمی گیرد. بدین جهت ضروری است که یک زن منتظر، ضمن شناخت راه ها و ابزارهای مقابله دشمن با فرهنگ مهدویت، آفاتی ۱. دوست و دشمن بر نقش انتظار در حفظ دین و جلوگیری از یأس و ناامیدی تاکید دارند. بطور مثال، «ما ربین» که یکی از محققان برجسته آلمانی است می گوید: «از جمله مسایل اجتماعی بسیار مهمی که موجب امیدواری و رستگاری شیعه می باشد، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است.» (رضوانی، علی اصغر، وظایف ما در عصر غیبت، ص ۶۴)؛ که ممکن است همچون موریانه، ریشه های این تفکر را در سطح جامعه مورد تهدید قرار دهد، بشناسد و در مقابل آن، اقدام مناسب را صورت دهد. زن منتظر می بایست بداند که عواملی همچون جهل و بی اطلاعی نسبت به آثار و برکات فرهنگ مهدویت ۱، تعصبات بی جا بر عقاید باطل، و نیز دنیاخواهی، منفعت طلبی و شهوت رانی، در کنار روحیه استکباری، می تواند از جمله عوامل ستیز و مقابله با فرهنگ مهدویت باشد. این عناد و دشمنی می تواند از طریق ابزارهایی همچون: کتب، نشریات، رسانه های متنوع همگانی، بازی های رایانه ای، اینترنت و...، بروز و ظهور یابد. ۲. روش مبارزه با فرهنگ غنی مهدویت نیز چنین است که دشمن تا آنجا که مقدور باشد، به انکار مهدویت و ظهور منجی پرداخته و اگر نتوانست، به تحریف و تخریب آن می پردازد. چنانچه اقدامات فوق مثر ثمر نبود، تلاش می کند تا با شخصیت پردازی و یا طرح ایده ها و نسخه های نجات بخش، ۳ شخص و یا اندیشه دیگری را جایگزین مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مهدویت نماید. ۴. در ادامه، بنابر روال کتاب در اشاره اجمالی به مطالب، برخی از آسیب های ۱. امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «الناس اعداء ما جهلوا: مردم با آنچه نمی دانند، دشمن هستند» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۷۲). ۲. امروزه شاهد رواج بازی های رایانه ای فراوانی هستیم که اندیشه مهدویت را بطور مستقیم و یا غیر مستقیم مورد حمله قرار داده است. در فیلم های سینمایی، کتب انحرافی، سایت های اینترنتی و... نیز به وفور شاهد هجمه سنگین مهدی ستیزان می باشیم. ۳. ساختن شخصیت هایی مانند سید علی محمد باب (رئیس فرقه بابیه) حسینعلی بهاء (رئیس فرقه بهائیت) و... از جمله اقدامات دشمنان برای جایگزین کردن اعتقاد به مدعیان دروغین به جای اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. همچنین معرفی نظام لیبرال

دموکراسی غرب به عنوان نسخه نجات بخش بشر، به منظور کم‌رنگ سازی اعتقاد به نسخه شفا بخش نظام آرمانی مهدوی است. برای مطالعه بیشتر ر. ک: به: جعفری، محمدصابر، مهدی ستیزان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف. حوزه مهدویت به اختصار، بیان می‌گردد. ۱. علاقمندان به مطالعه بیشتر در خصوص بحث آسیب شناسی مهدویت می‌توانند رجوع کنند به: جعفری، محمد صابر، اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.

کام اول: شناخت برداشت‌های انحرافی از چگونگی انتظار فرج

کسی که منتظر شخص دوست داشتنی است و وقت آمدن او را نمی‌داند، همیشه در حال انتظار و آماده باش است. اما چنانچه زمان آمدن او که در آینده ای دور است بداند، برای آماده سازی خود عجله نکرده و آن را تا آخرین لحظات به تأخیر می‌اندازد. ۲. اندیشه انتظار فرج نیز آمده است تا شیعیان را در حال آماده باش نگاه دارد و بساط یأس و تنبلی را برچیند. البته اندیشه متعالی «انتظار فرج» با سوء برداشت‌های متعددی نیز روبرو شده است. به گونه ای که دشمنان مهدویت، از این فرصت سوء استفاده نموده و برخی انحرافات که با اصل و ریشه فرهنگ مهدویت تنافی دارد، تحت عنوان «انتظار فرج»، تبلیغ و ترویج نموده اند. به گونه ای که برخی تکلیف خود را فقط دعای برای تعجیل در فرج و امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی دانسته و برخی حتی امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی را نیز بر نمی‌تابند. عده ای دیگر از افزایش ظلم، فساد و تباهی استقبال کرده و آن را موجب تعجیل فرج می‌دانند. برخی دیگر، نه تنها جلوی فساد و تباهی را نمی‌گیرند بلکه به آن دامن می‌زنند تا بواسطه افزایش ظلم و جور، زمینه ظهور فراهم تر گردد. برای روشن شدن ابعاد این انحرافات، توجه به معنای «انتظار» از نگاه اهل لغت، خالی از لطف نیست: «انتظار، به معنای درنگ در امور، نگرهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده است». ۲۳. رضوانی، علی اصغر، هنگامه ظهور، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ص ۱۳. ۳. ر. ک: به: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، ص ۱۶۶. تاکنون روشن گردیده است که مفهوم انتظار بسته به نوع نگاه به آن، می‌تواند سازنده و یا ویرانگر باشد. در پرتو نگاه‌های انحرافی به انتظار، افراد به وضع موجود قانع بوده و برای تحقق وضع بهتر، از خود تلاش و کوششی نشان نمی‌دهند. شاهد جامعه ای عقب مانده، منفعل، تسلط پذیر و زبون در مقابل بیگانگان بوده و تنبلی و بی مسئولیتی بر شئون فرد و اجتماع سایه می‌اندازد. ۱ اما در سایه نگاه صحیح به انتظار، به منظور فراهم سازی زمینه های ظهور، به مقدار توان در مقابل ظلم و فساد مقابله شده و افراد جهت کسب آمادگی برای ظهور تلاش می‌کنند. نه تنها در جامعه، امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، بلکه افراد به دنبال تشکیل حکومت صالح و حفظ و حراست از کیان اسلامی نیز می‌باشند. در تأیید این طریق از انتظار، روایت رسول اکرم صلی الله علیه و اله وسلم در توصیف منتظران واقعی کارگشا است که می‌فرمایند: «فیوظئون للمهدی سلطانه: (منتظران و یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای سلطنت مهدی زمینه سازی می‌کنند» ۲۰. ۱. این شبهه که چون حضرت در زمانی قیام می‌کنند که ظلم و فساد در عالم فراگیر می‌باشد و لذا ما می‌بایست نسبت به آن ساکت بوده و یا به فساد و ظلم دامن بزنیم تا در ظهور تسریع شود، چنین پاسخ داده می‌شود که نگاهی گذرا به وضعیت جهان به خوبی نشان دهنده فراگیر بودن ظلم در عالم است. عده ای ظالم به حقوق مظلومین تعدی می‌کنند و ظلم و فساد بصورت نسبی در جهان شیوع دارد. لذا هیچ منافاتی ندارد که در کنار این ظلم، عده ای از دوستان و منتظران حضرت، زمینه و مقدمه را برای ظهور ایشان فراهم نمایند. ضمن آنکه آیات و روایات مربوط به مقابله با ظلم و فساد و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر نیز مربوط به زمان و مکان خاصی نبوده و دستوری همیشگی است که نباید تعطیل شود. ۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۸. همچنین در روایت دیگری آمده است که: «ان اهل زمان غیبه و القائلین با مامته و المنتظرین لظهوره، افضل من اهل کل زمان... اولئک المخلصون حقاً و شیعتنا صدقاً و الدعاة الی دین الله سرّاً و

جهرأً: و معتقدین به امامت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و منتظرین ظهور او، از مردمان هر زمان برترند... آنان مخلصین حقیقی و شیعیان صدیق و دعوت کنندگان دیگران به دین خدا در آشکار و نهان می باشند» (ر.ک به: طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷). همانا مردمان زمان غیبت چنین انتظاری است که به تمامی عرصه های مختلف حیات فردی و اجتماعی افراد جهت می دهد و دارای کارکردهایی همچون: امید به آینده و ایجاد نشاط روحی، موجب تقویت قوه عدالت خواهی و ظلم ستیزی، خودسازی، دستگیری و تعاون ۱، استقامت و شکیبایی ۲، الگودهی سیاسی و اجتماعی و... می باشد. بطور کلی، جوهر انتظار صحیح را می توان در آمادگی همیشگی و همه جانبه فرد و اجتماع جستجو نمود. ۱. زیرا کسی که منتظر عدالت و یاری مستمندان است هیچگاه خود نمی تواند ظلم و فقر دیگران را تحمل کند و یا به آن دامن بزند. ۲. در روایات، صابرین و استقامت کنندگان در زمان غیبت، چنین مورد تمجید و تشویق قرار گرفته اند: «طوبی للصابرین فی غیبتهم...» (بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۳۰۶).

کام دوم: مقابله با افراط و تفریط در ارائه چهره مهر و قهر از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

تنها چنین انتظاری می تواند مصداق روایاتی همچون: «افضل العباده، انتظار الفرج» ۳، «افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج، من عرف هذا الامر فقد فرح الله عینه بانتظاره» ۴، «طوب لشیعۀ قائمنا، المنتظرین لظهور غیبتۀ و المطیعین له فی ظهوره، اولئک اولیاء الله الذی لا- خوف علیهم و لا هم یحزنون» ۵ و... می باشد. برخی با افراط در جنبه های مهر آمیز حضرت، هرگونه مبارزه و مجاهدت را ۳. رسول اکرم صلی الله علیه و اله وسلم: «برترین اعمال، انتظار فرج است» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۱). ۴. امام جواد علیه السلام: «برترین اعمال شیعیان، انتظار فرج است. هر کس این امر را بشناسد، خداوند به جهت انتظارش، گرفتاری را از او برطرف می کند». (کمال الدین و اتمام النعمه، ص ۳۸۴، ح ۱). ۵. امام صادق علیه السلام: «خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که منتظر ظهور غیبت اویند و کسانی که هنگام ظهورش، مطیع او خواهد بود. آنان اولیای خدایند، آن کسانی که خوف بر آنها نبوده و محزون نخواهند بود.» (کمال الدین و اتمام النعمه، ص ۳۵۷، ح ۵۴). از حضرت نفی می کنند و حل مشکلات را در پرتو معجزات از سوی حضرت جستجو می کنند. در مقابل این دیدگاه بوده است که امام رضا علیه السلام فرمودند: «... لو قد خرج قائمنا علیه السلام لم یکن الّا العلق و العرق و التوم علی السیروج: شما امروز سبک بال تر از آن زمانید. قائم که قیام کند، جز عرق ریختن و خواب (از فرط خستگی و مجاهدت های پی در پی) روی زین (اسب ها) نیست». ۱. دیدگاه دیگر نیز با بیان جنبه های قهر آمیز و خشونت آلود و ارائه چهره ای خشن از حضرت، زمینه نفرت و ترس از ظهور حضرت را فراهم می نمایند. حال آنکه حضرت با مردم مهربان بوده و مردم نیز مشتاقانه به سراغ حضرت می آیند و به ایشان عشق می ورزند و فقط نسبت به کسانی که جز از طریق زور، دست از الحاد و تعدی بر نمی دارند، از قهر و خشونت استفاده می شود. ۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، باب ۵، ص ۲۸۵. ۲. برای مطالعه بیشتر، ر. ک به: جعفری، محمد صابر، اندیشه مهدویت و آسیب ها، صص ۳۱ تا ۳۶. ۳. صدوق، محمد بن علی بابویه، کمال الدین و اتمام النعمه، ج ۲، باب ۳۶، ص ۳۷۸. امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند: «شتاب مردم برای این کار، آنها را هلاک ساخت. خداوند به جهت شتاب مردم، شتاب نمی کند. برای این امر مدتی است که باید پایان پذیرد. اگر پایانش فرا رسد، آن را ساعتی پیش و پس نیفکند.» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۹).

کام سوم: مقابله با عجله داشتن در تحقق امر ظهور

در روایات معصومین علیهم السلام ضمن تأکید بر صبر و انتظار، از شتاب زدگی در تحقق امر ظهور که موجب ایجاد یأس و شک و تردید می شود، نکوهش شده است. بطور نمونه، امام جواد علیه السلام چنین می فرمایند: «یهلک فیها المستعجلون: در دوران غیبت،

شتاب زدگان در امر ظهور هلاک می شوند»^۳.

کام چهارم: مقابله با تعیین وقت ظهور

از آنجا که مشیت و حکمت الهی بر این تعلق گرفته است که وقت ظهور پنهان بماند، احدی نمی تواند ادعا کند که از وقت ظهور مطلع است. امام باقر علیه السلام در همین خصوص در جواب یکی از اصحابی که می پرسید: « آیا برای امر ظهور وقت معینی است؟ » سه مرتبه فرمودند: « آنان که وقتی برای آن تعیین می کنند، دروغ می گویند». ۱۱. ۱. ر. ک به: طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۴۲۵.

کام پنجم: شناخت مدعیان دروغین و فرقه های انحرافی

از ابتدای عصر غیبت تاکنون، افراد و فرقه های فراوانی بوده اند که به دروغ، ادعای مهدویت و یا نیابت از حضرت نموده و یا افراد دیگری به آنها چنین نسبتی داده اند. دشمنان دین نیز از این فرصت برای گمراهی مردم و ایجاد اختلافات عمیق دینی بهره گرفته اند و افراد زیادی را نیز به ورطه دوری از مسیر اهل بیت علیهم السلام کشانده اند. می بایست توجه داشت که به صرف ادعا و ارائه برخی شواهد که فاقد دلیل و سندی محکم است، نباید در دام چنین افراد سودجو و هوس رانی که از اعتقادات پاک دینی سوء استفاده می نمایند، افتاد.

کام ششم: آشنایی با سایر انحرافات و آسیب ها

از دیگر انحرافات و آسیب ها می توان به پرداختن به مطالب غیر ضروری همچون مکان استقرار حضرت، وضعیت ازدواج، تعداد فرزندان و... اشاره کرد که با مشغول ساختن اذهان به خود، افراد را از غور و بررسی در مباحث کلیدی و مهم مهدویت باز داشته است. همچنین برخی افراد، پس از خواندن یا شنیدن برخی علائم و نشانه های ظهور، به محض بروز هر حادثه مشابه، آن را به نزدیک بودن زمان ظهور حمل می نمایند. در اثر این تطبیق های ناصواب، موجبات بدبینی، یأس و ناامیدی در عموم مردم بوجود می آید. یکی دیگر از آسیب های مهدویت این است که عده ای همه چیز را در ملاقات با حضرت خلاصه کرده و پس از مدتی تلاش، در اثر عدم حصول شرایط دیدار و ملاقات با ایشان، نسبت به اصل اعتقاد خود به مهدویت بدبین می شوند. حال آنکه واقع آن است که اگر ما وظایف خود را به درستی انجام دهیم، لازم نیست به دنبال حضرت بگردیم، بلکه خود ایشان به سراغ ما می آیند. برخی از منحرفین نیز تنها اعتقاد و محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را کافی دانسته و به وظایف خویش عمل نمی نمایند. بدتر از آنان، کسانی هستند که حضرت را وسیله رسیدن به منافع و مطامع خویش قرار داده اند. در پایان، باید گفت که اگر در روایات آمده است که: « کسی که منتظر امام ما (مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد، مانند کسی است که در راه خدا درخون خود غوطه ور است »^۱، به واسطه همین دقت ها و هوشیاری هاست که می بایست از خود نشان دهد. زن منتظر نه تنها می بایست خود را از آسیب های و آفت های حوزه مهدویت نگاه دارد، بلکه علاوه بر آن، می بایست چشم دیگرش به خانواده و اجتماع بوده، و نسبت به اصلاح آنها نیز کوشا باشد. ۱. کمال الدین و اتمام النعمه، ص ۶۴۵، ح ۶.

خلاصه مطالب

در این بخش بیان شد که آنچه که زن منتظر برای حضور یاری گرانه خویش در عرصه های فرهنگی و اجتماعی، به منظور زمینه

سازی ظهور می بایست انجام دهد، متوقف بر آن است که آشنایی کافی با اجتماع و جایگاه خویش در عرصه های مختلف اجتماعی داشته باشد. سپس نظر اسلام نسبت به مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان را دانسته و با حفظ اصول مدنظر اسلام، تبیین و تحلیل صحیحی را از نحوه حضور خود به عنوان «زن منتظر» در عرصه اجتماع بدست آورد. در گام بعدی، می بایست رسالت های اجتماعی خویش را به تفصیل شناخته و در پایان، آسیب هایی که جامعه مهدوی را تهدید می کند، به درستی شناسایی نماید. منابع جهت مطالعه بیشتر: ۱. نقش اجتماعی انتظار، حسن عبدی پور. ۲. اندیشه سیاسی آیت الله مطهری، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی. ۳. حکومت جهانی حضرت مهدی، آیت الله مکارم شیرازی. ۴. مهد ویت و آسیب ها، محمد صابر جعفری. ۵. مهدی ستیزان، محمد صابر جعفری. ۶. هنگامه ظهور، علی اصغر رضوانی. ۷. زنان و برنامه تربیتی اسلام، مریم معین الاسلام. ۸. چشم اندازی بر برخی آسیب های تربیت مهدوی، فصلنامه انتظار، شماره ۵. ۹. مقایسه تطبیقی برون داد های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در دکترین مهدویت با جهانی سازی، مریم معین الاسلام، ویژه نامه همایش بین المللی دکترین مهدویت.

چشم انداز سوم

گرچه شاهزاده ای هندی بود ولی چنان به این خاندان ارادت یافته بود که کنیزی این آستان را با هیچ چیز دیگر عوض نمی کرد. اهل خانه نیز به او همچون یک کنیز نگاه نمی کردند. او در خانه دختر پیامبر (ص) چنان کسب فضیلت کرده و مقام معنوی یافته بود که به عنوان یک همکار و عضوی از اعضای خانواده گشته بود و از کنیزی فاطمه الزهرا (س) به مقام سروری رسیده بود و در فضایل او می گویند که در بیست سال آخر عمر شریف خویش، جز با قرآن سخن نمی گفت، پاسخ کلام مردم را جز با آیات قرآن نمی داد.

اشاره

او علاوه بر مقام علمی، احاطه بر قرآن و فضائل اخلاقی در کنار سایر زنان خاندان نبوت، همچون زینب کبری (س)، مصائب و مشکلات فراوانی را متحمل شد ولی ذره ای از ارادتش به اهل بیت (ع) کاسته نشد. در مقام و عظمت شخصیت فُضّه همین بس که هنگامی که امیرالمومنین (ع) مشغول کفن کردن بدن مطهر زهرا (س) بود، قبل از آن که گره کفن را ببندند، چنین فرمودند: زینب، ام کلثوم، سکینه، فُضّه، حسن و حسین؛ بیا ئید از مادران توشه بگیرید. برای فُضّه کنیز زهرا (س)، چه افتخاری بالاتر از اینکه، حضرت او را در زمره فرزندان زهرا (س)، مورد خطاب قرار دهند؟ فُضّه با عمر پر برکت خویش نشان داد که همه فضایل در اهل بیت عصمت و طهارت نهفته است و در خدمتگذاری، و انجام وظیفه در این آستان است که همنشینی و بهره مندی از فیوضات آنان حاصل می شود. (برای آشنایی با عظمت فُضّه به کتاب درس هایی از زندگی زنان نامدار، جلد دوم، ص ۱۱۲ مراجعه نمایید.)

اقدام اول: شناخت برنامه دین برای رفتار مؤمنانه

گام اول: شناخت مراحل زندگی مؤمنانه

دین در تمام عرصه های حیات حضور جدّی دارد و هیچ بخشی را نمی توان یافت که از نفوذ و قلمرو حضور دین بیرون باشد. ممکن نیست یک بخش از حیات انسان را یافت که دین، آن را رها کرده و اعلام کند که به آن حوزه کاری ندارد. از آنجا که دین برای سعادت همه جانبه آمده است، هر آنچه که با سعادت انسان مرتبط است، در زمره برنامه های دین قرار گرفته است. مشکل اصلی از اینجا آغاز می شود که برخی فکر می کنند که برای سعادت مندی، صرفاً تغییر رفتار آدمی کافی است و دین آمده

است که نحوه رفتار فرد را مطابق برخی آموزه های خویش نماید. حال آنکه دین سه کار می کند: شناخت و بینش انسان را اصلاح و تکامل می بخشد؛ ۱ ارزشگذاری نموده و بیان می کند چه چیزهایی ارزشمند است و ارزش هر یک از آنهاچه مقدار است؛ ۲ در مرحله آخر، تکالیف و الزاماتی را بیان می کند که فرد می بایست آنها را انجام دهد. ۳ برعکس تصوّر بسیاری از افراد که گمان می کنند دین، متولی مرحله سوم یعنی الزامات و تکالیف می باشد و تمام همّت خویش را بر آن قرار داده است، به نظر می رسد که سه حوزه بینش ها، ارزش ها و تکالیف، بصورت یکسان مورد توجه دین قرار گرفته و هیچ یک از آنها بر دیگری ترجیح ندارد. لذا زمانی که نماز به عنوان معراج مؤمن و زمینه ای برای ارتباط عاشق با معشوق، از سوی دین معرفی می شود، قطعاً بدون شناخت صحیح از انسان، هستی، خدا و... و نیز آگاهی از اهمیت، آثار و ارزش نماز، چنین عبادتی حاصل نمی شود. شاهد بر این مدّعا، نمازهای روزانه بسیاری از ماست که صرفاً از روی رفع تکلیف و بدون عروج معنوی و همراه مشقّت و زحمت خوانده می شود. اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرمایند: «اول الدّین معرفته: سرآغاز دین، معرفت و شناخت خداست» ۱ حاکی از آن است که بدون شناخت و بینش صحیح از دین، و به صرف انجام رفتارهای دینی، دینداری تحقق نمی یابد. انبیاء الهی نیز ابتدا از اصلاح نگرش ها و بینش ها آغاز می کردند و با بیان شعار بینشی: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»، خوب ها و بدها، فضائل و رذائل و... را تبیین و سپس مردم را به نماز و روزه و... فرا می خواندند. از آنجا که نظام تشریح با نظام تکوین در هماهنگی کامل است و به تعبیر فقها، احکام دارای مصالح و مفاسد واقعیه هستند، تمام امور بینشی، ارزشی و تکلیفی که دین بیان می کند، صرفاً اموری اعتباری نبوده و دارای حقیقت و آثار در عالم حیات می باشند. ۱. در این بخش که می توان از آن به نظام توصیفات تعبیر نمود، از هست ها و نیست ها سخن گفته می شود. «عقاید دینی»، عهده دار تبیین این بخش است. ۲. در بحث ارزشگذاری، با خوب و بد، زشت و زیبا و... روبرو هستیم. «نظام اخلاق دینی»، متولی تشخیص و تعیین این گزاره هاست. ۳. بایدها و نبایدهایی که دین از آنها سخن می گوید، احکام شرعی و تکالیف را تشکیل می دهد.

گام دوم: شناخت مراتب دینداری

اشاره

مردم در شدّت و ضعف ایمان و دینداری، دارای مراتب مختلف هستند. برخی دارای ایمان معار (عاریه ای) بوده و تا وقتی آزمایش نشده و بلاها و گرفتاری ها به سراغ آنها نیامده است، دیندارند و با بروز کوچکترین مشکلی، ایمان خود را از دست می دهند. برخی دیگر، ایمان مستقیم و پایدار داشته و در همه مراحل ۱. نهج البلاغه، خطبه اول. ۱۸۹ و شرایط زندگی، ایمان و حیات مؤمنانه را ترک نمی کنند. متون اسلامی و تحقیقات روان سنجی نیز نشان می دهد که نه تنها تفاوت های فردی در میزان دینداری وجود دارد بلکه توزیع دینداری در میان انسان ها همچون سایر ویژگی های انسان، بصورت طبیعی است. یعنی تعداد کمی از افراد در مراتب بالای دینداری قرار دارند و اکثریت مردم در مراتب میانی و تعداد اندکی نیز از دینداری بهره بسیار کمی دارند. لذا افراد، بسته به ظرفیت ها و استعدادهای خود، دارای مرتبه متفاوتی از دینداری می باشند. ۱. امام صادق علیه السلام در روایت زیبایی بیان می فرمایند که: «ایمان مانند نرده بانی ده پله است که مؤمن، پله ای را پس از پله دیگر بالا می رود». ۲. برخی افراد اصلاً جرأت و زحمت بالا رفتن از تمام پله های ایمان را نمی کشند. برخی دیگر تنها چند پله بالا رفته و از ادامه مسیر انصراف می دهند. برخی دیگر پس از بالا رفتن از تمام پله ها، از فراز نرده بان ایمان، به نظاره حقارت دنیا و زیبایی ملکوت می نشینند. در آموزه های دینی، تفاوت در مراتب دینداری را می توان در سه مرحله زیر جای داد: ۱. جمعی از نویسندگان، مبانی نظری مقیاس های دینی، ص ۱۸۴.

مرحله اول: اسلام

افراد با گفتن شهادتین و اعتقاد اجمالی به دستورات و برنامه های دینی و انجام برخی مناسک، در زمره مسلمین قرار گرفته و مرحله اول را پشت سر می گذارند. ملاک در این مرحله، رفتارهای ظاهری است

مرحله دوم: ایمان

البته اگر کسی به انجام رفتارهای دینی مبادرت ورزد و به مناسک دین پایبند باشد اما همراه با باور و اعتقاد و فهم صحیحی از دین نباشد، نمی توان او را در ردیف دینداران واقعی تلقی کرد. در همین زمینه حضرت علی علیه السلام می فرماید: « ربّ متنسک لا دین له: چه بسا فردی مناسک دینی را انجام دهد ولی دیندار نباشد»^۱. ایمان بالاتر از اسلام آوردن است و مؤمن، در قلب خویش به برنامه ها و مناسک دینی و آثار آن ایمان می آورد و به انجام آنها اهتمام می ورزد. قرآن کریم، به زیبایی این مرحله را چنین توصیف می کند: « قالت الاعراب آمنا قل لم تؤمنوا و لكن قولوا أسلمنا و لّما یدخل الایمان فی قلوبکم: اعراب گفتند که ما ایمان آوردیم، بگو چون ایمان در قلبتان وارد نشده، بگویید اسلام آوردیم »^۲. علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر شریف المیزان می فرماید: « کلمه ایمان به معنای اذعان و تصدیق چیزی و التزام به لوازم آن است... پس صرف اعتقاد، ایمان نیست، مگر آنکه به لوازم آن چیزی که بدان معتقد شده ایم ملتزم شویم و آثار آن را بپذیریم »^۳. ۱. شرح غرر الحکم، ج ۶، ص ۷۳. ۲. حجرات / ۱۴. ۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۴.

مرحله سوم: اطمینان

فرد مؤمن، به چنان مرتبه ای می رسد که هیچگونه شک و تردیدی برای او باقی نمی ماند. چنین مرحله ای اطمینان نامیده می شود که والاترین و ارزشمندترین مرتبه دینداری است. جریان گفتگوی حضرت ابراهیم علیه السلام و خداوند متعال در قرآن کریم، اشاره به همین مرحله دارد: « و اذ قال ابراهیم ربّ ارنی کیف تحیی الموتی قال اولم تؤمن قال بلی و لكن لیطمئن قلبی: وقتی ابراهیم عرض کرد پروردگارا، چگونه مرده ها را زنده می کنی؟ فرمود: مگر ایمان نداری؟ عرض کرد بلی؛ ولی می خواهم به مرحله اطمینان برسم »^۱. لذا از جمله عوامل اساسی تفاوت در میزان دینداری، نحوه قرار گرفتن در هر یک از این مراحل سه گانه است.^۲
۱. بقره / ۲۶۰. ۲. برای مطالعه بیشتر، رک به: جمعی از نویسندگان، مبانی نظری مقیاس های دینی، ص ۲۱ و ۲۲.

اقدام دوم: شناخت جایگاه رفتار در مراتب مختلف دینداری**گام اول: شناخت رفتار**

از آنجا که در چشم اندازها و پله های پیشین، تلاش نمودیم تا در افزایش بینش و شناخت زن منتظر در حوزه های گوناگون و ایجاد انگیزش در ضرورت شناسی کسب این آگاهی ها، اقداماتی انجام داده و گام هایی برداریم، در این بخش که متولّی سخن از

رفتار و عمل زن منتظر است، پیرامون اهمیت و نقش رفتار، مطالبی ارائه می‌گردد. قبل از بیان اعمال و رفتاری که زن منتظر می‌بایست در مسیر حرکت خود به سمت آرمانشهر مهدوی انجام دهد، ابتدا تعریف رفتار و جایگاه آن را بررسی می‌نمائیم. اگر «رفتار» را، هر کنش و واکنش قابل مشاهده‌ای که انسان انجام می‌دهد تعریف کنیم ۳ و از سوی دیگر، توجه نمائیم که خداوند همه چیز را در عالم یا در دسته خیر قرار داده است و یا شر و فقط در میزان خیر و یا شر، تفاوت‌هایی وجود دارد، مشخص می‌شود که هر رفتار آدمی، یا رفتاری همراه با خیر و موجب قرب الهی است و یا رفتاری شرارت‌آمیز و موجب دوری از پروردگار عالم و نزدیکی به شیطان. لذا برخی از رفتارها مؤمنانه بوده و برخی دیگر کفرآمیز. از سوی دیگر، رفتارها دارای دو بعد پنهان و آشکار می‌باشند. یعنی برخی رفتارها درونی بوده و برخی دیگر، نمود ظاهری می‌یابند. ۳. همان، ص ۱۲.

کام دوم: شناخت جایگاه رفتار در زندگی مؤمنانه

پیش از این گفتیم که برخی، ایمان را به رفتار مؤمنانه تعریف می‌کنند و لذا رسالت دین را ارائه تکالیفی به منظور انجام رفتارهای مؤمنانه می‌دانند. همچنین با اشاره به توجه همزمان دین به ارزش‌ها و بینش‌ها و رفتارها، بیان شد که نمی‌توان تکالیف دینی را در رفتارهای ظاهری خلاصه کرد. آنچه از آموزه‌های قرآنی به دست می‌آید این است که، قرآن سه حوزه رفتار، عواطف (حالات روحی) و اندیشه‌ها (افکار) را نیز در زمره مخاطبین تکالیف و دستورات الهی می‌داند. یعنی تکلیف صرفاً مربوط به اعضاء و جوارح و انجام برخی رفتارها نیست بلکه در حالات روحی و افکار آدمی نیز تکلیف جریان دارد و نسبت به کوتاهی در آنها، مؤاخذه و عقاب صورت خواهد گرفت. زیرا تکلیف بر روی افعال اختیاری انسان می‌رود و ما در عواطف و اندیشه‌ها نیز مختار هستیم و برخی از افعال ما، مربوط به آنها می‌باشد. به همین جهت است که ایمان، تصدیق قلبی، عمل با اعضا و جوارح و شهادت بوسیله زبان تعریف شده است. یعنی گاهی انسان، نفس، باطن و قلب خویش را از روی اختیار تسلیم حق نمی‌کند و لذا چنانچه رفتاری به ظاهر مؤمنانه را نیز انجام دهد، موجب افزایش درجه ایمان و دینداری او نخواهد شد. به همین جهت، صرف عمل و رفتار برای تشخیص فرد دیندار از غیر دیندار کافی نیست. زیرا ممکن است که رفتار او ناشی از ریا، نفاق، عادت، تظاهر و... باشد. عبادات شدید خوارج، نیاز سپاه عمرسعد در روز عاشورا و... شاهی بر این مدعاست. از سوی دیگر همانگونه که صرفاً رفتار ظاهری کافی نبوده و موجب سعادت و کسب ایمان نمی‌شود، عدم انجام وظایف، مسئولیت‌ها و تکالیف و دینداری بدون عمل نیز ناقص و ناکافی خواهد بود. رفتار، میوه شناخت است و بسته به میزان بینش و اعتقاد، در رفتار نیز تغییرات کمی و کیفی فراوانی حاصل می‌شود. اگر نماز شب بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم واجب بوده و بر سایر مردمان مستحب است، به این خاطر است که آن وجود مقدس بواسطه حد اعلای معرفت و شناخت و رسیدن به مرتبه انسان کامل، در نحوه رفتار خویش و انجام اعمال و عبادات، تکالیف ویژه و بیش از مردم عادی داشت و ارزش رفتارهای او، قابل مقایسه با سایر بندگان نیست.

خلاصه مطالب

در ابتدا بیان شد که دین برای سعادت همه جانبه، به سه حوزه بینش، ارزش و رفتار بصورت یکسان نگریده است و هیچ یک را بر دیگری ترجیح نداده است. در ادامه بیان شد که مردم در دینداری دارای شدت و ضعف می‌باشند و برخی فقط اسلام آورده و برخی دیگر، علاوه بر آن ایمان می‌آورند و عده کمی، به آنچه ایمان آورده اند اطمینان می‌یابند. سپس برای شناخت جایگاه رفتار در مراتب مختلف دینداری، ابتدا به تعریف رفتار پرداخته و آن را هر کنش و واکنش قابل مشاهده‌ای که انسان انجام می‌دهد، تعریف کردیم. پس از آن بیان کردیم که رفتارها یا مؤمنانه است یا کفرآمیز و از سوی دیگر، یا پنهان است و یا آشکار؟ در پایان

بیان شد که تکلیف های شرعی، صرفاً به رفتارهای ظاهری تعلق نمی گیرد و عواطف و اندیشه ها نیز در زمره آن است. همانگونه که رفتار ظاهری بدون بینش و اعتقاد قلبی فاقد ارزش است، عمل نکردن به آنچه نسبت به آن آگاهی و اعتقاد یافته ایم نیز موجب می شود آن دانسته ها، فاقد ارزش گردد. زن منتظر، با توجه به این نکات، تکالیف خود را در رفتار ظاهری خلاصه نکرده و از سوی دیگر، نسبت به آن نیز بی توجه نمی باشد و بینشها و ارزش ها و رفتارها را بصورت هماهنگ پیگیری می کند. منابع جهت مطالعه بیشتر: ۱. مبانی نظری مقیاس های دینی، جمعی از نویسندگان.

در آزمایشات سخت، دشواری که منافقین تلاش می کنند تا باطل را حق جلوه داده و جلوی پرتو افشانی حق را بگیرند، مرزها تیره شده، شناخت تکلیف و وظیفه بسیار دشوار می گردد. کسانی که بتوانند با بصیرت، شرایط را رصد نموده و حق را از باطل تفکیک و جانانه از آن دفاع کنند، مومنانی شایسته و بصیر خواهند بود که به سختی می توان همانندی برای آنان یافت معاویه که پس از شهادت حضرت علی (ع)، فرصتی برای انتقام گیری از مومنان حقیقی یافته بود، از والی خود در کوفه خواست ام الخیر، بانویی که در کارزار نفاق آلود جنگ صفین، به رسوایی و پرده برداری از چهره باطل اقدام کرده بود را به شام بفرستد.

اشاره

.. ام الخیر! آیا به یاد داری که روزی که عمار یاسر در جنگ صفین کشته شد چه گفتی؟! معاویه رو به اطرافیان کرد و ادامه داد: کدامیک از شما به خاطر دارد؟ یکی از آن میان گفت: من به خاطر دارم، مثل سوره حمد می توانم تکرار کنم به خوبی به خاطر دارم که چه لباسی بر تن داشت و می گفت: مردم، از خداوروز قیامت بترسید، خداوند حق را آشکار و دلیل را روشن و راه را نورانی ساخت و پرده های جهل و ابهام را از میان برداشت. کجا می روید؟... آیا از علی فرار می کنید یا از جنگ؟ از اسلام می گریزید یا حق؟ این دشمنی ها، باقیمانده جنگ های بدر و احد و کینه های جاهلیت است. معاویه می خواهد انتقام اولاد عبدالشمس را بگیرد. معاویه که از شنیدن این سخنان ام الخیر در جنگ صفین خشمگین شده بود رو به وی گفت: به خدا اگر تو را بکشم معذورم. ام الخیر با همان صلابت و ایمان خویش جواب داد: پسر هند! خود شحالم که به دست آدم پستی چون تو کشته شوم و به سعادت برسم. (به کتاب درسهایی از زندگانی زنان نامدار، جلد دوم، ص ۱۱۷ مراجعه فرمائید.)

اقدام اول: بررسی ضرورت و امکان سنجش دینداری

گام اول: امکان سنجش دینداری در آموزه های دینی

در پاسخ به این سوال که آیا می توان رفتار دینی را سنجش و اندازه گیری کرد، برخی قائل شده اند که این امر امکان پذیر نبوده و راهی برای سنجش و اندازه گیری وجود ندارد. برخی دیگر نه تنها آن را ممکن دانسته اند، بلکه آزمون ها و ملاک هایی برای سنجش دینداری ارائه نموده اند. در این بخش تلاش می کنیم که ابتدا به امکان این مساله پرداخته و سپس شواهدی از آیات و روایات ارائه نموده و در پایان، ملاک هایی ارائه نماییم. توجه به آیات قرآنی نشان می دهد که خداوند متعال، با قدرت و حکمت نامتناهی خویش، همه چیز را در اندازه و مقدار مشخص و معین آفریده است. بطور مثال، به آیات زیر توجه فرمائید: « انا کُلُّ شَیْءٍ خَلَقناه بقدر: ما هر چه آفریدیم، به اندازه و بر وفق حکمت و مصلحت آفریدیم ». ۱. « قد جعل الله لکل شیء قدرًا: بی تردید خداوند برای هر چیز اندازه ای قرار داده است ». ۲. « و خَلَقَ کُلَّ شَیْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِیرًا: همه موجودات را آفریده و به حکمت کامل و تقدیر ازلی خود، حد و قدر هر چیز را معین فرموده است ». ۳. ۱ قمر/ ۴۹. ۲. طلاق/ ۳. ۳. فرقان/ ۲. در آیات فراوان دیگر می توان نشانه هایی از این خلقت به اندازه و قدر معین و معلوم را یافت. ۱. از آنجا که در این آیات از الفاظ عامی همچون « همه چیز»، « هر چه » و...

استفاده شده، می توان دریافت که رفتار انسان به طور کلی و رفتار دینی به خصوص، در زمره این دایره وسیع و فراگیر « کل شی » قرار می گیرد. لذا می توان با کشف ابزارهای سنجش و اندازه گیری دینداری، به میزان و مقدار دینی بودن هر رفتار پی برد. آیات و روایات فراوانی که ملاک های سنجش رفتار مؤمنانه از غیر مؤمنانه را بیان کرده اند، و نیز سیره معصومین علیهم السلام می توانند در استخراج و تعیین شاخص ها و ملاک های اندازه گیری، مفید واقع شوند. ۲. بطور نمونه در آیات ۱ تا ۱۰ سوره مؤمنون آمده است: « به یقین مؤمنانی که دارای اوصاف زیر هستند، رستگارانند: آنها که در نمازشان خشوع دارند، از انجام کارهای بیهوده و لغو دوری می گزینند، زکات مال خود را می پردازند و عورت های خود را حفظ می کنند، امانت ها و تعهدات را مراعات می کنند، بر نمازشان محافظت دارند، اینان همان وارثان بهشت فردوس اند که در آنجا همیشه خواهند بود». همچنین همانگونه که برای مؤمنین، صفات، ویژگی ها، عقاید و اعمالی به عنوان نشانه های رفتاری آنان ذکر شده است، برای کافران و منافقین نیز رفتارهایی بر شمرده شده است. بطور نمونه در خصوص منافقین آمده است: « کافران را به جای مؤمنین دوست می گیرند، هنگامی که به نماز بر می خیزند با کسالت بر می خیزند، خدا را جز اندکی یاد نمی کنند، افراد بی هدفی هستند که نه در صف مؤمنان قرار دارند و نه در صف کافران» ۳. تاکنون روشن گردید که بواسطه مشخص بودن اندازه و مقدار تمام چیزهای عالم هستی از جمله رفتارهای انسانی و نیز با توجه به ملاک هایی که در خصوص نحوه تشخیص رفتار مؤمنانه از غیر مؤمنانه در متون دینی ذکر شده است، می توان ملاک ها و شاخص هایی را برای سنجش دینداری ارائه نمود. ۱. علاوه بر آزمودن میزان دینداری بوسیله تطابق وضعیت خویش با ملاک های مشخص شده در آموزه های دینی، فطرت هر فرد نیز می تواند نقش متمایزی در ارزیابی وضعیت ایمان داشته باشد. ۱. بطور مثال ر. ک: به: فصلت / ۱۰، رعد / ۸، هجر / ۱۹، رعد / ۱۷، حجر / ۲۱. ۲. برای مثال ر. ک: به: آل عمر ان / ۱۹۰، رعد / ۱۹، حج / ۳۲، زمر / ۱۷، ذاریات / ۱۵. ۳. نساء / ۱۴۳ - ۱۳۸.

گام دوم: ضرورت محاسبه نفس و سنجش دینداری

شناخت میزان دینداری هر کس توسط خود فرد، مقدمه ای برای رفع کاستی ها و پیمودن مراحل کمال است. در آموزه های دینی تأکید شده است که هر فرد مسلمان می بایست بصورت مستمر، ابعاد شناختی، انگیزشی و رفتاری خویش را با ملاک های دینی، بررسی کرده و میزان انطباق آن را مورد سنجش قرار دهد. از این اقدام در توصیه های دینی به « مراقبه » و « محاسبه نفس » تعبیر شده است. در همین زمینه، امام کاظم علیه السلام می فرمایند: « از ما نیست هر کس که هر روز به حساب خویش رسیدگی نکند. اگر کار نیکی انجام داده، از خداوند درخواست افزایش آن را بنماید و او را به خاطر آن عمل ستایش نماید و اگر کار بدی از او صادر شده، از خداوند آمرزش بطلبد و به سوی او توبه نماید» ۲. امام رضا علیه السلام نیز می فرمایند: « انسان از پرهیزکاران به شمار نمی رود تا اینکه خود را حسابرسی کند. شدیدتر از حسابرسی شریک نسبت به شریک خود» ۳. علاوه بر بیان ضرورت محاسبه و حسابرسی، در خصوص نحوه انجام آن نیز در آموزه های دینی، توصیه هایی ارائه شده است. بطور نمونه، شخصی از ۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: به: مبانی نظری مقیاس های دینی، صص ۳۲ - ۲۵. ۲. « لیس منّا من لم یحاسب نفسه کلّ یوم فان عمل خیراً استتراد الله منه و حمد الله علیه و ان عمل شراً استغفر الله و تاب الیه » (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۷۲، ح ۲۴). ۳. « لایکون الزجل من المتّقین حتّی یحاسب نفسه اشد من محاسبه الشّریک شریکه » (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۶). حضرت علی علیه السلام پرسید: « ای امیرالمؤمنان علیه السلام چگونه انسان به حساب نفس خویش رسیدگی کند؟» امام فرمود: « چون که یک روز را سپری کرد، در پایان روز به نفس خویش مراجعه کند و بگوید: ای نفس! این روزی بود که بر تو گذشت و هرگز به سوی تو باز نخواهد گشت و خداوند در آنچه در این روز از دست دادی، از تو سوال خواهد نمود. حال در این روز چه کردی؟ آیا ذکر و حمد خدای را به جا آوردی؟ آیا حق برادر مؤمنی را ادا کردی؟ آیا اندوهش را برطرف ساختی؟ آیا در غیاب او، از خانواده و فرزندش نگهداری

کردی؟ آیا پس از مرگش بازماندگان را سرپرستی نمودی؟ آیا با آبروی خویش، از غیبت برادر مؤمن خود جلوگیری نمودی؟ آیا به مسلمانی یاری رساندی؟ در این روز چه کردی؟ آنگاه کارهای خود را بازگو کند. اگر کار خیری انجام داده بود، خدای را به خاطر توفیقی که به او عنایت فرموده ستایش کند و او را بزرگ بدارد. و اگر گناه و معصیت و یا کوتاهی به یادش آمد، از خداوند طلب آمرزش کند و تصمیم به ترک آن در آینده گیرد^۱. حال که اهمیت سنجش دینداری مشخص شد و بیان گردید که از ضرورت های زندگی مؤمنانه، توجه به ملاک های ارزیابی رفتار دینی است، در ادامه به بررسی این ملاک ها می پردازیم. ۱. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۰.

اقدام دوم: شاخص ها و ملاک های سنجش دینداری در متون دینی

کام اول: نحوه رتبه بندی اعمال

در فرهنگ اسلامی، هدف از آفرینش انسان، عبودیت و بندگی خالصانه است و یگانه ملاک رتبه بندی و ارزشگذاری انسان ها در سنجش میزان تحقق این هدف، میزان قرب و بعد انسان ها نسبت به پروردگار هستی است. اعمال، اندیشه ها و احساسات افراد، به میزان نزدیکی یا دوری از قرب الهی، دارای ارزش و جایگاه متفاوتی می باشند. بخشی از این تفاوت در رتبه بندی ها، ناشی از جایگاهی است که خالق هستی برای آن عمل در نظر گرفته است و برخی دیگر، بواسطه وجود برخی مؤلفه ها در فاعل آن عمل است. ملاک سنجش نیز می تواند آیات، روایات و تأمل در زندگی پیشوایان معصوم و بزرگان دینی باشد. بطور مثال، برخی اعمال، نقش مقدمه را برای انجام برخی اعمال دیگر دارند و بدون انجام آن ها، نمی توان انتظار داشت که سایر اعمال به شکل صحیح تحقق یابند. برای نمونه، امر به معروف و نهی از منکر، عملی است که بر پایی سایر فرایض در پرتوی آن امکان پذیر است: «بها تقام الفرائض: بوسیله آن سایر فرائض برپا داشته می شود»^۱. و یا نماز، خیمه و عمود دین شناخته شده است که قبولی سایر اعمال وابسته به پذیرش آن است: «اول ما یحاسب به العبد، الصلوة فان قبلت قبل ما سواها»^۲. برخی از اعمال، اصول اسلام هستند و شریعت بر پایه آنها بنیان گذاری شده است و طبیعتاً ارزشی بیش از سایر عبادات دارند؛ همچنین در یک رتبه بندی دیگر، اعمال واجب بر مستحب مقدم هستند و حتی اگر مستحبات باعث ضرر به واجبات شوند، باید کنار گذاشته شوند: «لاقریه بالتوافل اذا اضرت بالفرائض»^۳. امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید: «اسلام بر پنج چیز پایه گذاری شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت؛ و هیچکس آنگونه که به ولایت سفارش شده به چیز دیگری ندا داده نشده است. مردم آن چهار عمل را انجام داده و ولایت را ترک کرده اند. اگر فردی روزها را به روزه و شب ها را به عبادت بگذراند و در حالی که دارای ولایت نیست بمیرد هیچکدام از نماز و روزه اش پذیرفته نیست»^۴. ۱. الکافی، ج ۵، ص ۵۶، ح ۱. ۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸. ۳. «اگر مستحبات، واجبات را زیان رسانند، بنده را به خدا نزدیک نمی سازند». (نهج البلاغه، حکمت ۲۹) و یا در حدیث دیگر آمده است: «اذا اضرت التوافل بالفرائض فارضوها: وقتی مستحبات به واجبات زیان رسانند، آنها را ترک کنید.» (نهج البلاغه، حکمت ۲۷۹). ۴. امام صادق علیه السلام: «بنی الاسلام علی خمس: الصلاة و الزکاة و الحج و الصوم و الولایة، و لم یند»

کام دوم: اوصاف و شاخصه های فرد دیندار

اشاره

بیان شد که یگانه ملاک، میزان تقرب به خداوند از طریق انجام اعمال است. همچنین معیارهایی برای رتبه بندی اعمال و عبادات

ارائه شد. در ادامه به اجمال، برخی نشانگان و اوصاف فرد دیندار ذکر می‌گردد. بدیهی است که ذکر تمام اوصاف، از حوصله این سطور خارج است و لذا به برخی نشانگان مهمتر اشاره می‌شود.

۱. اوصاف و نشانگان دینداری در بعد عملکردی

انجام عبادت نیاز و محافظت بر آن، روزه گرفتن، برنامه ریزی درست در امر معاش، پرداخت زکات، فداکاری با جان و مال در راه خدا، عمل صالح، سلام کردن، انفاق کردن، استواری در راه خدا، پایداری در دفاع و جنگ، اقامه قسط، راستگویی، ذکر، نیکو سخن گفتن، شهادت عادلانه، اطاعت همه جانبه از خدا و رسول و امام، تزکیه نفس، پرهیز از گناه و دوری از لغو، دوری از زشتی، عفت و پاکدامنی، رعایت تقوا، پرهیز از ستم، یاری دین خدا، هماهنگی دل و گفتار و کردار، امانت داری و..

۲. اوصاف و نشانگان دینداری در بعد عاطفی، انگیزشی و اخلاقی

محبت خدا، رسول و اهل بیت، رضا و خشنودی به قضای الهی، گذشت، صداقت، ترجیح حق بر باطل، صلح رحم، عدم وابستگی به دنیا، رضا و تسلیم امر خدا بودن، اعتماد به خدا، ترجیح دادن خدا بر خویشاوندان خود، خوف و رجاء، همدردی با مؤمنان، هرچه برای خود می‌خواهد برای دیگران نیز بخواهد، توجه قلبی به خدا، پابندی و اولویت دهی به خانواده، حلم و بردباری، پرهیز از خشم نابجا، پابندی به تعهدات، اخلاص، دوستی و مهرورزی، خشوع در عبادت، صبر در شدائد و سختی‌ها، خشم و خشنودی به خاطر خدا، گشاده رویی و اخلاق نیکو. احد بشیء کما نودی بالولایة، فاخذ الناس باریع و ترکوا هذه؛ فلوان احدا صام نهاره و قام ليله و مات بغير ولایة لم یقبل له صوم و لا صلاة» (الکافی، ج ۲، ص ۱۸).

۳. اوصاف و نشانگان دینداری در بعد شناختی و اعتقادی

شناخت و باور به خدا و رسول، آخرت، ملائکه، کتب آسمانی و پیامبران؛ افزایش باور به هنگام تلاوت قرآن، باور به گونه ای که عمل وی آنرا تصدیق کند، باور به دل و زبان و عمل، شناخت دشمنان خدا، به دنبال علم بودن و... ۱۰. برای مطالعه بیشتر ر. ک. به: مبانی نظری مقیاس های دینی، صص ۲۲۱-۲۰۹.

خلاصه مطالب

در ابتدا بیان شد که سنجش میزان دینداری هر فرد، امری مقدور بوده و در آموزه های دینی، ملاک هایی برای آن بیان شده است. همچنین بیان شد که شناخت میزان دینداری، می تواند مقدمه ای برای رفع کاستی ها و پیمودن مراحل کمال باشد که در آموزه های دینی با واژه هایی همچون محاسبه و مراقبه نفس، بر آن تأکید فراوان شده است. در ادامه، گفته شد که چون هدف از آفرینش انسان، عبودیت و بندگی خالصانه است، لذا یگانه ملاک رتبه بندی و ارزشگذاری، میزان قرب و بعد انسان ها نسبت به پروردگار هستی است. سپس دانسته شد که اعمال، اندیشه ها و احساسات براساس جایگاه عمل، دشواری و فایده آن و نیز اخلاص، نیت، تقوا و علم و بصیرت فاعل آن عمل، دارای ارزش متفاوتی می باشند. در پایان نیز اوصاف و نشانگان فرد دیندار در ابعاد «عملکردی»، «عاطفی»، انگیزشی و اخلاقی» و «شناختی و اعتقادی» بیان شد. معرفت و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف موجب

می‌گردد که زن منتظر، شاخصه‌های رفتاری ویژه و خاصی داشته باشد به گونه‌ای که او را از افرادی که اعتقاد به امام ندارند و یا منتظر حضرت نیستند متمایز می‌سازد. زن منتظر به کمک این مباحث می‌تواند میزان ارزشمندی اعمال، اندیشه‌ها و احساسات خویش را با توجه به ملاک و نشانگان ذکر شده، مورد ارزیابی و سنجش قرار دهد و خود را به خصوصیات «زن منتظر واقعی» نزدیک سازد. منابع جهت مطالعه بیشتر: ۱. مبانی نظری مقیاس‌های دینی، جمعی از نویسندگان. ۲. خطبه مربوط به صفات مؤمنین امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه.